

مدیة الزائرین

تألیف: محمد هادی زائر طهرانی

متوفای بعد از ۱۳۲۱ق

تصحیح: سید محمد موسوی نژاد

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۷	دیباچه.....
۹	مقدمه مصحح.....
۲۷	مقدمه مؤلف.....
۲۹	مقصود اول: در بنای کعبه و نصب حجرالاسود.....
۵۷	مقصود دویم: در احوالات مدینه طیبه و مسجد حضرت رسول ﷺ.....
۷۹	مقصود سیّم: در احوالات نجف اشرف، مشهد منور... ..
۹۱	مقصود چهارم: در احوالات کربلای معلی.....
۱۱۷	مقصود پنجم: در احوالات کاظمین.....
۱۲۳	مقصود ششم: در احوالات سرّ من رأی که سامرّا و عسکرین گویند.....
۱۲۹	مقصود هفتم: در احوالات مشهد مقدس.....
۱۵۱	مقصود هشتم: در احوالات شهر قم.....
۱۶۳	مقصود نهم: در احوالات حضرت عبدالعظیم [علیه السلام].....
۱۷۷	پیوست تصاویر.....

دساجه

خوشبختانه در چند دهه اخیر، تلاش‌های ارزشمندی از سوی پژوهشگران حوزه میراث اسلامی در راستای احیای سفرنامه‌های حج و حرمین شریفین و عتبات عالیات و دیگر متون مرتبط با این موضوعات صورت گرفته است. با این حال هنوز می‌توان نسخه‌های خطی ارزشمندی در لابه‌لای قفسه‌های کتابخانه‌ها و مراکز نگهداری میراث اسلامی یافت که نیازمند تصحیح و احیا و عرضه به دستداران و علاقه‌مندان این حوزه است.

کتاب حاضر از معدود تألیفاتی است که به عنوان یک راهنمای زیارتی تا حدودی جامع و البته در عین اختصار، در معرفی و بیان تاریخچه مهم‌ترین زیارتگاه‌ها و مکان‌های مقدس شیعیان در حرمین شریفین، عراق، سوریه و ایران نگاشته شده است. مؤلف این اثر، گاه اطلاعات جالب توجهی درباره هر یک از این مکان‌ها ارائه نموده و کتاب خود را با نگاره‌های زیبایی از مهم‌ترین

زیارتگاه‌ها و مکان‌های معرفی شده، آراسته است.

پژوهشکده حج و زیارت، در راستای احیای متون مربوط به مکان‌های مقدس و زیارتگاه‌های اسلامی در حرمین شریفین و عتبات عالیات، اقدام به انتشار کتاب حاضر نموده است؛ با این امید که مورد استفاده پژوهشگران و محققان این حوزه قرار گیرد. از مصحح محترم این اثر، جناب آقای سید محمد (عارف) موسوی‌نژاد، تقدیر و تشکر به عمل می‌آوریم و برایشان موفقیت‌های روزافزون آرزو مندیم.

گروه تاریخ و سیره

پژوهشکده حج و زیارت

مقدمه مصحح

رساله حاضر که اثری از مرحوم محمدهادی زائر طهرانی^۱ است، در عهد مظفرالدین شاه (۱۳۱۴ - ۱۳۲۴ ه.ق) در سال ۱۳۲۱ ه.ق، در کربلا نوشته شده است. در این رساله که مرکب از نثر و نظم است، مشاهدات مؤلف و نیز تحقیقات وی از کتب معتبر تاریخی بیان شده، تاریخ مراکز زیارتی مانند مکه مکرمه و مدینه منوره و بارگاه‌های امامان و امامزادگان و نیز مدفونین در بارگاه‌ها و نسب آنان و همچنین ساختمان‌ها و گنبدها و تعمیرات صورت گرفته در آنها، به‌طور مفصل ذکر شده است.

مرحوم زائر طهرانی در این اثر، توجه زیادی به کتیبه‌ها، کاشی‌کاری‌ها و اشیای موجود در اماکن زیارتی نشان داده است و اشعاری را نیز از خود و شاعران دیگر مانند قآنی، ناصرالدین شاه و... آورده است. وی کوشیده است در حد امکان، ماده تاریخ‌ها را

۱. متأسفانه در منابع، چیزی راجع به زندگی‌نامه مؤلف موجود نیست.

ذکر و بازخوانی کند. او گاهی شباهت‌های بناها را یادآور می‌شود، فاصله‌های مکان‌ها را ذکر می‌کند و...؛ اما این اثر مشتمل بر نه مقصود است.

مقصود اول: در بنای خانه کعبه و نصب حجرالاسود

مسجدالحرام: مؤلف معتقد است که تاریخ بنای کعبه، ۱۸۹۰ سال پیش از حضرت عیسی مسیح علیه السلام است که در سال تألیف رساله (۱۳۲۱ ه.ق)، حدود ۳۹۱۶ سال از بنای خانه کعبه سپری شده است. بنای اولیه خانه کعبه، به دستان حضرت آدم علیه السلام صورت گرفت. بعد از طوفان نوح، حضرت ابراهیم علیه السلام این خانه را تجدید بنا می‌کرد و به دستور خداوند، همسرش هاجر و فرزندش اسماعیل را در این سرزمین گذارد و خودش بازگشت. پس از جاری شدن آب زمزم به برکت حضرت اسماعیل، قوم جرهم در این مکان ساکن شدند. گفته شده که تا دوران جاهلیت، خانه کعبه سقف نداشت و در این زمان برای آن سقفی ساختند. در دوران اسلامی، خانه کعبه چند بار ویران شده است. از جمله در زمان عبدالله بن زبیر که یک‌بار سپاهیان شام به دستور یزید و بار دیگر از سوی حجاج، خانه کعبه به منجیق بسته شد. گسترش مسجدالحرام در زمان بنی‌امیه صورت گرفت. تعمیرات مسجدالحرام به دستور خلفای عباسی و سلاطین چراکسه مصر انجام شد که اسامی تمامی خلفا و سلاطین، در اطراف و میان خانه، به روی سنگ حک شده است. مؤلف برای مسجدالحرام، ۳۹ در می‌شمارد و

در چهار طرف خانه، شبستان‌ها را نام می‌برد که عرض شبستان‌ها از هر طرف، سیزده زرع^۱ است که کلاً ۲۴۹۰۰ زرع می‌شود.

حجرالاسود: مؤلف برای حجرالاسود، تاریخچه مفصلی آورده است. اولین کسی که حجر را نصب کرد، حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام بود. بعد از طوفان نوح، حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام حجر را در جای خودش قرار داد. در زمان جاهلیت که سیل خانه کعبه را ویران کرد، برای نصب حجرالاسود در بین قریش اختلاف افتاد و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را سر جای خودش قرار داد. در زمانی که حجاج کعبه را ویران کرد و ابن زبیر را کشت، حجرالاسود جابه‌جا شد که حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام آن را دوباره در محلش قرار داد. حجرالاسود در سال‌های ۳۱۷ هـ - ۳۳۹ هـ.ق در دست قرامطه بود که براساس روایتی در کتاب خراج از ابن قولویه، حضرت حجت آن را نصب نمود.

سه ویژگی برای حجرالاسود بیان شده که عبارت‌اند از:

۱. غرق نشدن در آب؛

۲. گرم نشدن در آتش؛

۳. عزت حجرالاسود که همه او را می‌بوسند.

چاه زمزم: عمق چاه از قرقره تا روی آب، چهارده زرع است و قطر چاه تقریباً دو زرع و نیم می‌شود.

گلدسته‌ها: مؤلف، چهار گلدسته مسقف برای مؤذنین مذاهب چهارگانه اهل سنت را نام می‌برد که در وقت نماز، رو به کعبه

۱. ذرع صحیح است.

به نماز می‌ایستادند. این چهار گلدسته عبارت‌اند از:

- شافعی: بین رکن عراقی و رکن حجر؛
- حنفی: بین رکن عراقی و رکن شامی؛
- مالکی: بین رکن شامی و رکن یمانی؛
- حنبلی: بین رکن یمانی و رکن حجر.

اماکنی که در این بخش به آن پرداخته شده، عبارت است از:

- حجون: معروف به قبرستان ابوطالب؛

- شعب ابوطالب: محل تولد پیامبر ﷺ در شعب ابوطالب قرار دارد. مؤلف در آنجا از سنگ سیاه و دایره شکلی یاد می‌کند که پیامبر ﷺ، روی آن به دنیا آمده؛

- تنعیم: قبور شهدای فح، در تنعیم و نزدیک وادی فاطمه قرار دارد. مؤلف برخی از شهدای فح را نام می‌برد.

مقصود دوم: در احوالات مدینه

در این بخش، جغرافیای تاریخی مدینه در دوره اسلامی و تاریخ ساخت مسجد بیان شده است. مؤلف، صحن‌ها و مناره‌های مسجد را نام می‌برد: «مناره‌های مسجد مبارک، پنج است؛ از همه بزرگ‌تر، مناره مایل به جنوب و قبله است و از همه کوچک‌تر، مناره باب‌الرحمه. باقی نیز در زوایای دیگر است». اسم مناره‌ها از این قرار است: «مناره باب‌السلام، مناره باب‌الرحمه، مناره سلیمانیه، مناره رأسیه و مناره اشکلیه که در ایام حج، چراغان است».

مؤلف تاریخچه مفصلی برای منبر پیامبر ﷺ آورده است. از کارهای زیبای مؤلف، یادآوری از کتیبه‌هاست؛ گاهی مطالب کتیبه‌ها را نیز آورده است. به عنوان نمونه:

در صحن مسجد هم در بالای اسطوانه‌ها اسامی ائمه اثناعشر صلوات الله علیهم اجمعین و اسامی عشره مبشره و حضرت حمزه و عباس را به آب‌طلا نوشته‌اند و هیچ متعرض اسم معاویه خال المؤمنین نشده است که اسم او را هم نوشته باشند.

مؤلف درباره قبرستان بقیع و تاریخچه آن، مطالب ارزشمندی ذکر می‌کند و نام بسیاری از دفن‌شدگان در این قبرستان را می‌شمارد. مؤلف قبر چهار امام مظلوم شیعه علیهم‌السلام، قبور فرزندان پیغمبر ﷺ و همسران آن بزرگوار را با توضیحاتی آورده است و راجع به ساخت بناهای قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام می‌گوید:

اصل بنای بقعه ائمه بقیع علیهم‌السلام را مجدالملک رادستانی قمی بنا نموده و او یکی از وزرای سلاطین سلجوقی بود؛ آثار خیر او بسیار است و قبه عثمان بن مظعون که اول کسی است که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او را در بقیع دفن نموده و اصحاب خاص آن حضرت است؛ آن را هم مجدالملک رادستانی ساخته است.

مؤلف بعد از توضیحات درباره بقیع، در ادامه به مقبره حضرت حمزه در احد و شهدای احد، مسجد فتح، کتیبه‌های این ابنیه و قبر حضرت حمزه در وادی صفرا می‌پردازد.

مؤلف در ادامه مطالب این بخش، به مقبره حضرت زینب و حضرت رقیه ع.ا.س. در دمشق اشاره می‌کند و بنای بقعه این دو بزرگوار را از امیر تیمور می‌داند. وی آرامگاه عبدالله بن جعفر، مقبره بلال، مزار سیده نفیسه در مصر، مزار مطهر رأس الحسین ع.ا.س.، قبر عبدالله بن طباطبا را نقل قول کرده است و به نظر می‌رسد که خودش این بناها را ندیده است.

مقصود سوم: در احوالات نجف اشرف

در این بخش، تاریخچه شهر نجف و مناطق اطراف آمده است؛ مؤلف به تاریخچه بارگاه امیرالمؤمنین ع.ا.س. اشاره می‌کند. به گفته وی اولین کسی که برای این بارگاه گنبد ساخته، هارون الرشید بوده است. بعد از آن، خاندان آل‌بویه و سلاطین صفویه و بعد نادرشاه افشار، بر تعمیرات آن کوشیده‌اند.

مؤلف درباره تزئینات داخل گنبد چنین می‌گوید:

نمای داخل گنبد مطهر منور را با کاشی معرّق، مثل قدح‌چینی معلق، ترصیع کرده‌اند که خطوط آن به اسم منوچهرخان معتمدالدوله است. این طور کاشی به این لطافت و امتیاز، کمتر دیده شده. ضریح مطهر از نقره است و پیشکش صفویه می‌باشد. شاه سلطان حسین صفوی، چهار قبه مرصع خیلی ممتاز اعلی برای [۵۰ پ] چهار گوشه ضریح مطهر پیشکش کرده است. روپوش گلابتون‌دوز، از عهد عضدالدوله دیلمی برای روی مقبره مبارک حضرت

فرستاده‌اند. این روپوش از زمانی که قبر مطهر هیچ حفاظ نداشت و از آجر و گچ بود، تاکنون که در روی ضریح مطهر می‌آویزند، تقریباً هشتصد سال بدون عیب است.

بعضی از اشیای موجود در حرم حضرت

از پیشکش‌های نادرشاه، دو الماس بزرگ گران‌بها زمرّد و یاقوت، لعل بسیار ممتاز، یک عطرسوز مرصع خیلی ممتاز، شمشیر جواهر و بعضی جواهرات دیگر است.

از پیشکش‌های زینب بیگم (دختر شاه طهماسب صفوی) نیز می‌توان به قندیل بسیار بزرگ مرصع با فیروزه‌های درشت، قندیل بزرگ با زنجیر طلا و آویز مروارید درشت و جواهرات دیگر اشاره کرد. جقه الماس برلیان ناصرالدین شاه نیز در آنجا قرار دارد. یک تاج طلای مرصع، در قفس به زنجیر آویخته شده است که گفته‌اند از پیشکش‌های هند است. مردم نیز پرده‌های در حرم مطهر که مرواریددوزی و مفتول‌دوزی شده است را پیشکش کرده‌اند.

علمای مدفون در حرم مطهر

سید بحرالعلوم، علامه حلّی و مقدس اردبیلی - اعلی الله مقامهم -، در جنبین ایوان مقدس مدفون هستند.

سمت چپ در قبله، قبر مرحوم شیخ مرتضی انصاری است و روبه‌روی مقبره مرحوم شیخ، مرقد مرحوم حاجی سیداسدالله اصفهانی - اعلی الله مقامه - قرار دارد.

مقبره شیخ طوسی - اعلی الله مقامه - با بعضی از علما، نزدیک به صحن سمت در طوسی و متصل به در طوسی قرار دارد.

هنگام وارد شدن به صحن مقدس، دست چپ، مقبره مرحوم حجت الاسلام حاجی میرزا محمدحسن شیرازی - اعلی الله مقامه - قرار دارد و در سمت بالاسر (دالان) مرحوم شیخ جعفر شوشتری با بعضی از علما مدفون هستند.

مقصود چهارم: در احوالات کربلای معلی

مؤلف اولین بنایی که بر مرقد مطهر امام حسین علیه السلام بعد از چندین بار تخریب قبر مطهر در سنه ۲۴۷ق را نام می برد، بنایی است که منتصر، پسر متوکل، برای قبر مطهر درست کرده است. این بنا کوچک بود و بعدها در دوره آل بویه، بنای وسیع و مرتفعی درست شد. تعمیرات و تذهیب قبه، برای زمان آقا محمدخان قاجار است.

قبور علمای مدفون در حرم

مرحوم آقا باقر بهبهانی و آقا سیدعلی بحر العلوم - اعلی الله مقامهما - در رواق سمت مشرق، مقابل کفشکن مدفون اند. آقا میرزا صالح عرب، مشهور به داماد که از اولاد مرحوم سیدعلی خان کبیر بود، نزدیک به صندوق مدفون است. آقا سیدمهدی شهرستانی و حاجی میرزا حسین شهرستانی مرعشی - اعلی الله مقامهما - در رواق پیش رو مدفون اند. مرحوم شیخ عبدالحسین شیخ العراقین در درب سلطانی مدفون است. آقا شیخ مهدی خلف هم در همان سمت مدفون است.

مرحوم سیدابراهیم قزوینی، صاحب ضوابط و مرحوم فاضل اردکانی، آخوند ملاحسین، مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی، صاحب فصول و آقا سیدمهدی از آل بحرالعلوم، در درب صحن کوچک مدفون‌اند. مرحوم ملا آقافاضل دربندی - اعلی الله مقامه - و ملا محمدحسین یزدی، شیخ محمدحسین قزوینی و آقا سید زین العابدین در مقبره رکن الدوله مدفون‌اند. مرحوم شیخ زین العابدین مازندرانی - اعلی الله مقامه - نیز در درب قاضی الحاجات مدفون است.

مؤلف مطالب بسیاری درباره مرقد مطهر حضرت ابوالفضل علیه السلام ذکر می‌کند. راجع به تولیت و خدام حرمین کربلا نیز چنین می‌نویسد:

خدام حضرت اباعبدالله علیه السلام با خدام جناب ابوالفضل علیه السلام تقریباً چهارصد نفر هستند که بیش از سیصد نفر از آنها از سلسله جلیله سادات هستند. کلیددار و خازن آستان ملایک پاسبان حضرت ابا عبدالله علیه السلام، آقا سید عبدالحسین، پسر مرحوم آقا سیدعلی، نوه مرحوم آقا سیدجواد کلیددار است و نایب کلیددار، آقا سیدمصطفی، امین حرم و کلیددار حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، آقا سیدمرتضی، پسر مرحوم آقا سیدمصطفی است.

در سال ۱۲۱۶ ه. ق، روز عید غدیر، شهر کربلا به دست وهابیان خراب شد و تمام اموال و دارایی این شهر را عبدالله مسعود به غارت برد و آخوند ملا عبدالصمد همدانی را به شهادت رساند. در سال ۱۲۳۳ ه. ق، ابراهیم پاشا ولد محمدعلی پاشا، عبدالله مسعود را

به قتل رسانید. در یازدهم ذی حجه ۱۲۵۸ ه.ق، نجیب پاشا، دوباره شهر کربلا را قتل عام می‌کند که نه‌هزار نفر به شهادت رسیدند.

مقصود پنجم: در احوالات کاظمین

کاظمین مدفن مطهر امام هفتم، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و امام نهم، محمد تقی جواد علیهما السلام است. این مکان در گذشته به مقبره قریش معروف بوده است.

بنای این مرقد مطهر از مجدالملک رادستانی بوده و بعد از آن، شاه اسماعیل صفوی، بنای بقعه مطهر و رواق را انجام می‌دهد. این دو گنبد که هر دو به یک اندازه است، به‌دستور شاه اسماعیل صفوی ساخته شده است. طلای این دو گنبد را فتحعلی شاه قاجار تهیه کرد و آیینه‌کاری داخل حرم مطهر، از میرزا شفیع صدر اعظم است.

تولیت و خدام

خدّام این دو حرم مبارک، ۱۵۰ نفر هستند و کلیددار و خازن حرم مطهر، آقا شیخ علی است.

علمای مدفون در حرم مطهر

ابن قولویه - اعلی الله مقامه - که استاد شیخ مفید علیه السلام است، شیخ مفید - اعلی الله مقامه - و خواجه نصیرالدین طوسی علیه السلام در مسجد بالاسر مدفون هستند. از سمت در قبله به سمت بازار، دو مقبره به فاصله چند قدم وجود دارد که یکی قبر سیدرضی علیه السلام و دیگری قبر سیدمرتضی علیه السلام است.

نایبان حضرت حجت که در بغداد مدفون‌اند: عثمان بن سعید عمروی و محمد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح و علی بن محمد سمیری در بغداد مدفون‌اند. قبر قنبر، غلام امیر مؤمنان علی علیه السلام در بغداد قرار دارد.

مدائن: قبر مبارک حضرت سلمان فارسی، نزدیک طاق کسری است. مقبره حذیفه یمانی و خواجه عبدالله انصاری نیز در آنجاست. قبر مقداد بن اسود، نزدیک شهر وان قرار دارد.

مقصود ششم: در احوالات سامرا

گفته شده که بنای سامرا را یکی از سلاطین اثور بنیان نهادند و آن را به نام خود نامگذاری کرده است. بعدها معتصم عباسی، بنا را تجدید کرده و پانصد هزار دینار خرج ساخت این شهر نمود. ساختمان و گنبد مطهر عسکرین علیهم السلام را احمدخان دنبلی ساخته است. بیشترین آبادانی این شهر، به دست مرحوم حجت الاسلام حاجی میرزا محمدحسن شیرازی انجام شد. پل روی دجله سامره، از ثلث مرحوم حسام الملک همدانی، به دستور مرحوم حجت الاسلام حاجی محمدحسن شیرازی ساخته شده است.

مرقد مطهر سید محمد بَعَّاج، در نزدیکی سامرا قرار دارد. در مسیر سامرا، قبه کوچکی قرار دارد که گفته شده قبر ابراهیم، پسر مالک اشتر است.

مقصود هفتم: در احوالات مشهد مقدس

بیشترین بنای حرم مطهر رضوی، از عهد سلاطین صفویه است و بعد از صفویه، بنا و تعمیرات بسیاری از نادرشاه افشار و از سلاطین قاجار است. مؤلف از بناهای عالی دیگری همچون مدرسه میرزا جعفر نام می‌برد که در عهد اوزبکان ساخته شده است. کاشی‌کاری ایوان شاه عباسی که مقابل ایوان طلاست، یکی از ممتازترین کاشی‌کاری‌هاست. در پشت سر ایوان، محل مدرسه ملاتاج است که به دستان مؤتمن‌الملک، مستشار خراسان، تعمیر شده است. آن مدرسه به جز گلدسته طلای نادری، بنای عالی دیگری ندارد. تعمیر این گلدسته را بعد از نادرشاه، مادر ناصرالدین شاه انجام داد. شمع‌خانه، مکتب‌خانه ایتام، کشیک‌خانه دربانان و محبس‌خانه حضرت در این صحن قرار دارد.

اشیای موجود در حرم

برخی از اشیایی که وقف این حرم مطهر شده است عبارت‌اند از: یک سینی از عصر عباسی، قندیل‌های طلا و نقره، جقه‌ها، تاج و جواهرات (از سلاطین صفویه، نادرشاه افشار و شاهان قاجار)، شمشیر جواهر نشان و پارچه‌های قیمتی و فرش‌ها. زیارتگاه‌های اطراف مشهد: مقبره خواجه ربیع تا مشهد مقدس یک فرسخ فاصله دارد. قدمگاه، در سه منزلی مشهد مقدس، در دامنه کوه واقع شده است و اصل قدمگاه را سلاطین صفویه ساخته‌اند.

مقصود هشتم: در احوالات شهر قم

اولین کسی که بر سر قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام، قبه بنا نهاد، زینب (دختر محمد بن علی الرضا) بود. پیش از آن، سایبانی بالای قبر مطهر بود که در سال ۸۲۹، شاه بیگی بیگم (خواهر گوهرشاد و عروس امیر تیمور) قبه را بزرگ کرد.

قبور درون قبه حضرت معصومه علیها السلام:

- حضرت فاطمه، بنت موسی بن جعفر علیهما السلام؛
 - ام محمد، خواهر محمد بن موسی مبرقع؛
 - میمونه، دختر موسی مبرقع؛
 - ام اسحاق، کنیز محمد بن موسی مبرقع؛
 - ام حبیب، کنیز ابوعلی محمد بن احمد بن الرضا علیهما السلام. او مادر ام کلثوم، دختر محمد بوده است؛
 - ام القاسم دختر علی کوبی از نوادگان امام سجاد علیه السلام؛
 - ابوالحسن بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق علیهما السلام؛
- او اولین نفر از سادات حسینی است که به قم آمد و قبر او به قبه فاطمه علیها السلام، بنت موسی بن جعفر علیهما السلام متصل است.
- صحن مطهر دارای چهار گلدسته و یک عدد ساعت است و دور تا دور حجره‌هایی قرار دارد که به کاشی‌های اعلا تزئین شده‌اند.

بناها و امامزاده‌ها

- مدرسه دارالشفای که اصل بنای آن از عصر صفویه است و تعمیرات آن را نایب‌السلطنه کامران میرزا انجام داده است.

- آب انبار شاه عباسی که در دارالشفای بوده با این ماده تاریخ:
«لغت بیزید باد برگور یزید ۱۴۰۹».

- مسجد امام حسن عسکری علیه السلام که احمد بن اسحاق، به امر امام علیه السلام آن را بنا کرد. این مسجد از یک سمت نزدیک به قبرستان و از یک سمت به دروازه قم ختم می شود. تعمیرات آن مسجد را مرحوم حاجی علی نقی کاشانی انجام داده است.
- مسجد مقدس جمکران.
یکی از امامزاده های معروف قم نیز شاه حمزه است.

مقصود نهم: در احوالات حضرت عبدالعظیم علیه السلام

قبر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام که در شهر ری تهران واقع است، از مجدالملک رادستانی بوده و بنیان ایوان و رواق از شاه طهماسب صفوی است. در سال ۱۲۷۰، به دستور ناصرالدین شاه گنبد آن بزرگوار تذهیب شد. در شهر ری در کنار بارگاه مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، بزرگان زیادی مدفون هستند؛ از جمله امامزاده هادی، ابن بابویه، بی بی زبیده که از علویان است، امامزاده داوود که در شمال تهران است و قبر قنبر، غلام آن حضرت نیز در آنجاست. امامزاده صالح بن موسی بن جعفر علیه السلام در تجریش است؛ امامزاده قاسم در ابتدای کوه شمیران و امامزاده قاضی صابر ونکی در ونک قرار دارد که امامزاده ای صحیح النسب است. در سمت غربی طهران، مزار منور امامزاده حسن قرار دارد که از بنی اعمام حضرت عبدالعظیم علیه السلام است و انتهای نسبشان از یک شجره

است. در سمت شرقی طهران، دو مزار به فاصله یک میدان قرار دارد که یکی مشهور به امامزاده اهل علی است و بقعه او را حاجی محمدحسن تاجر بنا کرده است. دیگری در بقعه مقدس بی بی سکینه خاتون قرار دارد که در زیارتنامه ایشان ذکر شده که خواهر حضرت رضا علیه السلام است.

نسخه‌های موجود از هدیه الزائرین

از این اثر، دو نسخه در کتابخانه‌ها موجود است که هر دو به خط مؤلف است. یکی نسخه شماره ۱۲۴۶۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی با این مشخصات: نستعلیق؛ جمادی‌الاولی، ۱۳۲۱ق، کربلای معلّاً، نشانی‌ها شنگرف، تمام صفحات، مجدول، مرصع، مذهب، محرر، با تعدادی تصاویر رنگی نقاشی شده؛ جلد: تیماج، قهوه‌ای سوخته، ترنج با سر با نقش گل و بوته، مجدول. ۱۱۵ برگ؛ ۲۱×۱۳/۵ سانتی متر؛ ۱۳ سطر؛ [ثبت ۷۹۰۴۱].^۱

دومی، شماره ۲۱۷۳۹ آستان قدس رضوی، اهدای مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، با این مشخصات، خط نسخ ۱۶ سطری، تاریخ تحریر: ربیع الثانی، ۱۳۲۱ ه. ق در کربلا، کاغذ صنعتی حنایی آهار مهره، ۵۷ برگ ۱۱×۱۷/۵، صفحات مجدول کمندکشی شده با شنگرف و لاجورد و زنگار، نسخه مصور، در پایان ۱۳ برگ، تصویر نقاشی از مسجدالحرام، مکه، مدینه منوره،

۱. فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به کوشش: علی صدراپی خویی، ج ۳۵، ص ۴۱۹.

عبات عالیات، بارگاه حضرت معصومه علیها السلام و حضرت عبدالعظیم حسنی علیهما السلام دارد که آنها را از کتاب‌های چاپ سنگی جدا کرده و چسبانده‌اند، با حاشیه‌نویسی، جلد مقوا، رویه مشمع سبز، عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، اهدایی در خرداد ۱۳۷۳.^۱

روش تصحیح

در تصحیح این اثر، با وجود دو نسخه به خط مؤلف، فقط از نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی استفاده شد؛ علت نیز کامل بودن نسخه مجلس شورا است. نسخه آستان قدس، خلاصه‌تر است و قصیده سلامیه که در آخر نسخه مجلس آمده را ندارد. همچنین تصاویری که در آخر نسخه آستان قدس استفاده شده، برگرفته از کتاب‌های چاپ سنگی است؛ اما تصاویر نسخه مجلس شورای اسلامی که هرکدام از تصاویر، در مکان مورد بحث استفاده شده، اصلی است. نسخه استفاده شده، با خط زیبا کتابت شده است و هیچ‌گونه مشکلی در بازخوانی آن به وجود نیامد؛ جز اینکه مواردی از نظر ویرایشی اصلاح شد و آیات و روایاتی را که مؤلف استفاده کرده، در پاورقی درج شده است.

تقدیر و تشکر

در پایان سزاوار است از عزیزان و بزرگوارانی که مرا در تصحیح این اثر یاری کردند، تقدیر و تشکر نمایم:
از کتابخانه مجلس شورای اسلامی و همین‌طور کتابخانه آستان

۱. فهرست نسخه‌های خطی اهدایی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، ج ۸، ص ۴۷۸.

قدس رضوی که تصاویر نسخه‌ها را با کمال گشاده‌رویی در اختیار قرار دادند، کمال سپاس را دارم.

از حجت‌الاسلام و المسلمین آقای بحرالعلوم و پژوهشگرده حج و زیارت که زمینه انتشار این اثر را فراهم کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

از استاد محترم جناب آقای بیگ باباپور که نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی را تهیه و در اختیار قرار دادند، قدردانی می‌نمایم و همین‌طور از آقای علی مشهدی رفیع که زحمت تهیه نسخه آستان قدس را متحمل شدند، تشکر می‌کنم.

دارالسعادة قم

۲۱ اسفند ماه ۱۳۹۲

سیدمحمد (عارف) موسوی نژاد

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين

ولعنة الله على اعداء محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين.

اما بعد، مجموعه‌ای است مختصر، در احوالات مکه معظمه و مشاهد مشرفه مقدسه حضرت رسول و ائمه طاهرين صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين و تاريخ بنا و جغرافیای مسجدالحرام و مدینه طيبه و مشاهد شريفه و ساير اماکن متبرکه و مساجد و بقاع محترمه هریک و معمرین در هر عهد و بانیان هریک از بناهای روضات مقدّسات تصویر و تشریح اعتبار عالیه و بنای آنها و سوانح وارده و غرایب [۳پ] و نوادر متعلقه به هریک که این خادم زائرین آستان ائمه مبین - اقل الحاج محمدهادی زائر طهرانی - به قدر استعداد و قابلیت، آنچه دیده و تحقیق نموده و از کتب معتبره مورخین جمع نموده - که دانستن آن از برای حجاج و زائرین مطلوب و مرغوب

است - به رشته تحریر درآورده تا به منزله دلیلی از برای ایشان در هرکجا بوده باشد که انشاءالله این بنده درگاه را بهره‌ای از ثواب زیارات ایشان حاصل شود - هرچند وصال شیرازی گوید: رهروان را عشق بس باشد دلیل - ولی:

هرکسی از بهر خدمت ارمغانی هدیه داد

زان میان در اضطراب افتاد مور خسته‌ای

امید که انشاءالله تعالی، مقبول طبع آنها گردیده و در هر اماکن متبرکه، این ملتمس دعا را فراموش نفرمایند.

مقصود اول: در بنای کعبه و نصب حجر الاسود

اما بنای خانه کعبه که مفاد آن ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾^۱ است، از حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام است که در سال یک هزار و هشتصد و نود قبل از حضرت عیسی علیه السلام [۴ ر] به وقوع پیوست و از روزی که بنای خانه کعبه شده است، تاکنون که هزار و سیصد و بیست و یک (۱۳۲۱) باشد، سه هزار و نهصد و شانزده سال قمری می باشد که بنای خانه کعبه شده و هرساله که بنی آدم در زمین دور کعبه طواف و حج می کنند، اهل آسمان، دور بیت المعمور طواف می نمایند. بیت المعمور در آسمان چهارم است؛ مثل: شمس، قبله اهل آسمان است؛ همان قسمی که ما وقت عبادت روی به طرف کعبه می کنیم، اهل آسمان روی به طرف بیت المعمور می کنند و بیت المعمور، محاذی ضراح و عرش است. اگر فی المثل سنگی از عرش بیفتد پشت بام ضراح و از آنجا بر پشت بام بیت المعمور

۱. آل عمران: ۹۶.

و از آنجا بر پشت بام خانه کعبه قرار می‌گیرد. و هرساله خداوند عالم قرار داده که سیصد هزار نفر حج کنند؛ اگر عدد آن از فرزندان آدم ناقص باشد، از ملائکه تکمیل عدد می‌کند که خلف وعده نشده باشد. و خانه کعبه را اول، حضرت آدم [عَلَيْهِ السَّلَام] [۴ پ] بنا کرد. وقتی که حضرت آدم [عَلَيْهِ السَّلَام] در آن مکان نشسته بود، جبرئیل قطعه ابری آورد، بر سر آدم [عَلَيْهِ السَّلَام] نگاه داشت و توبه‌اش قبول شد، پس به قدری که آن ابر سایه انداخت، مأمور شد در آن مکان خانه بسازد؛ پس از وادی سلام و طور سینا و صفا و ابوقییس، سنگ‌ها آورد و قواعد بیت را بلند نمود و بعد از طوفان نوح، خلیل الرحمن حضرت ابراهیم [عَلَيْهِ السَّلَام] بنای خانه کعبه نمود.

چون هاجر اسماعیل [عَلَيْهِ السَّلَام] را از حضرت ابراهیم [عَلَيْهِ السَّلَام] آورد، ساره را رشک آمد؛ پس حضرت ابراهیم [عَلَيْهِ السَّلَام] را الزام کرد تا هاجر و اسماعیل [عَلَيْهِ السَّلَام] را از پیش او دور نماید. حضرت خلیل الرحمن [عَلَيْهِ السَّلَام] حضرت اسماعیل [عَلَيْهِ السَّلَام] و هاجر را به زمین مکه آورد؛ مادر و فرزند را به لطف خداوند سپرد و گذاشت در زمین مکه و خود مراجعت کرد. هاجر به جهت رفع عطش خود و پسر، بر آن کوه‌ها می‌دوید. هفت مرتبه به کوه صفا و مروه رفت و باز آمد و از [۵ ر] این جهت، سعی و هروله بین منارتین، بر حاجیان واجب شد. و حضرت اسماعیل [عَلَيْهِ السَّلَام] می‌گریست، پاشنه پا بر زمین بمالید. ناگاه از زیر پاشنه آن حضرت، به قدرت کامله حق تعالی، آب ظاهر گردید. چون هاجر از طلب آب بازگشت، آب را مشاهده نمود. قدری خاک



به دور آن آب پاشید؛ گفت: زمزم، یعنی بایست. مروی است که اگر
هاجر آن آب را بند نمی‌کرد، از همه رودها بزرگ‌تر می‌گشت.
باری، چون آب زمزم در آن موضع پیدا شد، قوم جرهم آمدند، آنجا
مسکن گرفتند و حضرت اسماعیل علیه السلام در میان ایشان پرورش یافت.
و حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از مدتی به اشاره جبرئیل از شام
به مکه آمد و به جمال فرزند دلبند خود خرسند گردید؛ بعد
از دیدن فرزند، به تعلیم حضرت روح‌الأمین و به مدد حضرت
اسماعیل علیه السلام، از سنگ کوه قیقاع و سنگ‌های دیگر، بنای خانه
کعبه نمود؛ و لیکن او را سقف نبود و سنگ حجرالاسود که در
زمان [۵ پ] طوفان نوح در کوه ابوقییس به ودیعت بود، جبرئیل
او را ظاهر کرد، به ابراهیم علیه السلام داد، در موضع معهود نهاد.
و در جاهلیت چاه زمزم انباشته بود و کسی نمی‌دانست؛ جناب
عبدالمطلب، جد امجد رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دید، حفر نمود،
آهوان زرین و اسلحه‌ای یافت. قریش با او نزاع کردند و تفصیل
آن در کتب اخبار مسطور است. و زمانی که قریش کعبه را بنا
می‌کردند، از درختانی که نجاشی، پادشاه حبشه، جهت کلیسای
انطاکیه از راه دریا به شام فرستاده بود، حق تعالی آن کشتی را
غرق ساخت، آن چوب‌ها را به جدّه انداخت و اهل مکه به
رخصت نجاشی، آوردند و خانه کعبه را مسقف کردند.
زمان عبدالله زبیر، چون بنی‌امیه دیوار کعبه را به سنگ منجیق
خراب کرده بودند، آن را عمارت نموده و خانه را دو در ساخت و

حجرالاسود را در اندرون خانه نشانید و گفت [۶ ر]، چون رسول خدا ﷺ فرموده که حجرالاسود از خانه کعبه است، باید در اندرون خانه باشد و اینجا باید نشانید؛ بعد حجاج بن یوسف، وضع عمارت را باطل کرد و حجرالاسود را بیرون آورد؛ چنانکه رسول خدا ﷺ نشانیده بود، جای داد و خانه را مثل صورت اول یک در ساخت.

در بحار [بحارالانوار] است: چون خانه کعبه را حجاج خراب کرد، خاک او را مردم بردند. وقتی که می خواست بنا کند، ماری به هم رسید، مانع بود از بنا؛ رفت به منبر؛ چاره این کار را از مردم خواست. شخصی از پای منبر گفت که از علی بن الحسین علیه السلام چاره این را باید سؤال نمود. حجاج از منبر فرود آمد. خدمت حضرت رسید؛ کیفیت را عرض نمود. حضرت فرمود: برو به منبر؛ بگو به مردم که هرکس خاک کعبه را برده، به جای خود برگرداند. حجاج رفت به منبر؛ گفت به مردم، مردم هرقدر خاکی که برده بودند، به جای خود برگردانیدند؛ آن وقت خانه کعبه را [۶ پ] بنا کرد.

مروى است که حجرالاسود یکی از بزرگان ملائکه است که خداوند او را در کعبه مقیم نموده و ملازم مکه است؛ مردم عوام گمان می کنند که سنگی سیاه می باشد که بِناء، آنجا گذارده. وقتی که خداوند عهد و میثاق می گرفت، به جهت خدایی خود و نبوت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام، اول کسی که اجابت کرد، ملکی بود که حالا حجرالاسود است.

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروى است که چون خدای تعالی عهد

و میثاق از بندگان خود گرفت و امر فرمود حجرالاسود را که تا آن را فرو برد، پس از این جهت در نزد آن می‌گویند «امانتی ادیتها و میثاقی تعاهدته»^۱. و در وقتی که توبه آدم [عَلَيْهِ السَّلَام] قبول شد، به خداوند شکایت کرد از تنهایی؛ خداوند صورت ملک را تغییر داد، او را به صورت درّ سفیدی کرد، از آسمان انداخت به روی زمین هند، پیش حضرت آدم [عَلَيْهِ السَّلَام] آدم او را شناخت و او را در بغل [۷ ر] گرفت، بوسید و تجدید عهد و میثاق کرد؛ برداشت، به دوش خود گرفت به جهت حرمت آن، از سرانندیب هند آمد به مکه. هر وقت خسته می‌شد، جبرئیل او را برمی‌داشت. چون به مکه رسید، ملائکه به امر خداوند خانه کعبه را بنا کردند. جبرئیل به آدم [عَلَيْهِ السَّلَام] گفت: این درّه بیضا را در رکن عراقی نصب کن و مقدار مسافتی که حالا حدّ حرم است که حجّاج غسل می‌کنند، وارد می‌شوند، آن درّه روشنایی می‌داد. بس که معصیت‌کاران او را مس کردند، حالا رنگش تغییر کرده.

حضرت رسول ﷺ در حین طواف به عایشه فرمود: «اگر دست‌های نجس اهل جاهلیت مسّ حجر نکرده بود، هر مریض که دستش به حجر می‌رسید، شفا می‌یافت». «الحجر یمین الله فی ارضه»^۲ به منزله دست راست خداوند است. و حجرالاسود را در سنهٔ سیصد و هفده (۳۱۷) هجری که قرامطه، مکه را قتل عام کردند، حجر را کنند، بردند به کوفه در مسجد جامع، در اسطوانه

۱. المقنع، شیخ صدوق، ص ۲۵۶.

۲. الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، محمدی ری شهری، ص ۱۰۲.

هفتم قرار دادند؛ وقتی که می بردند، چهل شتر نجتی در زیر بار او سقط شد. [۷ پ] و وقتی برگردانیدند، بار کردندش به یک شتر لاغر، آورد در مکه، در زیر بار او فربه شد.

در سنه سیصد و سی و نه (۳۳۹) به مکه معظمه آوردند. مدت بیست و دو سال، در دست قرامطه بود. خلفای عباسی پنجاه هزار دینار می دادند که حجرالاسود را بگیرند، به جای خودش بفرستند؛ قرامطه راضی نمی شدند. وقتی که قرامطه می خواستند حجر را به اسطوانه های مسجد قرار دهند، به اسطوانه اول و دویم قرار نگرفت تا به اسطوانه هفتم قرار گرفت؛ چنان که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از پیش، این خبر را داده بودند.

و این حجرالاسود جمیع مردم را می شناسد و شأن هرکس را می داند. یکی از خواص حجرالاسود این است: هرکس او را استلام کند، محتاج نشود، دست به سؤال دراز نکند، مگر آنکه مخالف آن باشد، و معترف به شأن حجرالاسود نباشد. خاصیت دیگرش این است که چون معصوم است، غیر از معصوم هرکس او را نصب کند، قرار نمی گیرد؛ چنان که اول مرتبه، [۸ ر] حضرت آدم علیه السلام در کعبه نصب نمود و مرتبه دویم، حضرت ابراهیم علیه السلام، حجر را نصب نمود و مرتبه سیّم که سیل خانه کعبه را خراب کرد، قریش خانه کعبه را بنا کردند، حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حجر را نصب فرمود.

این حکایت قبل از بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بود: قریش به جهت وضع حجرالاسود نزاع داشتند. بعد از قیل و قال بسیار، گفتند: از باب

بنی شیبه، هر که داخل شد، او حاکم شود میان ما. در این اثنا، حضرت رسول خدا ﷺ از آن در داخل شد. گفتند: هر چه محمد امین حکم کند، راضی هستیم. پیغمبر ﷺ ردای خزرا را از دوش مبارک برداشت و آن ردا پهن کرد و حجر را در میان ردا گذاشت و فرمود: از هر قبیله قریش، یک نفر بیاید. چهار نفر از صناید قریش آمدند، اطراف عبا را گرفتند، بلند کردند. پیغمبر ﷺ حجر را برداشت، در جایش نصب فرمود.

مرتبه چهارم، حجرالاسود را سید سجاد (علی بن الحسین علیه السلام) نصب [۸ پ] نمود، در زمانی که حجاج بن یوسف خانه کعبه را بر سر عبدالله زبیر خراب کرد و او را کشت، بعد خانه را تعمیر کرد؛ از هر صنفی، بزرگانش آمدند که حجرالاسود را در جایش قرار بدهند، قرار نمی گرفت تا آنکه حضرت علی بن الحسین علیه السلام تشریف آورد، به دست مبارک حجر را برداشت، بوسید، در مکانش گذاشت.

مرتبه پنجم، در زمان قرامطه حجر را از مکه بردند به کوفه و شکستند و حجر را هفده قسمت نمودند؛ ناخوشی در میان قرامطه افتاد؛ دوباره ریزه‌های آن را که قسمت کرده بودند، جمع کردند، بردند به مکه معظمه. این کیفیت در زمان غیبت کبری بود که امام زمان علیه السلام تشریف آورد، حجر را نصب فرمود.

در کتاب خرایج از ابن قولویه نقل می‌کند که استاد شیخ مفید است، گوید که در سال سیصد و سی و نه که قرامطه حجرالاسود را به مکه برگردانیدند، عزم کردم به مکه بروم، ببینم آن کس که

حجرالاسود را [۹ ر] نصب می‌کند کیست. چون در کتاب‌ها دیده بودم که به غیر از معصوم، هرکسی حجر را نصب کند، قرار نمی‌گیرد. در بغداد بیمار شدم؛ نتوانستم به مکه بروم. مردی که او را ابن هشام می‌گفتند، نایب گرفتم؛ او را به مکه فرستادم و رقعۀ نوشتۀ من در این مرض می‌میرم یا نه؟ اگر چنانچه نمی‌میرم، چند سال دیگر زندگی می‌کنم؟ و به ابن هشام گفتم: مقصودم این است که رقعۀ مرا برسانی به کسی که حجرالاسود را نصب می‌کند، جواب بگیری. ابن هشام گوید: چون به مکه رسیدم، روزی که می‌خواستند حجر را نصب کنند، من قدری دراهم و دینار به خدّام کعبه دادم که مرا راه بدهند؛ و یک نفر از خواجه‌های حرم را پول زیاد دادم پیش من باشد که مردم مانع نشوند تا من واضع حجر را بینم.

هرکس می‌آمد از بزرگان معروف که حجر را در مقام خودش نصب کند، قرار نمی‌گرفت. ناگاه [۹ پ] دیدم: در این اثنا، جوان گندم‌گونی، خوش‌رویی آمد و حجر را گرفت، در محل خود نهاد. قرار گرفت؛ به طوری که گویا از اصل کنده نشده بود، صداها به تکبیر بلند شد. آن جوان از میان مردم بیرون رفت و من از عقب او می‌دویدم، لکن او با وقار می‌رفت و من به او نمی‌رسیدم تا به کوچه خلوتی رسیدیم. روی مبارک به من نمود، فرمود: عریضه [ای] که آورده‌ای، بده به من کاغذ را. به او دادم عریضه را. نخوانده فرمود: بگو به ابن قولویه که از این مرض شفا خواهی



یافت و بعد از سی سال خواهی مرد و از نظر من غایب شد.

و از خواص حجرالاسود، دیگر این است که به آب غرق نشود و به آتش گرم نگردد. و یکی دیگر از خواص حجرالاسود عزت او است که همه کس او را می‌بوسد و او را احترام می‌کند. در خبر است: اگر کسی مقابل حجرالاسود معصیتی کند، با آنکه خداوند حلیم و صبور است و تعجیل [۱۰ ر] در عقوبت نمی‌کند، مع هذا در عقوبت او تعجیل می‌کند.

در عوالم بحار [بحارالانوار] مذکور است: سالی در مکه موسم حج، زنی در دور کعبه طواف می‌کرد و مردی در عقب او بود. آن زن دستش را دراز کرد، استلام حجر کند. چشم آن مرد به دستش افتاد. شیطان ملعون وسوسه کرد، دستش را روی دست آن زن گذاشت. دست آن مرد به دست آن زن چسپیده، کم‌کم مردم مطلع شدند؛ هر قدر سعی کردند، از هم جدا نشدند.

خواججه‌های حرم هر دو را به نزد امیر حاج بردند. بعضی گفتند که باید دست مرد را برید. امیر حاج پرسید که از آل رسول، امسال کسی به مکه آمده؟ گفتند: آری، در شب گذشته حضرت حسین بن علی علیه السلام وارد شده. آن مرد و زن را برداشته، خدمت آن جناب بردند؛ کیفیت را به عرض رسانیدند. آن حضرت دعا کردند. بعد از آن، پیش آمدند و دست آن مرد را [۱۰ پ] گرفت و از دست آن زن خلاص نمود. امیر حاج عرض کرد یابن رسول الله! این مرد در چنین جایی جسارت نموده، تنبیهی لازم

است؟ حضرت فرمود: من از خدا خواسته‌ام که از او عفو کند،
بیش از این رسوا نشود و خداوند عفو کرد؛ او را رها کنید.

و دیگر از خواص خانه کعبه این است که مرغی بالای آن
خانه پرواز نتواند کرد و نتواند نشست. حرمت خانه کعبه و سنگ
حجرالاسود و احترام زمین مکه، در اخبار بسیار وارد است. در خبر
است که ابرهه از یمن با لشکر عظیم از جهت خرابی خانه مکه
آمده، دوازده زنجیر فیل همراه آورده بود؛ از جمله فیل بود مسماً
به محمود. چون نزدیک مکه رسیدند، فیل‌ها را پیشاپیش می‌بردند.
فیل محمود، مقدّم بر همه بود. چون به وادی محسّر رسیده، فیل‌ها
ایستادند. آنچه کردند، فیل‌ها قدم از قدم برنداشتند. در این اثنا،
لشکر الهی (مرغ‌های ابابیل) [۱۱ ر] پیدا شدند، همه را هلاک کردند.
وادی محسّر بین مشعر و منا می‌باشد؛ وقتی که حجّاج به آنجا
می‌رسند، شتر را تند می‌رانند، به طریق هروله می‌گذرند.

مروی است که از جانب خدای تعالی به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام
امر شد که هفت مرتبه دور خانه کعبه طواف کند، در عوض
هفت‌هزار سالی که ملائکه دور عرش طواف کردند؛ هر شوطی
به عوض هزار سال طواف ملائکه ثواب دارد. در زمان جاهلیت،
مردم هرکس هر قدر دلش می‌خواست طواف می‌کرد؛ عدد
معینی نداشت. جناب عبدالمطلب (جد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قرار
داد که مردم هفت مرتبه دور خانه کعبه طواف کنند و در زمان
رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن قرار عبدالمطلب، برقرار ماند.

در خبر است: بعد از اینکه قوچ فدای اسماعیل [علیه السلام] را که جبرئیل از بهشت آورده بود، حضرت ابراهیم [علیه السلام] آن را ذبح کرد و آن قوچ کشته را بر درازگوش انداخت، آورد در مکه؛ گوشت او را بر فقرای مکه تقسیم نمود و کله و شاخ‌هایش را به خانه کعبه آویخت که بسیاری [۱۱ پ] از مردم در زمان جاهلیت آن را دیدند.

ابن عباس گوید: دیدم کله قوچ فدای اسماعیل را با شاخ‌هایش به ناودان خانه کعبه آویخته بود و خشک شده بود. و کله به همان حالت باقی بود تا زمان عبدالله زبیر که پرده خانه کعبه آتش گرفت، کله و شاخ‌ها ناپیدا شد. پوست آن قوچ را جناب ابراهیم [علیه السلام] سفره کرد و مردم را روی او طعام می‌داد؛ و آن سفره بود تا زمانی که حضرت موسی [علیه السلام] متولد شد و موسی را مادرش در صندوق گذاشت و در نیل انداخت؛ آن سفره را به آن صندوق پیچید و در نیل که انداخت، مفقود شد. پشم آن قوچ را هاجر رشته جامه [ای] بافت که حضرت خلیل الرحمن [علیه السلام] می‌پوشید و آن جامه به خاتم انبیا [صلی الله علیه و آله] رسید و الحال، در نزد حضرت قائم [علیه السلام] است.

از روزی که بنای خانه کعبه شده است، آن قدر اهراق دمآء هدایا شده است و خون گوسفند قربانی ریخته شده است [۱۲ ر] که خدا می‌داند و بس. اول، خود بانای کعبه (حضرت خلیل الرحمن [علیه السلام]) پسر خود اسماعیل را هدیه کعبه نمود؛ لکن خداوند قبول کرد، فدا فرستاد. بعد از ابراهیم [علیه السلام]، اول کسی که بدنه هدی از برای کعبه آورد، الیاس ابن مضر بود و این الیاس از

اجداد خاتم انبیا می‌باشد. و پیغمبران و سلاطین مؤمن، همه ساله ارسال هدیه می‌کردند. از آن جمله سلیمان بن داود عَلَيْهِ السَّلَام بود؛ آمد به مکه، چند روز توقف کرد، هر روز پنج هزار شتر نحر می‌کرد، سوای گاو و گوسفند؛ و مردم را خبر داد که پیغمبری از عرب در این شهر مبعوث شود که خاتم پیغمبران خواهد بود.

تبّع، پادشاه یمن، اول کافر بود جمعی را برداشت آورد؛ آمد، خواست تا خانه کعبه را خراب کند و مکیان را قتل کند، چشم‌هایش از حدقه بیرون افتاد. چون قصد خرابی خانه کعبه را از دل خود بیرون برد، چشمش شفا یافت؛ برگشت به حدقه، به حالت اول آمد. به مکه یک ماه ماند. هر روز صد شتر نحر می‌کرد و طعام می‌پخت، به اهل مکه می‌خورانید و خانه کعبه را جامه [۱۲ پ] پوشانید. و هیچ سال به قدر سال حجة الوداع، شتر هدیه به مکه نرفت. به جهت اینکه پیغمبر به مردم اعلام کرد که امسال، مردم بیایند مناسک خود را از من یاد بگیرند.

و در آن سال، هفتاد هزار نفر با پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حج آمدند، غالباً شتر هدیه داشتند، از یکی تا صد تا؛ از آن جمله، خود پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شصت شتری هدیه از مدینه اشعار و تقلید کرد و سوق هدیه نمود، همراه خود به مکه آورد؛ و حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در یمن بود و از یمن سی و چهار شتر هدیه کعبه کرد و با خود آورد و به پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ملحق شد؛ یوم عید، آیه مبارکه نازل شد ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾^۱

۱. کوثر: ۲.



علامه مجلسی در بحار [الانوار] نقل کرده که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حجة الوداع، صد شتر هدی سوق کرده، به مکه آورد؛ چون حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام از یمن شتر هدی با خود نیاورده بود، سی و چهار شتر هدی به جهت حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام قرار داد. مجموع صد شتر را پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دست مبارک خود نحر کرد؛ هدی خود و هدی امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را که امیر بر اصحاب فخر نمود که کیست مثل من و حال آنکه آنقدر نفس من با پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتحاد داشت که پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [۱۳ ر] شترهای قربانی مرا عوض من به دست مبارک خودش نحر نمود.

و از آن زمان تا کنون معین است که هر سال موسم حج، چقدر خون در مناریخته می شود که کسی از عهده حساب او بر نمی آید. الحاصل، اخبار در احوالات مکه و در فضیلت خانه کعبه و شرافت زمین مکه در کتب علما مبسوط؛ و مکه جایی است که مکرر نزول وحی در آنجا شده، جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام و ملائکه در آنجا آمد و شد نموده و به خدمت رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیده اند. و سابق بر این، منزل خلیل ربّ جلیل بوده، با وجودی که بیت المقدس، قبله اهل کتاب بوده و حضرت خاتم انبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مدتی بدان سمت نماز می کرد؛ در سنه دو یا سه هجری در بین صلوات عصر، به امر الهی توجه به سمت کعبه آورده؛ و از بناهای حضرت داود عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام می باشد، [ولی] به شرافت خانه کعبه و زمین مکه نمی باشد. در کتب مورخین مسطور است از ارزه الی برزه که بلاد فلسطین و

بیت المقدس و شام است، هفتاد هزار پیغمبر مدفون است، که از آن جمله [۱۳ پ] حضرت داوود و حضرت سلیمان [علیهم السلام] در بیت المقدس و حضرت ابراهیم [علیه السلام] و ساره و اسحاق و یوسف و حضرت موسی و عزیر و یوشع و حضرت یعقوب و ایوب پیغمبر [علیهم السلام] و حبیب نجار که در قدس خلیل و آن اطراف مدفون‌اند. و مکان‌های شریف دیگر مثل کوه زیت که مریم مادر عیسی [علیه السلام] در آنجا مدفون است، صخره صمّا و مقام انبیا؛ لهذا نمی‌رسد به شرافت خانه کعبه و زمین مکه، بلکه زمین مکه معظمه، سرزمینی است که پیوسته منزلگاه خلیل و انبیا از آدم [علیه السلام] تا خاتم [صلی الله علیه و آله] و همیشه مهبط وحی و محلّ نزول کزوئیان بوده و در آنجا سید انبیا [صلی الله علیه و آله] و حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا [علیها السلام] متولد گشته.

جای مولود اگر نبود آنجا

نبدی حاجی و نه بیت الله

طواف خانه کعبه ازان شد بر همه واجب

که در آنجا به وجود آمد علی بن ابی طالب

چنان‌که در زیارت حضرت امیر [علیه السلام] در روز مولود حضرت خاتم انبیا [صلی الله علیه و آله] می‌خوانی: «السّلام علیک یا من شرفّت به مکة و منی، و السّلام علیک یا من وُلد [ر] فی الکعبه». ^۱ چو خوش گوید ریاضی:

بنیاد کعبه کرد ز رویش خلیل خال

مطبوع طبع هم عجم افتاد هم عرب

۱. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۶۶۸.



القصه، مقصود عمارات ظاهری و بناها و مواضع متبرکه آن است. و اما مکه معظمه «زاد الله شرفاً» در عرض بیست و یک درجه، سی و سه دقیقه شمالی و در طول چهل درجه، ده دقیقه شرقی؛ و جمعیت مکه معظمه در این سنوت، تقریباً چهل هزار نفر می‌باشد؛ و اصل مکه و خانه‌ها، به درازی تنگه و فاصله کوه ابوقبیس و جبل دگر واقع شده و به همین واسطه از سیلاب ایمن نیست؛ چنان‌که یک وقتی سیل آمد، سبب خرابی بیت مبارک شد و بعد در وادی عشر کزفر که میان جبل نور و شهر مکه معظمه است، سلطان سلیمان عثمانی، سدی عظیم ساخته که آب سیل را [۱۴ پ] از مکه بر گردانیده است و طول آن سد، تقریباً پانصد، ششصد زرع می‌شود.

اما بنای مسجدالحرام و خانه کعبه فی‌الجمله این است. مسجدالحرام را بنی‌امیه بزرگ کرده‌اند؛ و تعمیرات مسجدالحرام از خلفای عباسی و از سلاطین عثمانی و چراکسه مصر می‌باشد و اسم آنها به سنگ کنده در میان خانه و اطراف خانه نصب کرده‌اند. از چراکسه مصر، اول ملک‌الاشرف در سنه هشتصد و بیست و شش (۸۲۶) تعمیر نموده؛ ملک‌الاشرف اینال ناصری در سنه هشتصد و پنجاه و هشت (۸۵۸) به تجدید آنجا اقدام نموده و خادم‌الحرمین، قایتبای، در سنه هشتصد و هشتاد و چهار (۸۸۴) تعمیر کرده است؛ ملک‌الکامل قانصوه غوری در سنه نهصد و پانزده (۹۱۵) تعمیر نموده، قانصوه آخر سلاطین [۱۵ ر] چراکسه مصر می‌باشد. سلطان محمدخان عثمانی هم بعد، تعمیرات نموده و در این

سنوات، خادم الحرمین سلطان عثمانی (سلطان عبدالحمیدخان) هر ساله که لزوم به هم رسانید، تعمیر می‌کند. و مسجدالحرام سی و نه در دارد و در سمت باب‌الزبارة که غربی خانه است، هفت در دارد و در سمت باب ابراهیم که جنوبی خانه کعبه است، چهار در است و در سمت باب‌الصفا که شرقی خانه کعبه است، هفده در است و در سمت باب‌السّلام که شمالی بیت مبارک است، یازده در است.

و طول مسجدالحرام از شمال به جنوب است که مشتمل بر سی و شش طاق است که دهنه هر طاق، چهار زرع و نیم است که مجموع آن یکصد [۱۵ پ] و شصت زرع می‌شود. عرض مسجدالحرام بر طول خانه کعبه اتفاق افتاده است که از مشرق به مغرب است؛ مشتمل بر بیست و چهار طاق که دهنه هر طاقی چهار زرع و نیم می‌شود که مجموع آن صد و هشت زرع است. و چهار طرف، شبستان است که عرض شبستان‌ها از همه طرف سیزده زرع است که حیث المساحه به استثنای شبستان‌ها زرع اندر زرع، هفده هزار و دویست و هشتاد زرع است، با شبستان‌ها بیست و چهار هزار و نهصد زرع می‌شود.

مجموع میل‌های سنگی که طاق‌ها را بر بالای آنها بنا نهاده‌اند، پانصد است و از جمله آن پانصد میل، یکصد و بیست و پنج آن سنگ کوچک است که مثل آجر تراش بر بالای هم نهاده‌اند، کار کرده‌اند [۱۶ ر] و دیگر سیصد و هفتاد و پنج میل آن، یکپارچه است که از سنگ سفید است و بلندی هر یک، تخمیناً سه

زرع و نیم است و قطر هریک، نیم زرع می شود.

اما اصل خانه کعبه که در وسط مسجدالحرام واقع است و کعبه بدین اسم موسوم شده است، از آنکه در وسط دنیا است یا آنکه مربع است. مقابل بیت المعمور در آسمان چهارم و عرش نیز مربع است. و کعبه را چهار رکن است: رکن عراقی، رکن شامی، رکن یمانی [و] رکن مغربی که سنگ حجر نصب است. رکن حجر محاذی رکن عراقی است، از یک سمت و به اندازه شش و جب بلند است از زمین. از حجرالاسود تا رکن یمانی که بر طول مسجدالحرام است، [و] عرض خانه [۱۶ پ] حساب می شود، ده زرع است. و از رکن یمانی تا رکن شامی که عرض مسجد و طول خانه است، دوازده زرع است. و حجرالاسود در رکن شرقی جنوبی واقع است که شکسته اند، هفده قطعه است، چسپانیده اند، به نقره گرفته اند. رکن یمانی در غربی جنوبی؛ رکن عراقی مابین مشرق شمال؛ رکن شامی در مقابل حجرالاسود در غربی شمالی؛ و باب بیت، مابین رکن حجرالاسود و رکن عراقی که به حجرالاسود نزدیک تر است و از زمین به اندازه دو زرع بلند است که پله می گذارند، داخل بیت مبارک می شوند، چهار حلقه از نقره دارد.

میزاب رحمت که مردم، ناودان طلا می گویند، مابین رکن عراقی و رکن شامی است و در زیر او در پرده سیاه که جامه کعبه است، اسم [۱۷] سلاطین است، با مفتول دوزی زرد نقش می کنند و در هر سال، جامه کعبه را عوض می نمایند. و حجر اسماعیل [عاشق] در زیر میزاب

رحمت است که آب ناودان طلا به حجر اسماعیل [عَلَيْهِ السَّلَام] می‌ریزد.

و اما حجر اسماعیل [عَلَيْهِ السَّلَام]، دیواری است کوتاه، مستدیر، مانند نصف دایره و طول آن، عرض کعبه است و مرقد هفتاد پیغمبر جلیل‌القدر است؛ هاجر و اسماعیل [عَلَيْهِ السَّلَام] را در آن محل، حکایات بسیار است. مستجار، مابین رکن یمانی و رکن شامی است که مقابل در خانه کعبه است که متصل به رکن یمانی است. مستجار: بدین جهت گویند که انبیاء در این محل استجاره می‌کردند و دعا‌های ایشان مستجاب می‌شد، حاجتمندان در آنجا دعا می‌کنند.

حطیم: بین حجرالاسود و باب [۱۷ پ] خانه کعبه است که حضرت ابراهیم و اسماعیل [عَلَيْهِ السَّلَام]، گِل از جهت خانه کعبه در این موضع می‌ساختند؛ یا حطیم می‌نامند از آنکه از ازدحام حاج، مردم به هم می‌خوردند، [و] یکدیگر را خورد می‌کردند. حطم به معنای خورد کردن است؛ افضل بقاع ارض است آن محل.

شاذروان^۱: و آن عبارت از سکوی باریکی است که متصل به خانه و اطراف آن واقع است. از سطح حرم، تقریباً نیم زراع ارتفاع دارد، به اختلاف بعضی مواضع؛ و عرض آن یک وجب و آن هم به اختلاف و جزو خانه است. در حال طواف، بر آن سکو دست نباید بگذارند. در پشت‌بام خانه کعبه، از میان بیت مبارک و طرف رکن عراقی است و در روی بام، قدری گود است؛ یعنی دیوار اطراف او بلند

۱. صحیح آن شاذروان است.

است. از [۱۸ ر] روی کوه ابوقبیس که نگاه می‌کنی، تقریباً نیم زرع است. دیوار مقام ابراهیم [ع] در برابر خانه خدا واقع شده که به رکن عراقی نزدیک‌تر است. در مابین شمال و مشرق بیست [و] شش زرع [و] نیم تا خانه کعبه مسافت دارد و آن مقامی است که ابراهیم [ع] ایستاد، بعد از بنای خانه کعبه و مردمان را ندا به حج کرد. در میان مقام ابراهیم [ع]، ضریحی است که روپوش گلابتون، هر ساله تجدید می‌کنند. و در آنجا سنگی است که جای پای مبارک حضرت ابراهیم [ع] است که بالای او در بنای کعبه ایستاده و مردم، آب زمزم در آنجا ریخته، به جهت استشفای می‌آشامند. دو رکعت نماز طواف عمره و تمتع و دو رکعت نماز حج تمتع، با دو رکعت نماز طواف نساء را حجاج در پشت مقام، به جای می‌آورند.

چاه زمزم در شرقی خانه که در طرف حجرالاسود است [۱۸ پ] می‌باشد. عمق چاه از قرقره که آب می‌کشند تا روی آب، چهارده زرع است که سه زرع از قرقره تا کف زمین می‌شود و روی چاه را طاق زده‌اند و اطراف چاه را از مرمر بالا آورده‌اند. قطر چاه تخمیناً دو زرع و نیم می‌شود و در وقت تعمیرات مسجدالحرام، چهار مسقف و گلدسته، جای مؤذن و مکبر ساخته‌اند، به جهت نماز شافعی، حنفی، مالکی، [و] حنبلی. در وقت نماز، هریک به یک سمت رو به روی کعبه، امام جماعت می‌ایستند به نماز. شافعی بین رکن عراقی و رکن حجر، حنفی بین رکن عراقی و رکن شامی، مالکی بین رکن شامی و رکن یمانی، [و] حنبلی بین رکن یمانی و حجر.

القَصَه کوه صفا در شرقی خانه در دامنه کوه ابوقبیس است و کوه مروه فیما بین شمال و مشرق و خانه خداست. [۲۰ ر] و فاصل میان کوه صفا و مروه، سیصد و چهارده زرع است. لفظ کوه نمی توان به صفا و مروه اطلاق کرد؛ از شعبه های کوه ابوقبیس و کوه های دیگر است. ابوقبیس در شرقی مایل به جنوب بیت الله است؛ و بالای کوه دو مقام است: یک مسجدی است که شق القمر آنجا شده و مسجد دیگر را می گویند، بلال در آنجا اذان گفته.

در خبر است در وقتی که خاتم انبیا صلی الله علیه و آله قمر را به امر خدا شق نمود و دو نیم شد، یک نیمه، بالای کوه صفا ایستاد و یک نیمه بالای کوه مروه. و منا قریب به مکه است و در طرف مشرق مایل به جنوب مکه است و منا مابین دو کوه واقع شده. و مسجد خیف و میل های جمرات - که حاج [هنگام]، برگشتن از عرفات و مشعر سنگ ریزه به آن میل ها می زنند - و مذبح قربانی، در منا می باشد. و مسجد خیف را اول [۲۰ پ] قایتبای در سنه هشتصد و نود و چهار (۸۹۴) ساخته و بعد سلطان احمدخان ابن سلطان محمدخان ثالث در سنه هزار و بیست و پنج (۱۰۲۵) تعمیر نموده و در میان صحن، گنبدی است که اطراف آن باز است و محراب هم دارد؛ معلوم می شود که جای حضرت رسالت آنجا بوده. و مسجد آن است که قایتبای ساخته است و عرض مسجد، چهار ستون است و طول مسجد، بیست و یک ستون است. طول صحن مسجد، هشتاد و یک زرع است و عرض صحن مسجد، نود [و] یک زرع و از منا

تا مشعرالحرام، یک ساعت راه است و مشعرالحرام جایی است که حاج [هنگام] برگشتن از عرفات، شب عید را آنجا بیتوته می‌کنند و سنگ‌ریزه را از برای جمره زدن از کوهی که در آن موضع است، جمع می‌کنند و از مشعرالحرام تا عرفات دو ساعت [۲۱ ر] راه است.

و عرفات هم، در مشرق مایل به جنوب بیت‌الله است و آب عرفات را زبیده، زن هارون‌الرشید، از طایف آورده؛ یعنی قنات کنده و الحق خیرات عظیمی است که از کوهستان طایف تا آنجا آب را آورده و اکنون آب مکه معظمه، همان آب است که به فاصله دو زرع و سه زرع، در زیر زمین جاری است. و در عرفات، مسجدی است، به مسجد ابراهیم معروف است و آن مسجد، در طرف ایمن واقع شده. جبل الرحمه همان جبل عرفات است که حضرت آدم [عَلَيْهِ السَّلَام]، حوا را آنجا شناخت و عرفات جایی است که حجّاج از ظهر تا غروب آفتاب روز عرفه، در آنجا وقوف می‌کنند.

حجون، معروف و مشهور است به قبرستان ابوطالب؛ در سر راه منا واقع است و در حدیث معتبر وارد شده که «الحجون والبقیع یؤخذان باطرافها و ینشران فی الجنة»؛ [۲۱ پ] یعنی این دو قطعه را چهار گوشه او را می‌گیرند، مانند پلاس می‌تکانند به بهشت. و قبر حضرت خدیجه کبرا [عَلَيْهَا السَّلَام] در حجون، بقعه علاحده دارد و حضرت عبدالمطلب و عبدمناف در یک بقعه می‌باشند و حضرت ابوطالب، بقعه دیگر دارد و حضرت آمنه

۱. تخريج الأحاديث والآثار، الزیلعی، ج ۱، ص ۱۹۹.

ام‌رسول ﷺ در بقعه دیگر است؛ ولی موافق اخبار صحیحه در ابواء سه منزلی مدینه طیبه وفات یافت، مدفنشان آنجاست.

و هاشم، پدر عبدالمطلب، در غزه شام مدفون است. غزه بندری است در میان مصر و شام. الحاصل، خانه حضرت خدیجه کبر [ع] در مکه است که تولد حضرت صدیقه طاهره عا [ع] در آنجا شده است. و مولودخانه حضرت رسول ﷺ در شعب ابوطالب است، دو پله می‌خورد تا پایین می‌رود و در آنجا سنگ سیاه مدوری است.

چنین می‌گویند [۲۲ ر] که حضرت رسول ﷺ در بالای آن سنگ، زینت‌بخش عالم امکان شده است. و در میان کوچه زقاق الحجر، سنگ سیاه مستطیلی نصب است که می‌گویند: آن سنگ به حضرت رسول ﷺ سلام داده. عجب این است که خانه ابوجهل ملعون، مستراح مسجدالحرام واقع شده؛ هرچند عجیبی نیست، باید اتفاق بیفتد. الحاصل، کوه حرا که اکنون به جبل نور معروف است، مابین شمال و مشرق مکه واقع شده است؛ و تا مکه معظمه تقریباً یک فرسخ است و در آن کوه، جبرئیل به حضرت رسول ﷺ نازل شده و ابلاغ نبوت از جانب پروردگار به جهت آن فخر کاینات آورده و سوره علق در آنجا شرف نزول یافته و آن، اول سوره‌ای ست که نازل شده.

معروف است که انشراح صدر حضرت در این کوه شده؛ اگرچه در طایفه بنی‌سعیده شده و سوره [۲۲ پ] ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ﴾ در مدینه طیبه نازل شده، دخلی به این مکان ندارد. باری، غار حرا،



غار [ی] کوچک است که حضرت رسالت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از نبوت در آن مکان شریف، به عبادت خدا مشغول بودند. و از مکه معظمه تا جبل الثور، یک فرسخ [و] نیم است و در جنوب واقعی مکه اتفاق افتاده و جبل الثور، همان است که حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام را به جای خود خوابانید و حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مکه معظمه هجرت کردند به سوی مدینه، به این جبل تشریف آورده‌اند و در غاری که سنگ مجوفی است، تقریباً پنج زرع طول و دو زرع عرض دارد، پنهان شده و در آن غار، عنکبوت تنید و کبوتر بچه گذارد که کفار قریش پی نبرند.

به عبارت کتاب تاریخ معتمدالدوله مرحوم، در حقیقت تشریف بردن آن حضرت [۲۳ ر] به آن مکان به حکمت بوده است که کسی خیال تشریف‌فرمایی ایشان را به مدینه منوره نکند و مدینه منوره در سمت شمالی مکه واقع است و این کوه در جنوب مکه است. و به قول شاعر: «چپ آوازه افکنند و از راست شد». و مستحب است در مکه معظمه، مشرف شدن به موضع تولد حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در منزل حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام و زیارت قبر ابوطالب و رفتن به غار حرا و به غاری که در کوه ثور است.

باری، قبور شهدای فخر در تنعیم است که قریب به وادی فاطمه می‌باشد و شهدای فخر، آنچه معلوم می‌شود، در طرف طایف است که در شرقی مکه است. شهدای فخر، حسین بن علی بن حسن الثالث بن حسن الثانی بن حسن المجتبی عَلَيْهِ السَّلَام که با سلیمان بن

عبدالله الحسن و عبدالله بن اسحاق بن ابراهیم بن الحسن و حسن ابن محمد و از سادات [۲۳ پ] حسینی چندین نفر و جمعی دیگر می‌باشند که بیست و شش نفر از اولاد علی علیه السلام هم هستند، ایام خلافت موسی الهادی بالله از خلفای بنی عباس بود.

خلیفه لشکر مأمور کرد سید حسین را با جمعی از سادات شهید کردند که حضرت امام محمد تقی علیه السلام فرمود: که بعد از واقعه کربلا، اعظم از جنگ فخ واقع نشد. در شبی که سید حسین کشته شد، بر سراب‌های غطفان آن قبیله تا صبح، صدای نوحه جن می‌شنیدند. ایضاً امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید که پیغمبر صلی الله علیه و آله در فخ از مرکب فرود آمد، دو رکعت نماز خواندند و فرمودند: جبرئیل نازل شد و گفت، یکی از فرزندان تو در این زمین کشته خواهد شد و احترامات کسی که با او کشته می‌شود، [د] و برابر شهیدان دیگر است. و حضرت صادق علیه السلام نیز در فخ فرود آمد و نماز [۲۵ ر] کرد که اینجا مردی از اهل بیت من کشته خواهد شد با گروهی که ارواح ایشان سبقت خواهد کرد به سوی بهشت. و دعبل خزاعی در قصیده خود که خدمت علی بن موسی الرضا علیهما السلام عرض کرده، اشاره بدین موضع است «و آخری بطبة و آخری بفخ نالها صلواتی»^۱ الحاصل بالفعل، فخ موضعی است نزدیک مکه که اطفال را از آنجا محرم می‌کنند.

۱. متن «موسا».

۲. قبور بکوفان، و آخری بطبة و آخری بفخ، نالها صلوات؛ چهارده نور پاک، دکتر عقیقی

بخشایشی، ج ۹، ص ۱۱۵۶.

و سنت است هر که از مکه بیرون می‌رود، از باب الحناطین که مقابل رکن شامی است، بیرون رود. باب الحناطین بدین سبب گویند که حنطه فروش‌ها، حنوط می‌فروختند و مستحب است از در بنی شیبیه، داخل مسجد الحرام شوند. گویا جهت از در بنی شیبیه داخل شدن، بدین جهت است که حضرت رسول ﷺ، بت‌هایی که در خانه کعبه بود برداشتند، در آن محل دفن نمودند و آن در بالفعل، برابر باب السلام است؛ [۲۵ پ] پس باید شخصی که از باب السلام داخل شود، راست برود تا ستون‌ها و در اطراف بیت، چون مسجد قدیم را علامتی گذاشته‌اند که ستون‌های امنی دارد و باب بنی شیبیه آنجا بوده است که بعد مسجد را بزرگ کرده‌اند. حالا هم که داخل مسجد الحرام می‌شوی به آن علامت‌ها بررسی، باب بنی شیبیه معلوم است، در طرف بیت واقع است. و مستحب است وقت داخل شدن در مکه، از راه اعلای مکه که راه عقبه باشد، داخل شود و وقت رفتن، از اسفل مکه که ذی طوی باشد و ذی طوی داخل در حرم است، تقریباً یک فرسخ است تا مکه؛ در ذی طوی، خانه‌های مکه نمایان است و مکروه است مجاورت مکه معظمه.

و دیگر از مکه معظمه تا جده، شانزده ساعت راه است که ده ساعت با یعفور پسته می‌رود. و [۲۶ ر] در جدّه از باب المکه که بیرون می‌روی، به دست چپ، قبرستان بزرگی است؛ سکوی طولانی، در وسط قبور است به ارتفاع یک زرع و امتداد دویست قدم که تقریباً یک صد و چهل زرع می‌شود و عرض آن دو زرع

و می‌گویند، قبر حضرت ام‌البشر، حوا می‌باشد. و امتداد سکو، قامت علیا جناب او می‌باشد؛ چون بر تمام بدن ممکن نبود، رواقی ساخته شود، لهذا در وسط که جای ناف و سرّه است، گنبدی ساخته‌اند، ضریحی گذاشته‌اند و سنگی نصب کرده‌اند و متولی دارد، [و] محل زیارتگاه است.

الحاصل، نوشته‌اند و معروف است: در سابق در روز عاشورا، اهل مکه عیش و عشرت داشتند، ساز طنبور می‌زدند، به جهت اینکه می‌گفتند که کشتی نوح پیغمبر علیه السلام، امروز در جودی قرار گرفت؛ بنی‌امیه این ساز را کوک کرده بودند. شریف مکه [۲۶ پ] (شریف عون) این عمل شنیع را موقوف کرد که از برای کشتی نوح باید عیش عشرت کرد و نباید برای پسر فاطمه علیها السلام که امروز شهید شده، محزون [و] ملول شد، آن یکی کار غیر معلوم است و این یکی کار محقق است که سبط رسول در این روز شهید شده است، و حضرت رسول صلی الله علیه و آله، امروز ملول و محزون است. بر ما چه افتاده که متابعت پیغمبر خود را گذاشته، متابعت امت حضرت نوح علیه السلام را بکنیم؟ در ایام امارت شریف عون، این رسم بنی‌امیه موقوف شد.

باری، مواضع شریف دیگر، مسجد غدیر خم است که در راه مکه و مدینه واقع است که به مکه نزدیک‌تر است؛ در رابغ و نزدیک جحفه و رابغ در سه منزلی مکه است و جحفه، اسم قریه‌ای بوده است که اکنون، هیچ آثاری ندارد. [۲۷ ر] علامت مکانی باقی



است که اهل سنت و جماعت از جحفه محرم می‌شوند. در وقت رفتن به مدینه طیبه از مکه معظمه، از منزل خزیمه به غدیر خم و از آنجا به رابع آیند و نزدیک جحفه است. و مسجد غدیر خم جایی است که حضرت رسول ﷺ دست امیرالمؤمنین عَلِيٍّ را گرفت و فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه»^۱. به گفته مولوی «هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست» و این خادم زائرین، در تبریک عید غدیر که به آستان مقدس حضرت امیر مشرف شده، دو قطعه این رباعی را در روز عید عرض کردم و تقدیم آستان مقدس نموده:

اليوم رسول حق به فرمان اله

بگرفت کمر بند علی و الاه

فرمود به خلق ايهاالناس علي است

من كنت مولاه فهذا علي مولاه

و الحق، مسجد غدیر خم، موضع شریف [۲۷ پ] می‌باشد؛ در صورت امکان، حجاج باید مشرف شوند. و از جمله مستحبات موکد است، مراجعت از مدینه طیبه برای زیارت فخر کاینات؛ و در حدیث وارد شده که ترک زیارت آن حضرت، بعد از حج، جفاست بر آن حضرت؛ و قلیلی از حاج که به مدینه مشرف نمی‌شوند و به اوطان خویش می‌روند، گویا نمی‌دانند که یکی دارالسلام و یکی نعم‌المقام است و در زیارت آن، حکمت است و در حضور این نعمت:

۱. الجامع الصغير، جلال‌الدین سیوطی، ج ۲، ص ۶۴۲.

ای قوم به حج رفته کجاوید کجاوید

معشوقه همین جاست بیاوید بیاوید

اللهم ارزقنا زیارت بیت الله الحرام و زیارت قبر نبیک علیه السلام فی
عامنا و فی کل عام.

میان کعبه و من گرجه صد بیا بان است

دریچه ها زحرم در سراجچه جان است

شنیده ام که به حجّاج عاشقی [۲۸ر] می گفت

که کعبه من سرگشته کوی جانان است

مقصود دوم: در احوالات مدینه طیبه و مسجد حضرت رسول ﷺ

اما مدینه منوره، در عرض بیست درجه و صفر دقیقه شمالی و در طول سی و نه درجه [و] پنجاه و پنج دقیقه است؛ و جمعیت مدینه طیبه، تقریباً شش هزار نفر می شود و مدینه منوره، شهر کوچکی است که قدیماً یثرب می گفتند. دارالهیجره حضرت ختمی مآب است و مدفن مطهر آن بزرگوار است. در سال دهم از هجرت، امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن بدن شریف را در خانه متبرکه خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله که در جنب مسجد است، دفن نمود.

و جمعی از علما مدفن را داخل مسجد دانند؛ حدیث «لا تتخذوا قبوری مسجداً»^۱، مؤید قول اوست. گویند: اولاً خانه [۲۸ پ] ابویوب انصاری بوده که ناقه آن حضرت، زانو بر زمین نهاد و مرقد شریفش در مکانی است که اول دفعه، پای آن حضرت به آن مکان رسید. و اما مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون جناب رسول

۱. بحار الانوار، محمدتقی مجلسی، ج ۷۳، ص ۳۵۹.

خدا تشریف به مدینه آوردند، قطعه زمینی بود از دو طفل یتیم که مردم در آنجا شتر می‌خوابانیدند و از معطن ابل بود. جناب ختمی مآب، آن زمین را خریده، مسجد بنا کرده و خود حضرت با اصحاب، کار می‌کردند تا مسجد به اتمام رسید؛ و بعضی، سقف آن را به جذوع نخل پوشیدند و ده ستون برای آن قرار دادند، از جذوع نخل. وقتی که مسجد تمام شد، شخصی از انصار، یک شب، چراغی در مسجد آویخت [و] روشن نمود؛ پیغمبر بسیار مسرور شد، [۲۹ ر] [و] در حق او دعا کرد.

و حضرت رسول ﷺ در آن مسجد نماز می‌کرد. وقتی که از نماز فارغ می‌شدند، بر ستونی که در جنب محراب واقع شده بود، تکیه می‌کردند، [و] مردم را موعظه می‌فرمودند. به روایتی که عیسی عليه السلام نقل کرده: بعد از غزوه خندق که عمرو بن عبدود کشته شد از شمشیر علی عليه السلام، دین و شریعت رواج گرفت، پسر زن انصاری، منبری سه پله ساخت برای مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله. حضرت فرمود: «اجعل له ثلاث مرآة»؛ «سه پله برای منبر قرار بده». شکل دور منبر در دو طرف پله اول قرار داده بود و عرض منبر، یک زرع بود؛ ارتفاعش از زمین دو زرع بود؛ بلندی هر دو پله دو و جب بود.

چون نوبت خلافت به معاویه رسید، خواست که منبر را ببرد به شام [۲۹ پ] و در مسجدی که بنا کرده بود، منبر را نصب کند، شاید خیال پیغمبری داشته. این بود که به مروان حکم نوشت در این خصوص؛ مروان خواست که منبر را حرکت بدهد، کسوف

شد و ستاره نمایان شد در روز؛ موقوف کرد و نوشت به معاویه. سال بعد، خود معاویه زحمت کشید، به قصد حج به مدینه آمد، خودش آمد ایستاد؛ حکم کرد منبر را حرکت بدهند. زلزله شدیدی شد و باد سیاهی وزید، دید چون موافق خواهش او نشد، موقوف داشته رفت به مکه. محض اینکه وضع مسجد را خواست تغییر بدهد، امر نمود، مسجد را بزرگ کنند. چون مراجعت کرد، حکم کرد که مسجد بزرگ شد و منبر هم باید بزرگ شود. شش پله بر منبر افزود: «فان المنبر صار بما زاد فيه تسع [۳۰ ر] درجات»؛ منبر نه درجه شد با آن سه پله اول که در زمان پیغمبر ﷺ بود.

و آن منبر بود تا زمان مهدی عباسی که از خلفای بنی عباس می‌باشد؛ در عصر او مندرس شد؛ از چوب منبر، مردم شانه ساختند. ملک مظفر (سلطان یمن) منبری از چوب صندل فرستاد که دو رمانه طلا داشت. بعد از آن، رکن الدین، منبر نه پله فرستاد تا آنکه شبی زنی نذر کرده بود شمع در بالای منبر روشن کند؛ شمع را روی چوب منبر گذاشت، خدمه مسجد هم ملتفت نشدند، شمع سوخت، به چوب منبر رسید، آتش گرفت؛ ستون پهلوی منبر، مشتعل شد؛ جذوع سقف مسجد که معاویه زیاد کرده بود، آتش گرفت.

خدا م خبر شدند، نتوانستند [۳۰ پ] آتش را خاموش کنند. بعضی از منبر و مسجد سوخت؛ آن آثار معاویه از میان رفت. تا چندی، منبر از آجر ساخته بودند و مجصص نمودند. بعد از آن، سلطان مراد که از قیصره و از آل عثمان است، منبری فرستاد؛ تا

این زمان، هنوز نقصی در او به هم نرسیده؛ گاهی به تعمیر جزئی محتاج می‌شود. آن منبر، چهار رمانه دارد دو رمانه در پله اول که در زمان پیغمبر ﷺ بوده و دو رمانه بالای عرشه که پشت سر خطیب بود که معاویه زیاد کرد.

اما وضع حالیه مسجد حضرت رسول ﷺ و مرقد مطهر، اصل بنیان قبر شریف و حجره شریفه و ضریح و محراب مبارک از ملک‌الاشرف قایتبای است. قایتبای از سلاطین چراکسه [۳۱ ر] مصر است که در مصر سلطنت کرده؛ در مصر هم آثار خیر از او بسیار است؛ در مسجد الحرام هم تعمیرات نموده و در سنه هشتصد و هشتاد و هشت، اینجا را بنا نهاده و اسم او در حجره شریف و در ضریح مطهر، در پهلوی اسطوانه وفود، در پشت محراب نوشته است.

و بنای این حرم و صحن جدید و اسطوانه‌ها که الحق بسیار خوب ساخته‌اند، از بناهای سلطان عبدالمجید خان ابن سلطان محمودخان است که در عرض پانزده سال به انجام رسانید و به روضه شریفه که قایتبای ساخته است که قبر مبارک حضرت رسول ﷺ و صدیقه طاهره علیها السلام و شیخین می‌باشند، هیچ متعرض نشده است و اسم خودش را بنابر ادب، در جایی حک می‌کرد [۳۱ پ] ننویسند. و اکنون باب توّسل را به اسم او، باب مجیدی می‌گویند و در صحن مسجد هم در بالای اسطوانه‌ها، اسامی ائمه اثنا عشر - صلوات الله علیهم اجمعین - را و اسامی عشره مبشره و حضرت حمزه و عباس را به آب طلا نوشته‌اند؛ و هیچ متعرض اسم معاویه خال المؤمنین نشده است که اسم او هم



نوشته باشد. و در صحن مطهر باغچه‌ای کوچکی است که به باغچه حضرت فاطمه علیها السلام مشهور است؛ چند درخت خرما دارد و آب او از چاهی است که در پهلوی باغچه است، [و] به قدر چهار پنج زرع ریسمان می خورد.

القصه برای آنکه در میان حرم مبارک و مسجد شریف فرقی باشد، در اسطوانه‌ها تفاوتی گذاشته که نصف اسطوانه‌ها مرمر سفید خیاره دار [۳۲ ر] است و باقی سنگ است و عرض مسجد مبارک که به جنوب و شمال واقع است، شش ستون است که از این ستون، دو پایه مربع بزرگ حساب می شود و چهار ستون مدور است. در اسطوانه‌ها نوشته شده است: اول اسطوانه سریر، دوم اسطوانه حرس که صحیح آن محرس است، سیم اسطوانه وفود و طول مسجد مبارک که به شرق [و] غرب واقع است، با پایه مربع که در ضلع به هر دو طرف حساب می شود، هفت اسطوانه است که یکی پایه، مربع است و شش اسطوانه خیاره دار است که اسطوانه اول، قطار دویم نوشته است:

اول: اسطوانه توبه که اسطوانه ابی لبابه است. ابی لبابه اسمش رفاعه بن منذر نقیب بوده [۳۲ پ] که خود را به ستون مسجد بست تا قبول توبه اش از آسمان نازل شد. دویم: اسطوانه عایشه است و محراب مبارک در میان اسطوانه سیم و چهارم است، متصل به اسطوانه مخلقه است که اسطوانه چهارم است.

و منبر مبارک در میان اسطوانه پنجم و ششم است و اسطوانه حنانه

در قطار ثانی است که اسطوانه پنجم است که محاذی پله اول منبر مبارک است. دور حرم قدیم در طول، هفت ستون است و حد حرم جدید، نه ستون است و حرم قدیم که روضه مبارک و فضای مسجد بوده است، چهل و دو اسطوانه است و حد حرم جدید که بعد خلفا به مسجد زیاد کرده‌اند، پنجاه و چهار ستون است. و اصل ضریح مطهر و گنبد شریف، از قایتبای است [۳۳ر] که یک طرف، شبکه برنجی دارد و سه طرف، فولادی است که رنگ سبز کرده‌اند.

شش حجره طول ضریح، سه حجره عرض که چهار پایه از این چهار پایه، مربع محکمی است که در چهار طرف دارد که بنیان گنبد مطهر که قبر مبارک است، بالای آن چهار پایه است؛ و چنان محکم و بزرگ است که پای طاق مسجد را هم بر روی آن گذاشته‌اند که تخمیناً دو زرع در دو زرع می‌شود که از سنگ است. و دو پایه دیگر، خانه فاطمه زهرا علیها السلام است و قبر مبارک ایشان است که خانه علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام به خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله اتصال دارد.

و صدیقه طاهره علیها السلام در وسط خانه خود آثار مرقدی دارد و پوشی بر روی او کشیده و شمع کافوری و بعضی جارها در روضه حضرتش روشن [۳۳پ] می‌شود؛ دو در دارد که از روضه آن حضرت داخل ضریح پدر بزرگوارش می‌شوند. به جز این در، راه دیگری معمول نیست. این اوقات به دور همه شباک، برنج فولاد نصب است و در روضه حضرت رسول صلی الله علیه و آله، قنادیل طلا و بعضی چراغ‌هایی دیگر آویزان است؛ به دور مرقدش هر شب روشن می‌نمایند و در پیش

روی مبارکش، سه شمعدان طلا و مرصع و مکمل به جواهر گذارده و هر شب روشن است. و شیخین را در پشت سر مبارک حضرت رسول ﷺ به مجاورت یکدیگر، ابوبکر را در جلو و بعد عمر را در عقب دفن نموده‌اند، چراغ‌ها دارد که روشن می‌کنند.

الحاصل، باقی اراضی که در مسجد اضافه شده، سلطان عبدالمجیدخان زیاد کرده و داخل نموده و زمین‌های [۳۴ ر] پست و بلند را تسطیح نموده. و اکنون تمام اسطوانه‌های حرم مطهر و اطراف صحن مبارک، دویست و پنجاه و شش ستون است و در دیوارها هم، نصف ستون‌های مربع است که آن خارج از این حساب است و در روضه مبارک هم، چند ستون است.

و حرم مبارک پنج در دارد: باب‌السلام و باب‌الرحمه در طرف مغرب است. باب توسل که باب مجیدی است، در طرف شمال است. باب جبرئیل و باب‌النسا در طرف مشرق است. طول مسجد مبارک، از باب توسل تا آخر، دویست و بیست قدم است. عرض مسجد از باب رحمت تا باب‌النسا، چهل قدم متوسط است و فاصله ستون‌ها از سه سمت، از یکدیگر نه قدم متوسط است و فاصله ستون‌های رواق مطهر از [۳۴ پ] یکدیگر، هفت قدم است.

دور ستون‌ها به تفاوت است: یک زرع و سه چارک، یک زرع و نیم است و ستون‌های بزرگ، سه زرع است و ستون‌هایی که از نصفه پایین، سنگ مرمر است؛ قطر آنها سه چارک است. از هر دهنه سه چراغ آویخته که با روغن زیتون می‌سوزد، غیر از جارهای قدی و

چهل چراغ‌های بزرگ و کوچک در مسجد مطهر.

و مناره‌های مسجد مبارک، پنج است؛ از همه بزرگ‌تر، مناره مایل به جنوب و قبله است و از همه کوچک‌تر، مناره باب‌الرحمه؛ باقی در زوایای دیگر است. اسم مناره‌ها از این قرار است: مناره باب‌السلام، مناره باب‌الرحمه، مناره سلیمانیه، مناره رأسیه، [و] مناره اشکلیه [که] در ایام حج چراغان است. می‌گویند: مناره بزرگ مراتب فوقانی، از چوب است [۳۵ ر]. و در مسجد اطاق به جهت خواجه‌های حرم مطهر و بخشی جای مکبر و مؤذنان، الحق یک قطعه از قطعات جنان، همان موضع مقدس است، رزقنا الله زیارته انشاء الله.

و در سمت شرقی قلعه مدینه منوره، به فاصله چند قدم، قبرستان بقیع است. بقیع از بقاع مکرمه است و مدفن ائمه اربعه بقیع علیهم‌السلام است که در بقیع در قبّه عباس بن عبدالمطلب مدفون می‌باشند. صندوق مطهر ائمه در میان صندوق بزرگ مفروز است. عباس، عم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم در میان صندوق بزرگ مدفون است.

و آثار مرقد حضرت فاطمه علیها‌السلام روبه‌روی ضریح مطهر ائمه اربعه است؛ چون در مدفن آن حضرت اختلاف است، در مدینه طیبه در پنج موضع، آن حضرت را زیارت می‌کنند. [۳۵ پ] یکی با ائمه بقیع علیهم‌السلام، یکی باز هم در روضه ائمه بقیع علیهم‌السلام که آثار مرقد است و یکی در بیت‌الاحزان، و یکی در مابین مرقد مطهر و منبر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، و احتمال کلی در این موضع است؛ چنان‌که

منقول است از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کردند از قبر فاطمه علیها السلام، فرمود که در خانه خود مدفون شد؛ پس چون زیاد کردند بنی امیه مسجد را، داخل مسجد شد. رئیس المحدثین، محمد بن بابویه قمی، نقل کرده که صحیح آن است که حضرت فاطمه علیها السلام در خانه خود مدفون است؛ چون بنی امیه مسجد را بزرگ کردند، قبر آن حضرت داخل مسجد شد. و الحال در پشت خانه که حضرت مدفون است، علامت ضریح مقدّس آن حضرت است.

اما چهار امام بزرگوار که در بقیع مدفون می باشند:

اول [۳۶ ر]، حضرت امام حسن علیه السلام که به حکم معاویه بن ابی سفیان، جعده، بنت اشعث بن قیس در سال چهل و نه^۱ از هجرت، آن امام همام را زهر داد و حضرت سیدالشهدا علیه السلام، آن بدن شریف را آورد، در بقیع دفن نمود.

دویم، علی بن الحسین سید سجاد علیه السلام (امام چهارم) که به فرمان عبدالملک او را زهر دادند، [و] در سال نود و چهارم یا نود و نهم از هجرت وفات یافت، در پیش عم بزرگوار خود مدفون شد.

سیم، امام محمد باقر علیه السلام (امام پنجم) که به حکم هشام بن عبدالملک مسموم شد و در سال یکصد و چهارده از هجرت رحلت نمود و در بقیع، در پیش پدر و عم پدر مدفون شد.

چهارم، امام جعفر صادق علیه السلام (امام ششم) است که به فرمان

۱. امام حسن مجتبی علیه السلام در ماه صفر سال پنجاه هجری قمری به شهادت رسیده است.

الارشاد، شیخ مفید، ص ۱۹۲.

منصور، حضرت را زهر دادند و در سال یکصد و [۳۶ پ] چهل [و] ششم، رحلت فرمود و در بقیع مدفون شد؛ و در کتب اخبار، اختلاف در زمان ولادت و وفات ائمه اطهار می‌باشد؛ چون مبدأ کتاب بنابر اختصار است، ذکر آنها باعث تطویل می‌شود.

اما اصل بنای بقعه ائمه بقیع عليهم السلام را مجدالملک راوستانی^۲ قمی بنا نموده و او یکی از وزرای سلاطین سلجوقی بود؛ آثار خیر او بسیار است و قبه عثمان بن مظعون که اول کسی است [که] حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را در بقیع دفن نموده که اصحاب خاص آن حضرت است؛ آن هم مجدالملک رادستانی ساخته است و گاهی اشتباه اسمی با مقبره عثمان بن عفان می‌شود. معلوم است که قبه عثمان [۳۸ ر] خارج است از بقیع. و اما تعمیر بقعه مبارک ائمه بقیع عليهم السلام از سلطان محمودخان که از سلاطین عثمانی است که در سنه هزار و دویست و سی و چهار (۱۲۳۴)، محمدعلی پاشای مصری به امر سلطان تعمیر نموده و بعد هم تعمیرات کرده‌اند و هر ساله در صورت لزوم تعمیر می‌کنند.

و ضریح مطهر ائمه بقیع عليهم السلام از چوب بود؛ چند سال قبل یک ضریح فولادی کنایب طلاکوب بسیار ممتاز اعلا، حاجی محمدعلی خان امین‌السلطنه به مباشرت حاجی حسین علی

۱. امام جعفر صادق علیه السلام در شوال سال ۱۴۸ ه.ق به شهادت رسیده است. الارشاد، شیخ

مفید، ص ۲۷۱

۲. کذا فی الاصل! صحیح آل براوستانی است.

و سعی حاجی میرزا علی نقشینه در اصفهان تمام نموده، از جهت روضه منوره ائمه بقیع علیهم السلام که طول آن ضریح هفت زرع است و عرض سه زرع و نیم، قد پا دو زرع و نیم تقدیم نموده، حمل به جدّه شده [۳۸ پ] و بعد حمل به مدینه منوره تا در این سنه که یکهزار و سیصد و بیست و یک (۱۳۲۱) می باشد، از جانب باب عالی، امر شد به نصب آن ضریح مطهر و آن ضریح را نصب نمودند که در تاریخ نصب آن، این خادم زائرین عرضه داشته:

هزار شکر که شد نصب بر بقیع ضریح
بنای کعبه دگر شد از خلیل ذبیح
گذشت سیصد و بیست و یک هزار ز هجرت
که نور حق به تجلی بود یقین و صریح

مصرع آخر را هرگاه تجلاً بخوانی، هزار و سیصد و بیست [و] یک می شود. اگر تجلی بخوانی، هزار و سیصد و سی می شود. امید است که ان شاء الله تا نه سال دیگر که هزار و سیصد و سی می شود، مثل سایر ائمه، گنبد بارگاه عالی، بانیان خیر بر آن موضع مقدس بنا نمایند؛ معین است خدمت به ائمه طاهرین علیهم السلام، باعث شکوه دولت اسلامیان و استیلابی بر اشرار است واقعاً.

« طرفه اینکه سال تاریخ نصب ضریح منور بر قبور مطهر ائمه بقیع علیهم السلام، درست بی کم و زیاد، مطابق افتاد با عدد این اسم

مقدّس پروردگار (جلیل یا من اظهر الجمیل) (۱۳۲۱) ۱. [۳۹ ر]

غریب در وطن، این چهار امام بزرگوار می‌باشند. الحاصل، از بنی‌هاشم و اصحاب کبار و فضیله‌ی روزگار و از مخدّرات، در بقیع قبر بسیار است. بیت‌الاحزان فاطمه علیها السلام در بقیع است و صفیه (عمه حضرت رسول صلی الله علیه و آله) هم در بقیع مدفون است و قبر عقیل و عبدالله ابن جعفر طیار هم در بقیع است؛ اگرچه مشهور آن است که عقیل در راه شام شهید شد. و قبر فاطمه بنت اسد (والده حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام)، آن هم در بقیع است و از دیوار قبرستان بقیع خارج است؛ بقعه علاحده دارد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در میان قبر او خوابیده و رحمت فرستاده و نماز گزارده و فرموده که حق مادری و پرستاری به من دارد. مجلسی رحمته الله در تحفة‌الزائر نقل می‌نماید که از کلام شیخ در تهذیب، مفهوم می‌شود که فاطمه بنت اسد [۳۹ پ] نزد ائمه بقیع علیهم السلام مدفون باشد و مزاری که الحال معروف است، دور است از ائمه بقیع علیهم السلام و دور نیست که آن موضعی که در پیش روی ائمه بقیع علیهم السلام است، زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را در آنجا می‌کنند، محل قبر فاطمه بنت اسد باشد که اشتباه کرده باشند.

الحاصل، بنا بر آن خبر که حضرت امام حسن علیه السلام وصیت می‌کند به برادر بزرگوارش حضرت سید الشهداء علیه السلام که اگر مانع شدند در روضه جدم رسول خد صلی الله علیه و آله، مرا ببر در بقیع نزد جدهام فاطمه بنت اسد دفن کن، شاید همین‌طور باشد و این قبری

۱. این مطلب در حاشیه نوشته شده است.

که معروف است به فاطمه بنت اسد، شاید که از فاطمه بنت الحسین [علیها السلام] باشد یا از مخدّرات دیگر. العلم عندالله.

باری بنات [رسول خدا ﷺ]، ام کلثوم و زینب و رقیه در یک بقعه می‌باشند و قبر ابراهیم (پسر رسول خدا ﷺ) و سعید [۴۰ ر] خدّری هم در بقیع است. زوجات پیغمبر ﷺ هشت نفر در یک بقعه مدفون‌اند و اسمشان به تخته نوشته، روی قبرشان گذارده‌اند. مقبره حضرت عبدالله (پدر حضرت رسول ﷺ) در سوق الطّوال واقع است و آن حضرت به دیدن احوال پدرش (عبدالمطلب) که از بنی‌نجار بودند، آمده بود و در مدینه، دو سال و چهار ماه بعد از ولادت فخر کاینات و سید موجودات، وفات یافته است و در مدینه منوره مدفون شده و قبر مبارک ایشان، اکنون به قاعده اهل اسلام، رو به قبله است. رسم نبوده که اموات را آن زمان رو به قبله دفن کنند، یعنی مکه معظمه؛ یحتمل ضریح را در اسلام چنین ساخته باشند.

کوه احد، کوه احمری است که در شمال مدینه واقع است و از مدینه تا مقبره حضرت [پ ۴۰] حمزه سیدالشهدا، سه ربع ساعت راه است و شهادت ایشان، سال سیّم از هجرت اتفاق افتاده. بالاتر از حمزه در شمالی مقبره، مسجدی است که می‌گویند: دندان مبارک حضرت رسول ﷺ آنجا شکسته است. تقریباً به فاصله هشتصد قدم از مقبره حمزه در آخر درّه، باز مسجدی است که حضرت رسول [ﷺ]، کمانداران لشکر را با عبدالله جیبر در آنجا باز داشته،

آنها که به غنیمت رفته، لشکر مخالف درّه را گرفتند که شکست بر اسلام واقع شد.

در جایی [از] این مسجد می‌گویند که حضرت رسول ﷺ مجروح شد، به تنهایی نماز خوانده که حضرت صادق علیه السلام به عقبه بن خالد یا مالک فرمودند که در این مسجد نماز کن. و این مسجد، در میان درّه واقع است و مقبره حضرت حمزه را سلطان عبدالمجیدخان [۴۱ ر] ساخته است و شهادی احد نیز در همان جا می‌باشند. به جز حمزه بن عبدالمطلب و عبدالله بن جحش، اسم دیگری معروف نیست و عبدالله بن جحش، برادر زینب است که از زوجات محرمات حضرت رسول ﷺ بوده که خواهرزاده حضرت حمزه است.

و مسجدالفتح که مسجد احزاب نیز می‌گویند، در سمت غربی واقع است؛ آنجا که غزوه خندق اتفاق افتاده که عمرو بن عبدود به دست مبارک حضرت امیر علیه السلام کشته شد. رسم خندقی که حضرت رسول ﷺ به دست مبارک خود با اصحاب کنده بود، در این زمان منظم شده و اعراب حفظ نکرده‌اند که چنین علامتی در اسلام پایدار بماند. و طول خندق از اعلائی وادی بطحان است و در این مورد بود که حضرت رسول ﷺ فرمود که تمام ایمان، مقابل شد با تمام کفر. باز فرمود: «ضربة علی یوم [۴۱ پ] الخندق افضل من عبادة الثقلین»^۱. در این واقعه است که شاعر می‌گوید:

۱. شجرة طوبی، شیخ محمد مهدی حائری، ج ۲، ص ۲۸۷.

بیمبر سرودش که عمر [و] است این
که دست یلی آخته زاستین
علی گفت ای شاه اینک منم
که یک حمله شیر است در جوشنم

و در قبله مسجد فتح، چهار مسجد دیگر هم هست که همه را مسجد فتح می گویند: مسجد مصلی که او را نیز مسجد قمامه هم می گویند، مابین مغرب و جنوب قلعه مدینه است. مسجد شجره که میقاتگاه اهل مدینه است که حالا عربان بئر علی می گویند، تا مدینه یک فرسخ [و] نیم است که حجّاج در آنجا غسل کرده، محرم می شوند و در آن مکان، چندین چاه کنده اند.

و خود مسجد شجره، چهار دیوار مختصری دارد و در آنجا حدیثی نوشته شده است که در صحیح بخاری است که حضرت رسول ﷺ در مسجد شجره [۴۳ ر] نماز خوانده است. مسجد قبا، در جنوب مدینه واقع است و از دروازه مدینه تا مسجد قبا، تقریباً دوهزار قدم می شود. برای مسجد قبا همین شرافت بس که در قرآن مجید، خداوند آنجا را «المسجد اسس علی التقوی» بیان فرموده.

و تعمیرات مسجد قبا از سلاطین عثمانی است؛ چهل و یک اسطوانه دارد، در پایه طاق بزرگ، آثار محرابی است و بر آن نوشته «هذا محل آیه الفرقانیه»، به فاصله چند قدم محرابی دیگر است، در آنجا نوشته محل ناقه قصوی. بیرون مسجد بقعه ای است، بر سر در آن نوشته «هذا مقام علی کرم الله» و بالاتر از آن مسجد کوچکی و در

آنجا چاهی است، آب شیرین و خوش‌گوار دارد، [و] معروف است به بئر خاتم؛ می‌گویند: انگشتر حضرت ختمی مآب، در آن چاه افتاده و آب بالا آمده، خاتم را به دست خاتم پیغمبران داد.

و در نزدیکی [۴۳ پ] آنجا دو بقعه می‌باشد: یک بقعه بر محرابش نوشته: «مقام فاطمه رضي الله عنها» و دیگری بر محرابش نوشته: «هذا مقام عمرة النبي» الصلوات و السلام. مشربه ام ابراهیم که ماریه قبطیه، مادر ابراهیم (پسر رسول خدا ﷺ) است، در همان سمت واقع است که حضرت صادق عليه السلام مخصوصاً به عقبه بن خالد، زیارت چند مکان را بیان فرمودند که یکی مشربه ام ابراهیم است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله یک ماه به زنان خود خشم کرده، آنجا اقامت فرمود؛ از سنگ سیاه ساخته‌اند، مسجد کوچکی است و چندان آبادی ندارد. مسجد، سقف و دیوار سه طرف ندارد.

و مسجد فزیح، میان مسجد قبا و مشربه ام ابراهیم است؛ مسجد طولانی است، تقریباً بیست زرع طول دارد و قدری از آن مسجد را به چوب خرما پوشانیده‌اند. [۴۴ ر] وقتی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بنی‌نضیر را محاصره فرمود، خیمه مبارک را در نزدیک آن مسجد زده و شش شب، حضرت در آن مکان نماز خوانده. و از مدینه تا مسجد قبا، تمام، باغستان خرماست. و مسجد فزیح، در جنوب مدینه و مشربه ام ابراهیم، مایل به مشرق است.

و قبر نفس زکیه محمد بن عبدالله الحسن بن الحسن بن علی عليه السلام در مابین مغرب و شمال شهر مدینه است، در نزدیکی کوه

سلع، در راه احد واقع است که پشت مدینه می باشد. برادر ابراهیم، قتیل باخمر است که عیسی بن موسی به امر منصور، نزدیک شهر مدینه وی را شهید کرد و خواهرش آورد در مدینه دفن نمود.

و قلعه مدینه از سلطان سلیمان است. افسوس که خندقی که حضرت رسول ﷺ به دست مبارک خود با اصحاب کنده، چنان [۴۴پ] رسم آن مندرس شده که به قرینه قیاس باید دانست. و اسماعیل بن جعفر صادق [ع] در پهلوی دیوار قلعه مدینه است، به سمت بقیع، میان قلعه مدینه و سادات اسماعلیه، نسبشان منتهی می شود به او. و مسجد ابوذر - رضی الله عنه - در سمت کوه سلع در راه احد واقع است.

الغرض، مدینه طیبه، تمام آن زمین عرش مکین، از مقدم خاتم النبیین ﷺ مشاهد و معابد و مساجد است؛ ولی بر حسب ظاهر، سی مسجد و هفت چاه که از آب آنها حضرت رسول ﷺ وضو ساخته و چهل مشهد است. و دیگر، بین مکه و مدینه، قریب به صفراء، آثار مخروبه هست که می گویند: ریزه آنجاست و قبر ابوذر - رضی الله عنه - در آنجا می باشد که هیچ شایسته آن جناب نیست؛ شخصی را که حضرت رسول ﷺ در حق او بفرماید: «ما ظلت [۴۵ ر] الخضراء ولا اقلت الغبراء اصدق من ابی ذر»^۱ و همچو شخصی، عجب مجهول القدر و مفقود القبر مانده است.

در وادی صفراء، قبوری است که می گویند شهدای بدرند و بدر،

۱. منتهی المطلب (ط. ج)، علامه حلی، ج ۱، ص ۲۲ پاورقی.

موضوعی است که خداوند عالم، یاری کرد پیغمبر خود را، فرمود:

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ﴾^۱ ابو جهل ملعون در این موضع به

محل خود رسیده و بدر، چاهی است که بدر بن قریش کنده.

و حنین بین طایف و مکه است. الحاصل، مستحب است مجاورت مدینه طیبه و غسل در وقت دخول مدینه، دو رکعت نماز مابین قبر مطهر و منبر مبارک. مستحب است سه روز روزه در مدینه طیبه، به قصد ادای حاجت. و نیز سنت است نماز کردن در نزد ستون ابی لبابه که ستون توبه است در شب چهارشنبه و نماز در [۴۵ پ] نزد ستون که مقام حضرت است در شب پنجشنبه.

و نیز سنت است رفتن در مساجد مدینه مثل مسجد احزاب و مسجد فتح و مسجد فضیح و مسجد قبا و قبور شهدای احد، خصوصاً قبر حضرت حمزه سیدالشهداء و مواضع دیگر. و مناسب است انفاق و اکرام در حق شیعیان که در مدینه طیبه ساکن می‌باشند که آنها را نخاوله می‌گویند و اکرام به سادات بنی هاشم که در آنجا هستند. و زیارتگاهی که در بین رفتن و برگشتن به مکه و مدینه دیده می‌شود، از جمله زیارت زینب، بنت امیرالمؤمنین [علیها السلام] است که بنا به روایت معروف، در شام مدفون می‌باشد که در بیرون شام، بقعه مطهره آن مخدّره است، جای باصفایی اتفاق افتاده است. اصل بنای بقعه را به امیر تیمور گورکانی [۴۶ ر] نسبت می‌دهند و تعمیر بقعه و صحن را مرحوم

۱. آل عمران: ۱۲۵.

حاجی میرزا حسین خان سپهسالار نموده است. و روضه شریفه آن مظلومه، حالت بکاء غریبی دارد و مصائبی که بر آن مظلومه وارد شده است، به خاطر انسان بسیار مؤثر است. لمؤلفه:

کدام روضه خلد است این خجسته مقام
که قدسیان به ادب ایستاده بهر سلام
کدام گوهری از برج عفت و عصمت
در این زمین شده پنهان ز غصه ایام
کدام گل بود از بوستان سید بطحا
کزین حدیقه رسد بوی کربلا به مشام
به خاک اوست که مدفون که می رسد برگوش
صدای ناله جانسوز و اخاش مدام
به عز و جاه و شرافت بتول را مانند
که حوریان جنان خادمه فرشته غلام
خرد بگفت که اینجا مزار دختر زهراست
امیرزاده اعظم اسیر کوفه و شام
ستم رسیده بلادیده زینب محزون
حزینه خواهر سلطان دین امام انام
نمود زائر دربار بهر تعظیمش
ز آستان حسینی بران حظیره سلام

و دیگر در خود شام، محوطه ای می باشد که در آنجا مشهور است که رقیه، بنت الحسین [علیها السلام] (طفل سه ساله حضرت سیدالشهدا) وفات نموده، [و] حیاط محقر و روضه مختصر کوچکی دارد.

۱. اشعار داخل پرانتز در حاشیه صفحه ۴۷ آمده است.

گویند وقتی که شخص وارد آنجا می‌شود، یک سوزشی در قلب شیعیان پیدا می‌شود که گویا هنوز ناله آن طفل یتیم، به گوش جان می‌رسد، بی‌اختیار رقت دست می‌دهد و همین سوزش بود که در قلب امیر تیمور گورکانی اثر کرد که حکم کرد شهر شام را آتش زدند. [۴۶ پ] و گویند: خرابه شام، همان موضعی است که آن طفل یتیم، مدفون است. و این مرثیه را در زبان حال صغیره حضرت اباعبدالله علیه السلام، این خادم الزائرین عرضه داشته:

تا گشت در خرابه سر شاه جلوه‌گر
می‌داد نور عارض وی نور بر قمر
برداشت گل نقاب ز رخ چون به گلستان
چه‌چه فتاد بلبلکی در پدر پدر
پژمرده دید چون گل بستان فاطمه
باباکنان ز دیده همی ریخت اشک‌تر
کی باب تاجدار عجب آمدی بیا
از اهل بیت خویش نداری مگر خبر
بابا کدام ظالم بی‌رحم از ستم
یک مشت کودکان تو را کرد بی‌پدر
در مجلس یزید شنیدم صدای تو
فهمیدم این زمان که تو بودی به طشت زر
حق داری ای پدر که تبسم نمی‌کنی
هی زد یزید چوب بدین حقه گهر [۴۸ ر]
رفتگی کجا سراغ تو هرگه گرفتمی
می‌گفت عمه‌ام پدرت رفته در سفر



بابا مگر مسافرت خلد کرده‌ای

هر جا که رفته‌ای من دل خسته را ببر

می‌گفت و می‌گریست نبد چیز دیگرش

جز جان نازنین که نمودی نثار سر

خاموش شد یتیم حسین و بلند شد

افغان ز بانوان و ز اطفال در بدر

بر تخت زر یزید به راحت به خواب خوش

زین العباد به گریه شب ناله سحر

زائر اگر به شام خرابت گذر فتد

آید هنوز ناله ز قبرش پدر پدر

روزی شود بینمت ای دل به کربلا

بر خاک آستان حسینی نهاده سر

و چند بقعه دگر هم در شام هست که یکی از آنها را می‌گویند، سکینه، بنت الحسین [ع] است و یکی را هم نسبت به عبدالله جعفر طیار (شوهر حضرت زینب خاتون [ع]) می‌دهند؛ می‌گویند آنجا مدفون است. و قبر بلال (مؤذن حضرت رسول ﷺ) هم در شام است. [۴۸ پ] و در مصر مزاری است که مشهور است به سیده نفیسه (دختر ابی محمد حسن بن زید بن الحسن بن علی [بن] ابی طالب [ع]) است که زوجه اسحاق بن جعفر الصادق [ع] است، [که] از علویان صحیح النسب است؛ و عباس پاشا ضریح خوبی ساخته است. و مزار مطهر رأس الحسین [ع] نیز در مصر است که بنا به روایتی، سر مطهر حضرت ابی عبدالله [ع] در مصر



مدفون است؛ محل زیارتگاه است؛ گویند حالت بکاء غریبی دارد و خدیو مصر، مسجد را تعمیر بسیار خوب نموده، [و] چهل و پنج ستون سنگ مرمر یکپارچه دارد. و قبر عبدالله بن طباطبا نیز در قرافه مصر است و قبرش معروف است به اجابت دعوت؛ اللهم ارزقنا زیارة قبر نبیک و آله علیهم السلام.

مقصود سیم: در احوالات نجف اشرف، مشهد مسور حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است [۴۹].

در غربی شهر کوفه به مسافت یک فرسخ، اتفاق افتاده است و عرض نجف، سی و دو، طول شش، انحراف قبله، سیزده درجه است و در آن خاک پاک، مرقد مطهر امام المشارق و المغرب، علی بن ابی طالب علیه السلام است که در نزد مدفن آدم ابوالبشر و نوح پیغمبر علیهم السلام مدفون شده. و قبر مطهر آن حضرت، مخفی بود و مطلع نبودند، مگر قلیلی از خواص شیعه، تا آنکه چون حضرت صادق علیه السلام در زمان سفاح به عراق تشریف آوردند، به جمعی از شیعیان و اصحاب خود نمودند قبر آن حضرت را و فرمود، علامت قبر را ساختند و باز همین طور مخفی بود تا در عصر هارون الرشید، معلوم و ظاهر گردید و هارون الرشید، گنبدی و مسجدی در آنجا بنا نهاد و عضد [۴۹ پ] الدوله دیلمی بر عمارت و آبادی او کوشیده.

و در تاریخ است که مشهد امیرالمؤمنین [علیه السلام] و مشهد حسین بن علی [علیه السلام] و باروی مدینه و بیمارستان بغداد، از عضدالدوله دیلمی بوده و قبرش هم در نجف است و بعد از عضدالدوله، آل بویه و سلاطین صفویه به تعمیرات و زیارات آن بقعه شریفه مفتخر بودند. و بنای گنبد مطهر، از صفویه است و بعد، نادرشاه در سنه هزار و صد و پنجاه و شش (۱۱۵۶) بیرون گنبد مطهر را با ایوان و گلدسته‌ها را طلا نموده. معروف است در وقتی که نادرشاه افشار گنبد مطهر را طلا می‌کرد، در پنجه طلایی که می‌خواستند بالای گنبد مطهر نصب کنند، از نادر پرسیدند: در این پنجه چه باید بنویسیم و در طلا نقش نماییم؟ نادرشاه بدون تأمل گفت: بنویسید **يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ**.^۱ [۵۰] میرزا مهدی خان وزیر، متحیر ماند که نادر سواد ندارد، این را از کجا گفته؟! روز بعد، از نادرشاه سؤال کردند. نادر گفت: همان را که دیروز گفته‌ام بنویسید. معلوم شد که از غیب به زبان او جاری شده و این خادم‌الزائرین عرض کرده:

آن شکل پنجه که بر آن گنبد زراست

اینک نمونه‌ایست که از جنگ خیبر است

با دست حق گرفت در قلعه را و کند

یعنی به روز جنگ مرا کوه اسپر است

باری، داخل گنبد مطهر منور را با کاشی معرّق، مثل قدح

چینی معلّق، ترصیع کرده‌اند که خطوط آن به اسم منوچهرخان



معتمدالدوله است. این طور کاشی به این لطافت و امتیاز، کمتر دیده شده. ضریح مطهر از نقره است، پیشکش صفویه می‌باشد. چهار قبه مرصع خیلی ممتاز از اعلی برای [۵۰ پ] چهار گوشه ضریح مطهر، شاه سلطان حسین صفوی پیشکش کرده است. روپوش گلابتون دوز، از عهد عضدالدوله دیلمی برای روی مقبره مبارک حضرت فرستاده‌اند؛ وقتی که قبر مطهر هیچ حفاظ نداشت و از آجر و گچ بوده است، الی حال که در روی ضریح مطهر می‌آویزند، تقریباً هشتصدسال می‌شود، بدون عیب است.

آنقدر جواهر و طلا از سلاطین و مخلصین شیعه به رسم وقف و نیاز در آن آستان مقدس می‌باشد که در خزانه هیچ سلطانی یافت نمی‌شود و اغلب از نادرشاه افشار می‌باشد که بعد از فتح هندوستان، پیشکش آن آستان مقدس نموده؛ از جمله دو الماس بزرگ گران بها [ی] زمرد و یاقوت و لعل بسیار ممتاز، با بعضی اشیای دیگر و قندیل بسیار بزرگ مرصع که علی‌مراذخان زند، پیشکش نموده که فیروزه‌های درشت و جواهرات دیگر دارد.

و یک عطرسوز مرصع خیلی ممتاز و شمشیر جواهر و بعضی [۵۱ ر] جواهرات دیگر، آن هم از پیشکش‌های نادرشاه مرحوم است. قندیل بزرگ با زنجیر طلا و آویز مروارید درشت جور و غلطان که خیلی امتیاز دارد، زینب‌بیگم (دختر شاه طهماسب صفوی) پیشکش نموده. جای دو انگشت مبارک، جواهرات بسیار نصب شده. جقه الماس برلیان از مرحوم ناصرالدین‌شاه، شاه ایران

در سفری که به زیارت مشرف شده، پیشکش نموده، در آن موضع نصب شده و جواهرات دیگر بسیار است و قندیل‌های طلا و نقره معلّق بسیار است. و یک تاج طلای مرصع، بالای سر در قفس به زنجیر آویخته است. گفته‌اند: از پیشکش‌های هند است.

و پرده‌ها از جهت در حرم مطهر، مرواریددووزی و مفتول‌دووزی بسیار است که مردم پیشکش کرده‌اند. و سنگ‌های هزاره حرم مطهر و رواق، تقریباً طول آنها دو زرع می‌شود؛ گفتند: این سنگ‌ها [۵۱پ] از اعجاز آن بزرگوار، از معدنی است که در همان نواحی پیدا شده که زمین حرم و رواق را از همان سنگ‌ها فرش کرده‌اند.

و درهای حرم مطهر از نقره است؛ دو در از سمت بالای سر که محل آمد و شد نیست، پنجره نصب کرده‌اند؛ و از پایین پا، دو در است که داخل حرم مطهر می‌شوند و از پشت سر مبارک هم در بزرگی است. جز این سه در، راه دیگر به حرم مطهر نیست. و رواق مطهر، دور تا دور حرم مقدس می‌گردد. و رواق مطهر را حاجی حمزه آقای خوئی، آینه‌کاری بسیار ممتاز کرده. و از سه طرف از صحن مقدس وارد رواق می‌شوند: یک در از طرف ایوان طلا وارد رواق مطهر می‌شود و یک در از سمت در قبله و یک در هم از پشت سر، روبه‌روی در طوسی. و ایوان مقدس، ایوانی است [۵۳ر] بی‌سقف و ستون که تمام گلدسته و دیوار ایوان، یکپارچه تا هزاره از خشت طلاست؛ بسیار عالی و باشکوه. و ایوان مطهر، به سمت مشرق واقع است، در وقت طلوع آفتاب، جلوه‌گرایی دارد؛ چنان‌که شاعر گوید:

زهی به خاک درت از رهی پریشانی

به هر صباح نهد آفتاب پیشانی

و صحن مطهر حضرت، صحنی است وسیع؛ دارای پنج در است: یک در به سمت قبله و یک در به سمت شمال و یک در به سمت مغرب و دو در از سمت مشرق است و اصل صحن مطهر، بسیار با روح است و اطراف آن، دو مرتبه حجرات است، با کاشی معرق ساخته شده است، خیلی رفیع ممتاز. اصل بنای صحن، از سلاطین صفویه است و تعمیرات صحن مقدس، از نادرشاه افشار است. بالای سردر صحن، در طلا کردن گنبد و ایوان سردر، اسم نادرشاه افشار ثبت شده است.

و گنبد و رواق مطهر در وسط صحن واقع شده است؛ از سه سمت مجرد است. از سمت شرقی طاق زده‌اند که از زیر طاق به طور دالان آمد و شد می‌شود. «و در این اوقات هم صحن مقدس را از اوقاف، تعمیر بسیار خوبی نموده‌اند».^۱ یک ناودان طلا از بام رواق مبارک، رو به قبله نصب کرده‌اند که ناودان رحمت می‌گویند. و بالای سردر بزرگ که در سمت مشرق وارد می‌شوی، یک دستگاه ساعت نصب نموده‌اند که پیشکش میرزا اسماعیل خان امین الملک مرحوم است. و از علما در ایوان و صحن مقدس و اطراف صحن مقدس، قبور بسیار است: سید بحرالعلوم، علامه حلّی و مقدس اردبیلی - اعلی الله مقامهم -، در جنبین ایوان مقدس مدفون می‌باشند.

۱. مطالب بین گیومه در حاشیه نوشته شده است.

از در قبله که وارد می‌شوی، به دست چپ، قبر مرحوم شیخ مرتضی انصاری است و روبه‌روی مقبره مرحوم شیخ، [۵۴ ر] مرقد قدسی مرحوم حاجی سیداسدالله اصفهانی - اعلی الله مقامهم - می‌باشد. مقبره شیخ طوسی - اعلی الله مقامه - با بعضی از علما، نزدیک به صحن سمت در طوسی واقع است و متصل به در طوسی.

وقت وارد شدن به صحن مقدس، دست چپ، مقبره مرحوم حجت الاسلام حاجی میرزا محمدحسن شیرازی - اعلی الله مقامه - می‌باشد و سمت بالاسر که دالان است، مرحوم شیخ جعفر شوشتری با بعضی از علما مدفون می‌باشند. و نزدیک به دالان، جایی است که درویش بکتاشیه منزل دارند. از سلاطین قاجار، قبر آقا محمدخان مرحوم در رواق پشت سر واقع است. و در پای ایوان طلا، حوضی است از سنگ، مشهور به حوض کوثر است که در وسط آن، چهل چراغ برنج نصب است که شب‌ها با فانوس‌های شیشه روشن می‌کنند.

دور تا به دور صحن مقدس، [۵۴ پ] فانوس‌های بسیار می‌آویزند که هر شب روشن می‌کنند. و قلعه نجف اشرف از حاجی محمدحسین خان صدر اعظم اصفهانی می‌باشد که در عهد خاقان خلدآشیان فتحعلی شاه، قلعه از آجر و گچ دور قصبه نجف اشرف کشیده، نود و چهار هزار تومان اشرفی یک مثقالی طلا، مخارج آن قلعه و مدرسه صدر شده.

اجرای شهر نجف اشرف، ابتدا مرحوم شیخ محمدحسن مجتهد،

از پول هند ناقص گذاشت؛ وکیل‌الملک، خواست به انجام برساند،
مباشترین از روی بی‌بصیرتی، موازنه ارتفاع آن را نکرده، باز ناقص و
مجهول ماند؛ تا آنکه در سفر شرف‌یابی مرحوم ناصرالدین‌شاه به
توسط مرحوم حاجی سیداسدالله جاری شد و تاریخ آن (جاء ماء
العزی ۱۲۸۸) و بعد، باز به تعمیر محتاج شد.

در این سنوات ملک التجار اصفهان جاری ساخت و خدام
ملایک پاسبان [۵۵ ر] حضرت امیرمؤمنان و مولای متقیان [ع]،
قریب به دویست نفر می‌باشند. در این سنه، کلیددار و خازن آن
عته عالیه، آقا سیدجواد که از اجله سادات است، می‌باشد. و از
دروازه قبلی سمت جنوب تا محل دریا که این سال‌ها خشک
شده و زراعت می‌کنند، تقریباً چهار صد قدم می‌شود.

وادی‌السلام در سمت شمال قلعه نجف واقع است که کشیده
شده تا به سمت مشرق قلعه نجف اشرف و از دروازه سمت مشرق
تا وادی‌السلام، تقریباً صد قدم است و در قبرستان وادی‌السلام، از
اخیار و علما، آن‌قدر مدفون می‌باشند که نهایت ندارد. از چهار
طاقی و قبور بیش از یک شهر معتبر سواد دارد و بعضی بقعه‌ها و
گنبدها دارد؛ از جمله: مقبره هود و صالح پیغمبر است.

مروی است از حضرت [۵۵ پ] امام جعفر صادق [ع] که به
اهل کوفه فرمودند که در پهلوی شهر شما، قبرستانی هست که
از آن محشور می‌شوند صد و بیست هزار کس، مثل شهیدان بدر
و آن وادی‌السلام است. فضیلت زمین نجف بسیار در کتب اخبار

مبسوط و در حدیث وارد است که نجف اشرف قطعه‌ای است از کوه طور، بین عرب و عجم معروف است.

سلطان مراد که از سلاطین عثمانی بود، در وقتی که قصد زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نمود و قبه علویه را از دور دید، خواست که از چهار فرسخی، پیاده مشرف شود، یکی از اهل عداوت گفت که علی بن ابی طالب علیه السلام، خلیفه حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و تو نیز خلیفه هستی، جایز نیست پیاده بروی. سلطان مراد قرآن خواست، برای انجام این قصد تفأل زد؛ این آیه آمد: ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾ [۵۶ ر] سلطان حکم کرد آن فضول را زدند. پس با ارکان دولت پیاده به آن آستان مقدس مشرف شدند.

القصه، از دروازه نجف که به سمت کوفه می‌روی، به دست چپ راه، مقبره کمیل بن زیاد است. تقریباً تا قلعه‌ی نجف اشرف یک میدان راه است و کمیل بن زیاد از اصحاب خاص امیرمؤمنان علیه السلام است. و نزدیک به مسجد کوفه دست راست، قبر میثم تمار است؛ در آنجا مدفون است، میثم هم از شیعیان خاص مولای متقیان علیه السلام است. از نجف اشرف تا مسجد کوفه، تقریباً یک فرسخ است و در آن مسجد، مقامات بسیار است که تفصیل آن اجمالاً از این قرار است:

اما مسجد بزرگ کوفه که قلعه مانند از آجر گچ ساخته شده است، معلوم نیست اصل بنا را کی کرده و در چه تاریخ ساخته‌اند،

آنچه از روی تحقیق می‌گویند: دیوار سمت قبله که محراب حضرت ولایت‌مآب آنجا واقع شده، [۵۶ پ] از قدیم مانده است و بعد، از دو طرف دیوار کشیده‌اند و بنای کهنه را حفظ کرده‌اند. پایه‌های جلو صنفه قبله، قدیمی است و حجراتی که موجود بوده، از بنای مرحوم سید بحرالعلوم و شخصی تاجر از اهالی مسقط و ملامحمود کلیددار نجف اشرف و از زوار ایرانی و بیشتر تعمیر، از مرحوم شیخ عبدالحسین بوده و بعد حاجی محمدصادق اصفهانی، تمام مسجد و حجرات را تعمیر کرده. و مناره مسجد که در جنب باب الفیل ضلع شمالی مسجد واقع است، حاجی قاسم نام تاجر سمنانی، بنا کرده است. الحاصل، مقامات مسجد که در هر یک دو رکعت نماز وارد است:

اول، مقام حضرت ابراهیم علیه السلام؛ دویم: مقام حضرت رسول صلی الله علیه و آله که در لیلۃ المعراج در آسمان چهارم محاذی این مقام نماز خوانده؛ سیم: مقام حضرت آدم علیه السلام؛ چهارم: مقام حضرت جبرئیل علیه السلام؛ [۵۸ ر] پنجم: مقام امام زین‌العابدین علیه السلام؛ ششم: مقام نوح علیه السلام؛ هفتم: مقام محراب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که مقتل آن حضرت است؛ هشتم: محراب دیگر که به فاصله سی قدم در صنفه دیگر واقع است که اختلاف کرده‌اند که شهادت در این دو محراب، کدام واقع شده باشد؛ نهم: محراب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام؛ دهم: دکه القضا که محل حکومت و مرافعه حضرت ولایت‌مآب بوده است؛ یازدهم: بیت الطشت که موضع معجزه معروف

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در باب دختر حامله [است]؛ دوازدهم: مقام حضرت خضر.

آنچه معلوم می‌شود که این مسجد مسقف بوده و این مقام‌ها، موضع ستون‌هاست. بنای محراب‌ها که در مقامات ساخته‌اند، مختلف است و معلوم نیست کی ساخته است؟ غالباً به توسط سیدبحرالعلوم تعمیر شده است. یک میل سنگی به ارتفاع [۵۸ ر] دو زرع، در مقام امام محمدتقی علیه السلام است، به قطر یک بغل، شاخص ظهر است که در بعضی مساجد نصب می‌کنند.

و محل کشتی نوح نبی در وسط واقع است و بقعه حضرت مسلم بن عقیل در ضلع مسجد، مابین مشرق و جنوب واقع است. اصل بنای بقعه از مرحوم شیخ محمدحسن مجتهد است که از پول هند ساخته است. ایوان و تعمیرات و طارمه و غیره را از جانب شاه، مرحوم محمدشاه شیخ عبدالحسین مباشر بوده است و ضریح برنج او را مادر آقاخان محلاتی ساخته و بالفعل، ضریح او نقره و بقعه و گنبد را تعمیر بسیار خوب کرده‌اند و این بیت، از مرثیه است که در کاشی بالای سردر او نوشته:

نه هرکس را رسد نایب مناب شاه دین گردد

مگر مسلم که در عالم بدین خدمت مسلم شد

و روبه‌روی [۵۹ ر] بقعه مسلم علیه السلام، به فاصله چند قدم در ضلع شمالی مسجد، بقعه هانی بن عروه است. اصل بقعه را شیخ

محمدحسن مجتهد و اضافات را مرحوم شیخ عبدالحسین ساخته است و در زاویه مسجد معروف است که قبر مختار بن ابوعبیده ثقفی آنجا می‌باشد. و از دیوار سمت قبله مسجد، به فاصله صد قدم، خانه حضرت ولایت‌مآب است که برای علامت، گنبد کاشی کبودی ساخته و تعمیر کرده‌اند.

درب مسجد که به سوی خانه حضرت می‌بردند، پهلوی منبر حضرت بوده که نزدیک مقام هفتم معین است و حالا برای علامت سنگی نصب کرده‌اند. و در سمت شمالی مسجد، مقبره حضرت خدیجه صغرا، دختر حضرت امیر است که تعمیر نشده است. سه باب دکان، خارج مسجد در سمت باب الفیل، شیخ عبدالحسین مرحوم، از تنخواه [۵۹ پ] جمعی خودش ساخته است و از مسجد کوفه تا مجدم فرات که الحال آباد شده، تقریباً یک میدان می‌شود که اکنون جسر کشیده شده و بازار و کاروانسرا و حمام و دکان ساخته‌اند.

آبادی بسیار خوب و بندر معتبر شده و مقبره حضرت یونس کنار نهر آب واقع است، گنبد و محوطه خوبی دارد. و حضرت ذالکفل پیغمبر و تلّ نمرود، کنار نهر هندیه، مابین کربلا و نجف اشرف است. بقعه عمران بن علی و مقام صالح آن هم کنار نهر هندیه، سمت حلّه می‌باشد. و از مسجد بزرگ کوفه تا مسجد سهله، تقریباً دو میدان می‌شود و سه مسجد دیگر هم هست که

یکی مسجد صعصعه و یکی مسجد زید و دیگری مسجد حنانه است که نزدیک مسجد سهله واقع است که در هریک، آداب اعتکاف و نماز مستحب وارد است.

اما مسجد سهله، آن هم مثل مسجد کوفه است؛ اما کوچکتر [۶۰ ر] و تعمیرات آن مسجد از حاجی محمدصادق اصفهانی می باشد و بعضی اعمال و قاعده اعتکاف و مقامات بسیار دارد. و خانه ادریس پیغمبر در آنجا بوده که خیاطی می کرد و خانه ابراهیم علیه السلام است و مقامی است در آنجا که معروف به مقام حضرت صاحب الامر علیه السلام و عدل خدا در آنجا ظاهر خواهد شد و حضرت قائم آل محمد علیه السلام در آنجا فرود آید با اهل و عیالش و حق تعالی، هیچ پیغمبری نفرستاد، مگر اینکه در آن مسجد نماز کرده است. فضیلت این مسجد در کتب اخبار بسیار می باشد.

و دیگر قریب به حله، مزار مطهر امامزاده قاسم بن موسی بن جعفر علیه السلام است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام این فرزندش را بسیار دوست می داشت و قبرش معروف است و سید بن طاووس، ترغیب به زیارت او نموده است و مزار دیگر هم هست [۶۰ پ] که می گویند حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام است و دیگر سید بن طاووس و محقق - علیه الرحمه - استاد علامه حلی و بعضی از علماء در حله مدفون می باشند.

مقصود چهارم: در احوالات کربلای معلی

اما کربلای معلی در جانب شمال نجف اشرف و جنوب شهر بغداد واقع است و در عرض سی و سه، طول شش، انحراف قبله سیزده درجه است. و از کربلای معلی تا نجف اشرف، تقریباً دوازده فرسخ است؛ با عراده که عربانه مشهور است، هشت ساعت راه است و از کربلا تا دارالخلافه طهران، تقریباً صد و پنجاه [و] چهار فرسخ [و] نیم می شود.

و زمین کربلا پاکترین بقعه‌های زمین است و از همه زمین‌ها، حرمتش بیشتر است و از زمین بهشت است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به آن زمین می فرماید که خوشا [به] حال تو ای خاک که بر تو ریخته خواهد شد، خون‌های [۶۲ ر] دوستان خدا و در این ارض مقدس کربلا، امام ثالث، معصوم خامس، مولی‌الکونین، حسین بن علی علیه السلام با جمعی از ارادت‌کیشان

اصحاب و برادران و اقوام و اولاد که در روی زمین نظیر نداشتند، در روز عاشورای شصت [و] یک هجری، به دست نامردهای کوفه به درجه رفیعہ شہادت رسیدند و در آن تربت پاک مدفون گشتند کہ آن واقعہ جانسوز، شرق [و] غرب عالم را پر نموده و شہر کربلا را در سال ہزار و دویست و شانزده (۱۲۱۶) ہجری، روز عید غدیر، طایفہ وہابی قتل عام کردند کہ اثاثہ و اوضاع بقعہ شریفہ را بہ غارت بردند و از چوب صندوق مطہر، عبد اللہ مسعود نامسعود، در همان رواق گردون طاق، قہوہ پختہ، زہر مار نمود و آخوند ملا عبدالصمد ہمدانی کہ از اجلہ علما بود، بہ درجہ شہادت رسید. [۶۲ پ]

و بعد در سال ہزار و دویست و سی [و] سہ، ابراہیم پاشا، ولد محمد علی پاشا عبد اللہ مسعود را بہ قتل رسانید و از آن طایفہ بہ جز قلیلی باقی نگذاشت و بار دیگر در یازدہم ذی حجہ ہزار و دویست و پنجاہ و ہشت (۱۲۵۸)، نجیب پاشا شہر کربلا را قتل عام کرد کہ نہ ہزار نفر بہ شہادت رسیدند و جمعی کہ بہ رواق مطہر امام علیہ السلام و در صحن مقدس حضرت ابوالفضل علیہ السلام پناہ بردہ بودند، امان نیافتند؛ از بسیاری معاصی و فساد بعضی از اشرار، جمعی از اخیار کشتہ شدند.

الحاصل، صحن منور امام علیہ السلام نسبت بہ اراضی اطرافش پستتر و در زمان متوکل، آب را بستند بہ مرقد مطہر کہ اثر قبر را منظمس سازند، بہ اعجاز آن حضرت، آب بر دور حایر بلند شد. ابن ادریس در سرایر گوید کہ این مکان را حایر گویند، زیرا کہ

در لغت عرب، حایر را مکان پست می‌گویند.

باری ابتدا بنایی که بر قبر مطهر [۶۳ ر]، بعد از وقوع مکرر هدم از خلفای جور دست داد، در سن ۱۰ دویست و چهل و هفت (۲۴۷)، منتصر پسر متوکل، بنایی مختصر و مخفف نمود و در ایام سلطنت آل بویه که ایشان را دیالمه هم نیز گویند، بنای مرتفع بر آن قبر شریف نهادند، توسیع و مفصل نمودند. قبر دو مرد و یک زن از آل بویه در زیر در شرقی صحن کوچک که مشهور به در صافی است، آنجا می‌باشد که در سنه هزار [و] دویست و نود و دو (۱۲۹۲)، در باز کردن این در به صحن مطهر، قبورشان ظاهر شد و بعد در ایام سلطنت قاجاریه، آقا محمدخان، سلطان ایران، تعمیر لازمه و تذهیب قبه منوره را نمود؛ چنان‌که یکی از شعرا گوید:

تعالی الله از این کاخ فلک فرسا و بنیانش

که سر بر اوج او ادنی ز نند قوسین ایوانش

الا ای آسمان هین دیده بگشا بر زمین بنگر

عیان تمثال عرش و علت تربیع ارکانش [۶۳ پ]

امین الدین حسین بن علی ابن ابی طالب

که در نسبت پدر عین الله آمد پور انسانش

شکفتی کو چنین زادی ز نسل حیدر و زهرا

چنان بحرین گوهر را چنین بایست مرجانش

عدو گر خواست کاتار قبورش منهدم سازد

بحمدالله پی تعمیر بر بسته کمر سلطان ایرانش

که در سنه هزار و دویست و هفت (۱۲۰۷) که والده خاقان مغفور، به عتبات عالیات مشرف می‌شد، حسب الامر شاه شهید، آقا محمدخان، متولی امر تذهیب قبه منوره گردید و گنبد مطهر را طلا نمودند که میرزا سلیمان خخان شاعر، مشهور به صباحی، در تاریخ آن گوید:

این مشهد حسین علی سبط مصطفی است
در پای او بود سر افلاک بی‌سپر
کلک صباحی از پی تاریخ آن نوشت
در گنبد حسین علی زیب جست زر [۶۴ر]

در زمان سلطنت خاقان مغفور، فتحعلی شاه، عرض نمودند که طلای گنبد مطهر سیاه شده است؛ خاقان مغفور مبرور فرستاد، طلای گنبد مطهر را برچیدند، از نو طلا کردند و خشت سابق را تعمیر کردند، به کاظمین برده، گنبد کاظمین را طلا نمودند. و سر گلدسته‌ها را یکی از زن‌های فتحعلی شاه (دختر مصطفی خان عمو) طلا نمود. و در عهد مرحوم ناصرالدین شاه، گنبد مطهر ترک برداشت؛ شاه را اخبار نمودند، شاه مرحوم، شیخ عبدالحسین طهرانی که از اجله علما بود، مأمور تعمیر قبه منوره و توسیع سمت غربی صحن مقدس نمود؛ مرحوم شیخ عبدالحسین، قبه اول را خراب نمود، مجدداً بنا نمود و کتیبه گنبد مطهر که از مینا می‌باشد، در این تعمیر زیاد نمود.

اما حرم مطهر و رواق منور و ایوان مقدس، دو سه [۶۴پ]

دفعه تعمیر شده، از زوآر ایرانی و غیره. و حرم مطهر چون بهشت عنبر سرشت، هشت در دارد: یک در از بالای سر مطهر؛ و یک در از پایین پا که مسدود است [و] این دو پنجره در پشت آنها نصب شده است؛ و شش در دیگر مفتوح و دو در از پشت سر حضرت که به مسجد است از جانب مشرق و مغرب، داخل حرم مطهر می‌شود و از سمت رواق قبلی، سه در روبه‌روی در ایوان طلا و یک در از سمت حبیب بن مظاهر و نقره درها از شهر شیراز و غیره است و در نقره رواق مطهر، از سمت ایوان طلا از محمدعلی شاه هندی است که پیشکش نموده و حرم مطهر در وسط و رواق مقدس دور حرم و تصریح ضریح مقدس از خاقان مغفور است.

و بر قبر مطهر دو ضریح است: یکی فولاد و یکی نقره؛ ضریح فولاد پایینش معلوم نیست، فقط در اسطوانه وسط در [۶۵ ر]، پیش روی مبارک، مرقوم است: «من بکی او تباکی علی الحسین فله الجتّه صدق الله ورسوله صلی الله علیه و آله وسلم» سنه ۱۱۷۵. و ضریح نقره از خاقان فتحعلی شاه است که در سنه هزار و دویست و چهارده (۱۲۱۴) به امر ایشان، زرگری را در رشت نموده، حمل به طهران شد و مدت سه سال به واسطه اغتشاش عراق، معوق ماند؛ در دویست و هجده ارسال شد، بر قبر مطهر نصب نمودند و از مرثیه محتشم کاشانی و مرثیه‌های خود فتحعلی شاه، بر ضریح نوشته و بالای در ضریح که بین ضلع پنجم و ششم است، این بیت ثبت است:

مَنّت خدای را که فلک خواست چاکرم

شاهنشاهی جهانم و درویش این درم

و در زیر این، بر پیشانی در، مرقوم است «السلطان ابن السلطان
فتحعلی شاه قاجار» و از مرثیه‌های خاقان که بر ضریح [۶۵ پ]
مطهر نوشته، این چند بیت ثبت شد:

گردون بسوخت زاتش غم جان فاطمه

شرمی نکرد از دل سوزان فاطمه

از تند باد کینه مروانیان دریغ

پژمرده گشت نوگل بستان فاطمه

غلطان به خاک معرکه چون صید بسمل است

آن گوهری که بود به دامان فاطمه

خاقان به پای عرش برین گفت جبرئیل

وا حسرتا ز دیده‌ی گریان فاطمه

و بیست و سه قَبّه منوّر بزرگ که از مس است، روی آن
مطّلاست، بالای ضریح مطهر نصب شده است، تقدیمی زوّر است
و دو شمعدان بزرگ که از نقره و طلا در کمال خوبی زرگری
شده، بالای سر دو طرف در نقره که پنجره از برنج دارد، به جرز
نصب است؛ تقدیمی والده سلطان عبدالمجیدخان [۶۶ ر]، سلطان
عثمانی است؛ هرشب روشن می‌شود و بالای این در که بین این
دو شمعدان واقع است، پرده [ای] از مخمل سبز که بر او اشعاری
چند به ترکی ثبت است، آویخته.

گفتند در پشت پرده، شیشه‌ای است در پنجاه وصله از حریر
پچیده در میان صندوق و در آن شیشه، یک تار موی مبارک حضرت
رسول خداست که در خزانه سلاطین آل عثمان بوده و سلطان
حالیه، سلطان عبدالحمیدخان از اسلامبول فرستاده به دستکاری
والی سابق بغداد، حاجی حسن رفیق پاشا در ده سال قبل، بدین
موضع نصب نموده که در تاریخ نصب آن، مرحوم حاجی میرزا
محمدحسین شهرستانی که از اجله علما بود گفته:

به عهد پادشه عبدالحمید آن زاد نیک اختر
درخشان شد به گیتی آفتابی تازه از خاور
همایون موی پر نور حبیب الله شد ظاهر
ز نورش پرتوی آمد شعاع نیر اکبر
نه بد شایسته منزلگه این نور ربّانی
مگر آن کس که پیغمبر از او بد او ز پیغمبر
کجاشک می توان کردن درین مطلب که اثباتش
هویدا گردد از تاریخ سالش موی پیغمبر ۹۱۳۱۰

بلی یک تار موی مبارک حضرت ختمی مآب را سلاطین
روزگار، در خزینه خود نگاه می دارند، احترام می کنند، افتخار
دارند؛ اما ملاحظه کنید که این بنی امیه، چقدر مردمان نانجیب
و ردلی بوده اند که موهای نازنین سبط پیغمبر را به خاک و خون
آغشته نمودند، فخریه می کردند.
چه خوب گفته حکیم قآنی:

گبر این ستم کند نه یهود و مجوس نه

هندو نه بت پرست نه فریاد از این جفا

الحاصل، صندوق مطهر، تمام از نقره است که در روی او، زری کشیده‌اند. پرده‌های مرواریددوز، تاج‌ها و جقه‌ها و اسلحه مرصع و قندیل‌های طلا و نقره، در خزینه مبارک آن حضرت، به رسم وقف و نیاز [۶۷ ر] بسیار است. چهل چراغ‌های بسیار در اطراف آویخته که هر شب روشن می‌نمایند و مقبره جناب علی اکبر علیه السلام در پایین پای حضرت و داخل ضریح مقدس است. لمؤلفه:

به مرقد علی اکبر که می‌رسی زایر

نظاره کن بنگر عزّ و جاه قرب وصالش

ضریح شاه ضریحش گرفته تنگ در آغوش

نشان واقعه دارد حریم عرش مثالش

به آرزوی جمال پسر رسید در آخر

هزار حیف زخون پرده بود روی جمالش

به جای تسلیتش از خیام گشت بلند

صدای وا ولداهمی فزود حزن و ملالش

و شهدای هفتاد و دو تن در پایین پای علی اکبر است که دیوار سمت جنوب، علامت قبور ایشان است و در بالای سر حضرت، دو نیم ستون از مرمر کوچک، به دیوار جرّز نصب کرده‌اند، معروف است مقام جذع، نخله مریم است که حضرت عیسی علیه السلام تولد یافت و در [۶۷ پ] وسط آن، دو نیم جرّز سنگی مایل به سبزی نصب است.

آنچه از روی تحقیق معین شده، قافله از سمت خراسان به عزم زیارت به کربلا می‌آمد، این سنگ هم از کوه غلطید، با زوار حرکت کرده، زوار همین که ملتفت شدند، آن سنگ را برداشته، آوردند به کربلا؛ معلوم نیست که در چه تاریخ بوده. در وقتی که تعمیر حرم مطهر می‌کردند، آن سنگ را از زیر خاک‌ها بیرون آوردند، در وسط آن دو نیم جرز نصب کرده‌اند و ازاره حرم مطهر دور تا به دور، از سنگ است که در سنگ‌ها، نقش گل‌بوته تراشیده‌اند و سنگ‌های زمین حرم و رواق هم از جنس همان سنگ‌هاست که در ازاره است و آیینه‌کاری رواق مطهر و مسجد پشت سر، از خوانین بختیاری است.

و حبیب ابن مظاهر در رواق مدفون است؛ ضریح از برنج دارد که میرزا اسماعیل خان امین‌الملک مرحوم ساخته و قتلگاه [۶۸ ر] در طرف حبیب ابن مظاهر واقع است؛ چند پله می‌خورد، وارد سرداب می‌شوند و از طرف صحن هم پنجره دارد و این دو بیت از مرثیه‌ای است که در کاشی بالای پنجره نوشته:

غلطان به خون که شافع یوم الحساب شد

یک‌باره کار خانه ایمان خراب شد

شمرش که دید غرقه به خون بر زمین فتاد

با خنجر کشیده سوی آن جناب شد

و ایوان مبارک که از نصفه طلا می‌باشد، مردم به شراکت ساخته‌اند و بالای در نقره، طلای آن از مرحوم ناصرالدین شاه است

و تعمیر بالای ایوان، از حاجی آقا محسن می باشد که در عهد سید جواد کلیددار در سنه هزار و دویست و نود و پنج (۱۲۹۵) تعمیر شده و رواق مطهر، هفت در دارد که وارد می شوند و رواقی که سمت مغرب است، در شمال آن، قبر حضرت شاهزاده ابراهیم [۶۸ پ] مجاب است که ضریح نصب کرده اند [و] از اولاد موسی ابن جعفر علیه السلام است و رواق گنبد مطهر، در وسط صحن مقدس واقع است و ده کفشکن دارد و این بیت‌ها، به در کفشکن‌های مبارک ثبت شده:

این کفش کن است یا بود خلد برین
 این کفش کن است یا بود عرش مبین
 یا سدره بود که روز و شب می بینم
 با صد ادب ایستاده جبرئیل امین
 این کفش کن است یا بود رکن مقام
 یا خود در کعبه و در بیت حرام
 یا این در خلد است که بنوشته در او
 گویند به صوت فادخلوها بسلام
 در کفش کن حریمت ایجان بفدیک
 ای روی تمام ماسوی الله الیک
 برگوش رسد دمام از عالم غیب
 کاین وادی ایمن است ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ﴾
 هذه الروضة روض العارفين
 ملجأ الاسلام كهف [۶۹ ر] اللائذین
 فاخلعوا النعلین فی ذروتها
 فادخلوها بسلام آمین

و صحن مقدس دورتادور، تمام حجرات است؛ شش کنج دارد. سنگ فرش صحن مقدس، از حاجی محمد صادق اصفهانی می باشد که در سنه هزار و دویست و نود و پنج، فرش شده است. صحن مبارک را هفت در است: در قبله، در زینبیه، در قاضی الحاجات، در سلطانی، در سدر، در صافی، در صحن کوچک و حجرات و ایوان ناصری که در سمت مغرب واقع است. مرحوم شیخ عبدالحسین از جانب مرحوم ناصرالدین شاه، متصدی بوده که صحن را بزرگ کرد و تعمیرات لازمه که بود، همه به توسط مرحوم شیخ عبدالحسین است و در سنه هزار و سیصد و نه (۱۳۰۹) ایوان تعمیر شده است که اسم سلطان عبد الحمید خان در کاشی آن نوشته نصب است و در این اوقات هم از اوقات، مجدداً درب قبله و تمام صحن مقدس را تعمیر نموده اند.

و در سمت مشرق صحن، والده سلطان [پ ۶۹] عبدالمجیدخان، سلطان روم، سقاخانه خوب و مزین بنا کرده و مصارف و خدمه دارد که تاریخ آن این است: «اشرب الماء ولاتنس الحسین ۱۲۸۲» و در جنب آن، سمت جنوب، تکیه بکتاشیه است که تالار بزرگ عالی دارد و رئیس این سلسله بکتاشیه را دده می گویند و می گویند که سلسله این طایفه، به سلمان فارسی منتهی می شود. بیرون صحن در قبله دده، آنجا مدفن است که اول چراغ حرم مطهر را رسم است اولاد دده روشن می کنند و از سلسله سادات می باشند. و مسجد بزرگ که در سمت مشرق صحن واقع است،

اهل سنت و جماعت در آن نماز می کنند و آن مسجد را مادر خاقان مغفور، فتحعلی شاه ساخته است و مناره غلام سیاه، در شمالی آن واقع است و چراغ‌های دورتادور حجرات صحن مقدس، از مرحوم ناصرالدین [۷۰ ر] شاه است و چراغ‌های جزرها و دور رواق و حرم مطهر، بانیان خیر، تازه قرار دادند و چراغ‌های بالای بام و وسط صحن مقدس و چراغ‌های اطراف و درهای صحن، از زوار بخارایی و ایرانی و مجاورین و اهل کربلا می باشد و ساعت بالای سردر قبله، از معیرالممالک است.

و از علما در صحن مقدس و رواق مطهر و اطراف صحن، قبور بسیار است: مرحوم آقا باقر بهبهانی و آقا سیدعلی بحرالعلوم - اعلی الله مقامهما - و در رواق سمت مشرق، مقابل کفشکن، مدفون اند که صندوق نصب کرده اند. آقا میرزا صالح عرب، مشهور به داماد که از اولاد مرحوم سیدعلی خان کبیر است، نزدیک به صندوق مدفون است. آقا سیدمهدی شهرستانی [و] حاجی میرزا حسین شهرستانی مرعشی - اعلی الله مقامهما - در رواق پیش رو مدفون اند. [۷۰ پ] مرحوم شیخ عبدالحسین شیخ العراقین، درب سلطانی مدفون است؛ آقا شیخ مهدی خلف هم در همان سمت مدفون است. مرحوم سیدابراهیم قزوینی، صاحب ضوابط و مرحوم فاضل اردکانی، [و] آخوند ملاحسین، درب صحن کوچک مدفون اند و مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی، صاحب فصول و آقا سیدمهدی من آل بحرالعلوم، آن هم درب صحن کوچک مدفون اند.

مرحوم ملا آقا فاضل دربندی - اعلی الله مقامه - و ملا محمد حسین یزدی، شیخ محمد حسین قزوینی، آقا سید زین العابدین، در مقبره رکن الدوله مدفون‌اند. مرحوم شیخ زین العابدین مازندرانی - اعلی الله مقامه - در قاضی الحاجات مدفون است. شیخ محمد حسن مازندرانی در جنب مقبره مرحوم شیخ زین العابدین مدفون است. در بین الحرمین در وسط [۷۱ ر] بازار، مقبره آقا سید محمد مجاهد است که در آنجا مدفون است و مقابل آن، مقبره حاجی میرزا علی نقی طباطبائی است، با مرحوم حاجی میرزا ابوالقاسم حجة الاسلام، در آن مقبره مدفون‌اند. مرحوم آقا میرزا زین العابدین طباطبائی و مرحوم آقا میرزا جعفر، پسر حاجی میرزا علی نقی هم در همان مقبره مدفون می‌باشند و شریف العلماء، در قبله در کوچه نقیب مدفون است و شیخ احمد بن فهد در جنوب قلعه کربلا مدفون است و معروف به صاحب کشف کرامات. گویند وقتی از او کرامتی بروز کرد که جمعی از یهود، اسلام اختیار کردند که بیت‌المسلمانی در کربلا و نجف مشهور است در سنه هشتصد و چهل و یک (۸۴۱) آنجا مدفون شد.

القصه، تل زینبیه به مسافت چند قدم بیرون صحن، مابین مغرب و جنوب صحن [۷۱ پ] واقع است. محل خیمه‌گاه آن هم مابین مغرب و جنوب صحن به مسافت سیصد قدم واقع است. آنچه از اخبار معلوم می‌شود، لشکر بی‌حیای کوفه، دور تا به دور حضرت ابی عبدالله [ع] را محاصره کرده بودند. به واسطه خندقی

که به فرموده حضرت، اصحاب دور خيام حرم حفر کرده بودند، جنگ از یک سمت واقع شده. به خط مستقیم از خیمه‌گاه تا مقتل حضرت، دویست قدم است و این سه بیت، از مرثیه‌ای است که در تل زینبیه روی کاشی ثبت است:

زینب در این دیار چه محنت کشیده است

خون دلش ز دیده به دامن چکیده است

از های هوی لشکر دشمن ز خیمه‌گاه

تا این مکان چه آهوی وحشی دویده است

این تل زینب است [۷۳] که بروی زسوز دل

افغان و اخاه به حسرت کشیده است

و محل خیمه‌گاه، محوطه‌ای است که در میان آن گنبدی تودرتو ساخته‌اند، به شکل خیمه بسیار بزرگ و در جلو دست راست و دست چپ، کجاوه‌ها از آجر و گچ ساخته‌اند و دور آن بنا، روی کاشی از مرثیه‌هایی جانسوز محتشم، روی کاشی ثبت است که یک بیت آن این است:

آه از دمی که لشکر اعدا نکرده شرم

کردند رو به خیمه‌ی سلطان کربلا

و در گوشه آن محوطه، حجره مختصری است که از کاشی بسیار خوب تعمیر کرده‌اند که در کاشی بالای دری که داخل می‌شوی، این بیت نوشته:

دمی که وارد این حجله می‌شوی ناشاد

بریز اشک و به قاسم بگو مبارک باد

حوض آب و چاهی هم در پشت آن عمارت ساخته‌اند. در سمت [۷۳ پ] مشرق صحن مقدّس، کوچه‌ای است و در آن کوچه، موضعی است که گویند در شب یازدهم عاشورا، در این موضع بود که فضّه خادمه، پیغام دختر شیر خدا را به شیر رسانید و این دو سه بیت از مرثیه‌ای است که در آنجا نوشته:

برون خرام از این بیشه با ملال ای شیر
به حال عترت شیر خدا بنال ای شیر
بدان که تشنه حسین را شهید بنمودند
کنار آب روان فرقه ضلال ای شیر
شنیده‌ام که ز سمّ ستور می‌خواهند
تنش کنند درین ورطه پایمال ای شیر

سمت در سدر، مسجدی است، مسجد رأس‌الحسین [ع] می‌گویند. گویند سر مبارک حضرت را بعد از جدا نمود [ن] از بدن مطهر، در آنجا نهادند یا در آنجا بر نی زدند. محتشم گوید:

پس بر سنان کنند سری را [۷۴ ر] که جبرئیل
شوید غبار گیسویش از آب سلسبیل

اما صحن مقدّس حضرت ابوالفضل [ع]، در مشرق و شمال صحن امام، تقریباً به مسافت چهارصد قدم است. اصل بنای صحن مبارک از امین‌الدوله صدر اصفهانی بوده؛ بعد در سنه هزار و سیصد و سه (۱۳۰۳) از نو حاجی محمد صادق اصفهانی، به تعمیرات آن کوشید که صحن مقدّس را بزرگ کرده، دور تا به دور، حجرات بسیار عالی بنا کرده، سقاخانه بسیار خوب در قبلی

صحن ساخته و گنبد و ایوان را هم تعمیر عالی نموده.

اما حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام، شش در دارد و رواق و حرم مطهر در وسط صحن واقع است و رواق، دور تا به دور حرم می‌گردد و از آن، شش در که از حرم به رواق است، سه در آنها مسدود [است] که در پشت آن پنجره نصب است و سه [در] دیگر، مفتوح؛ یکی از سمت [۷۴ پ] پایین پای مبارک و دو در، از سمت رواق قبلی (و رواق سمت قبلی؛ آئینه‌کاری آن از میرزا محمود مستوفی نظام است. این سه بیت از قصیده تاریخیه رواق مطهر ثبت شد:

ای پاکتر ز هشت جنان به زنه رواق

وز نه رواق و هشت جنان به به اتفاق

در روزگار ناصرالدین شاه تاجدار

کز عدل مثل منظر کسری کشیده طاق

رضوان نوشت از پی تاریخ این بنا

عکس بهشت دیدم از آئینه رواق ۱۲۹۷۲

^۱ و نقره ضریح مطهر ابوالفضل علیه السلام، اول آن از مادر محمدشاه مرحوم بوده و بعد مشیرالملک شیرازی تعمیر نموده و چهل چراغ بسیار، در اطراف آویخته‌اند که هر شب روشن می‌نمایند و ایوان طلای حضرت که جزئی از آن باقی است، مردم به شراکت ساخته‌اند؛ قدری از حرمت‌الدوله و قدری از مقتدرالسلطنه تبریزی و بعضی از دیگران است و در نقره که از ایوان طلا به رواق است،

۱. در حاشیه.

از حاجی محمدحسین خان بیگلربیگی اصفهانی است و طلای بالای گلدسته، از شخصی اهل ارومیه است که در تاریخ آن عرض شده:

سال هزار و سیصد و نوزده به کربلا

گلدسته جناب ابو الفضل شد طلا

و ساعت صحن مقدّس از حاجی محمد علی خان [۷۵ ر] امین السلطنه است. الحاصل مجلسی - علیه الرحمه - در تحفة الزائر می فرماید: نهر علقمی این زمان منظمس شده و در عقب قبر مطهر حضرت ابو الفضل [علیه السلام] بوده و شریعه حضرت صادق [علیه السلام]، آن موضعی است که اکنون مشهور است به مقام آن حضرت چون فرات نهر بزرگی است، از پنج فرسخی کربلا می گذرد و از آن نهری جدا کرده بودند به کربلا آمده و به کوفه می رفته و آبادی کوفه از این نهر بوده و این نهر بود، بر روی امام [علیه السلام] بستند و اثر نهر، نزدیک مرقد مطهر ابو الفضل [علیه السلام] ظاهر است و حضرت عباس [علیه السلام] از این نهر، به جهت اهل حرم آب برداشت و در حوالی این نهر شهید گشته؛ لهذا دور از شهدا مدفون شده.

و ابن علقمی که وزیر معتصم بود، از علماء شیعه بود که باعث بر [۷۵ پ] طرف شدن دولت بنی عباس، او شد که دولت بنی عباس منقرض شد. و ابن علقمی چون حدیثی شنیده بود از حضرت صادق [علیه السلام]، چون به کربلا تشریف آوردند، خطاب به این نهر کردند که ای نهر، تو را به روی جدّم حسین [علیه السلام] بستند و تو هنوز جاری هستی و می آیی. پس به این سبب ابن علقمی سد آن

نهر را خراب کرد و این باعث خرابی کوفه شد و این مسمی شد به نهر علقمی؛ زیرا که خراب کننده اش ابن علقمی بوده و العطشان له التَّهْرین، مقصود همین است. با آنکه جناب سیدالشَّهید علیه السلام با اهل بیت نزدیک نهر کوچک و نهر بزرگ بودند، لهذا آن قوم بی حیا آب را منع کردند و آن حضرت را بالب تشنه شهید کردند. فی المرثیه در مصیبت حضرت ابوالفضل علیه السلام است: [۷۶ ر]

سرزد زبرج خیمه یکی روی چون قمر
 روشن نمود طلعت زیباش بحر و بر
 شد بهر نصرت پسر فاطمه عیان
 نور جمال حضرت عباس جلوه گر
 بگرفت اذن و گشت سوار و بکف علم
 بر دوش مشک و پشت سپر تیغ بر کمر
 از بهر منع آب ستادند کوفیان
 بگشود لب ز بهر نصیحت نشد اثر
 آن یادگار حیدر کرار بر کشید
 تیغ از میان و گشت بدان قوم حمله ور
 کشت و فرار داد عدو را به هر طرف
 راند اسب در شریعه مهین میر نامور
 پر کرد مشک و تشنه لب آمد برون ز آب
 غیرت بین وفا و مؤاخات را نگر
 آه از دمی که ناله عباس شد بلند
 کامد ز خصم تیغ عمودش به دست سر
 افتاد روی خاک جگر گوشه علی
 شاهنشاه اش رسید ببالین به چشم تر

بر حال غربتیش دل عالم کباب شد
کاندم عزیز فاطمه گردید نوحه گر
زائر بر آستانه عباس چون رسی
دست دعا برآر به درگاه دادگر
یارب به هر دو بازوی سقای کربلا
از جرم دوستان علی جمله در گذر

چون این مرثیه مطابق اخبار بود، در قطعه عرض نموده با دعای بالای [۷۶پ] سر، تقدیم آن آستان مقدس نموده. الحاصل صحن مقدس، دارای شش در است؛ سه در رو به قبله واقع شده، یک در سمت مغرب و یک در سمت مشرق و یک در سمت جنوب مایل به مغرب و چراغ‌های بالای بام و دور صحن و اطراف، از زوار مجاور و بانیان خیر می‌باشد. و حضرت حرّ در مغرب سبی درجه، تقریباً به شمال کربلا، به مسافت یک فرسخ که تمام راه باغات است، صدر نهر که از مسیب است، یک جدولش بدین جا جاری است و جهت اینکه حر از شهدا دور مدفون شده است، این است چون بعد از واقعه کربلا و روز عاشورا، طایفه بنی‌ریاح به ابن سعد ملعون مدعی شدند، گفتند که حر مخالفت حکم امیر را کرد، به سزای خود رسید، ما نمی‌گذاریم سر او را از بدن جدا کنید و متعرض بدن او بشوید؛ این بود که حر را [۷۸ر] برداشتند، آوردند در این موضع، با لباس خون‌آلود دفن کردند.

سید نعمت الله جزایری در انوار نعمانیه نقل می‌کند که شاه اسماعیل صفوی، وقتی که بغداد و کربلا را گرفت، بعد از اینکه

به زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام فایز گردید، خواست به زیارت حربن یزید ریاحی برود، بین علماء در قبول توبه حر اختلافی شنید؛ شاه اسماعیل گفت، من می‌روم به زیارت حر، قبر او را نبش می‌کنم؛ اگر توبه‌اش قبول شده و از جمله سعدا و شهداست که بدن او از هم متلاشی نشده. روز دیگر سوار شد؛ امر نمود قبر حر را شکافتند؛ دید بدنش مثل کسی که تازه دفن شده باشد، گویا که در قبر خوابیده باشد، با لباس خون‌آلود و دستمالی که حضرت سیدالشهداء علیه السلام بر سر حر بسته بود، در وقتی که به بالینش [۷۸ پ] تشریف آورده بود، همین‌طور بر سرش بسته بود.

شاه اسماعیل گفت، چون این دستمال مبارک حضرت سیدالشهداء علیه السلام می‌باشد، برمی‌دارم، دستمال دیگر می‌بندم. به مجردی که دستمال را گشود، خون تازه جاری شد؛ قدری از دستمال پاره کرد، برداشت؛ دو مرتبه دستمال حضرت را بست. گفت حسن حال حر معلوم شد. بدن او را بوسید، قبر او را پوشید [و] امر کرد قبه بر سرش بنا کردند و خادمی از برای او تعیین نمود و اکنون گنبد [و] بارگاه عالی دارد و اطراف او، حصار و سمت مشرق، چند حجره فوقانی تحتانی ساخته‌اند.

القصه قلعه کربلا را مرحوم حسنخان، سردار حاکم ایروان ساخته؛ با مدرسه کنج صحن مقدس و نهر حسینیه را سلطان سلیمان که یکی از سلاطین روم است، واسطه حفر آن شده، اجرای

آن را نموده؛ پس از آن به لزوم تنقیه [۷۹ ر] نموده‌اند و آب فرات در حال طغیان، تا یک ساعتی کربلا که سلیمانیه نامند، نزدیک می‌شود. گاهی که آب فرات کم می‌شود، تا کربلا سه ساعت فاصله دارد.

الحاصل خدام حضرت اباعبدالله علیه السلام با خدام جناب ابوالفضل علیه السلام تقریباً چهار صد نفر می‌باشند که سیصد بیشتر آنها، از سلسله جلیله سادات می‌باشند و کلیددار و خازن آستان ملائک پاسبان حضرت ابا عبدالله علیه السلام، آقا سید عبدالحسین، پسر مرحوم آقا سیدعلی، نوه مرحوم آقا سیدجواد کلیددار است و نایب کلیددار، آقا سیدمصطفی امین حرم و کلیددار حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، آقا سید مرتضی، پسر مرحوم آقا سید مصطفی [است].

و شهر کربلا از سمت قبله، تقریباً دو هزار قدم از قلعه سابق پیش رفته و شهر بزرگ شده و وادی صفا که اموات را دفن می‌کنند، تا صحن مقدس سه [۷۹ پ] هزار و پانصد قدم مسافت دارد؛ در جنوب شهر کربلا واقع شده که در آنجا مسجدی و حوض آب بنا نهاده‌اند و آبادی کربلا روز به روز در تزايد است.

این حدیث در تحفة الزائر است که از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که فرمود، گویا می‌بینم که قصرها و بناهای محکم بر دور قبر امام حسین علیه السلام ساخته‌اند و گویا می‌بینم که بازارها بر دور قبر آن حضرت به هم رسیده است و از اطراف زمین، به زیارت آن حضرت خواهند آمد.

و در متمم حدیث دیگر است که حضرت صادق علیه السلام به عبدالله حماد گفت که شنیده‌ام قومی از نواحی کوفه و غیره، ایشان می‌روند نزد آن حضرت و زنان می‌روند نوحه می‌کنند در شب نیمه شعبان؛ بعضی قرآن می‌خوانند و بعضی قصه جانسوز آن حضرت را ذکر می‌کنند و بعضی ندبه و نوحه می‌کنند و بعضی مرثیه [۸۰ ر] می‌خوانند. گفت: بلی فدای تو شوم، دیده‌ام بعضی از اینها را که می‌فرمایند. حضرت فرمود: حمد و سپاس خداوندی را که در میان مردم، جمعی را مقرر فرموده است که می‌آیند به سوی ما و ما را مدح می‌کنند و مرثیه از برای مصیبت ما می‌گویند و می‌خوانند و دشمن ما را کسانی گردانیده که طعن کنند بر آنها از خویشان ما و غیر ایشان و استهزاء کنند بر ایشان و قبیح شمارند کردار ایشان را. پس این خادم الزائرین، این قصیده را که مدح مراثی حضرت سیدالشهداء علیهم السلام و فضل زائران بزرگوار است، با لسان شکسته در قطعه [ای] عرض نموده و تقدیم آستان مبارک آن حضرت نموده، مرثیه:

نه هر که آگه ز اسرار سیدالشهداء

عقول مات ز رفتار سیدالشهداء

عبودیت بنگر صبر در بلا را بین

بلا به حیرت است از کار سیدالشهداء

یقینم آنکه تمام بهشت را یکسر

دهند جمله به زوار سیدالشهداء [۸۱ پ]

به قطره اشک فروشند باغ جنت را
بین تو رونق بازار سیدالشهدا
کشد چه شعله جهنم فرو نشاندش
ز اشک چشم عزادار سیدالشهدا
دلا به کرب و بلا بگذر و دمی بنگر
غریب و بیگس و بی یار سیدالشهدا
گرفت مشک و بسوی فرات مرکب راند
مهین برادر و سردار سیدالشهدا
دو کف به آب فرو برد و قطره [ای] نچشید
نگر وفای علمدار سیدالشهدا
تعجب آمده لشکر ز چهره علی اکبر
که گشته ختم رسل یار سیدالشهدا
وداع قاسم و داغ جوان و یاد برادر
نمود گریه چه بسیار سیدالشهدا
ستاد یک تنه اندر برابر لشکر
بعینه حیدر کزار سیدالشهدا
تصور عطش آن جناب نتوان کرد
شدش جهان به نظر تار سیدالشهدا
ز آستین ید و بیضا نمود و تیر آمد
به حلق اصغر افکار سیدالشهدا
شکست پشت عدو تا به کوفه داد فرار
به ضرب تیغ شرر بار سیدالشهدا
امان ز سنگ مخالف فغان ز تیر سه شعبه
ز اسب کرد نگون سار سیدالشهدا

ز شرم گشت فرو آفتاب تا به سنان شد
 به جلوه عارض گلنار سیدالشّهدا [۸۱ر]
 ربود اهرمن بی‌حیا ز انگشتش
 یگانه خاتم شهور سیدالشّهدا
 که نازنین بدنش غرقه خون به مقتل دید
 نشست خواهر غم‌خوار سیدالشّهداء
 بلند کرد و گذر داد چون که قربانی
 به نزد حضرت دادار سیدالشّهدا
 سپس به حنجر پاکش نهاد لب گفتا
 شهید و تشنه دل افکار سیدالشّهدا
 فغان چه شورشی افکند عندلیب حسین
 چه کرد نغمه به گلزار سیدالشّهدا
 به خاک و خون که نظر کرد حجت حق را
 چه‌ها گذشت به بیمار سیدالشّهدا
 کشید کار در آخر اسیر شد زینب
 عیال در بدر زار سیدالشّهدا
 خموش زایر غمدیده وقت جان دادن
 به بین علانیه رخسار سیدالشّهدا
 سروش غیب نداد کیستی گفتم
 غلام زایر دربار سیدالشّهدا
 به مژده گفت که نامت نوشت منشی عشق
 به ثبت دفتر طومار سیدالشّهدا
 مهیمنابه زبان تابرد نام حسین
 برآر حاجت زوار سیدالشّهدا

باری در دو فرسخی کربلای معلی، قبر حضرت عون است که به روایت مشهور، میان علماء - رضوان الله علیهم - پسر عبد الله بن جعفر طیار - رحمت الله [۸۱پ] علیهما - است که شیخی از عرب، بقعه او را تعمیر نموده و گنبد او را کاشی کرده، محل زیارتگاه است؛ بین کربلا و مسیب واقع شده؛ هرکس با عربانه آمد و شد می‌کند، زیارت می‌نماید. و مقبره طفلان مسلم بن عقیل در مسیب، یک منزلی کربلا واقع است. از مسیب تا طفلان مسلم، ربع ساعت راه است. اصل بنای گنبد از حسن خان سردار است؛ یک ضریح او را میرزا هدایت وزیر لشکر ساخته است و تعمیرات بقعه و غیره را معیرالممالک، در عهد مرحوم ناصرالدین شاه کرده است و بعدها هم زوآر و غیره، تعمیرات را نموده‌اند.

مقصود پنجم: در احوالات کاظمین

فی المدیحه لمؤلفه:

کنار دجله بغداد آشکار و میین
دو نور می‌رود از فرش تا به عرش برین
دو بقعه سربه فلک برکشیده از رفعت
دو آفتاب شعاعش فکنده روی زمین [۸۴ر]
یکی ز موسی جعفر امام هفتم ناس
غریب خطه بغداد مقتدای امین
دگر ز نور دو چشم غریب طوس رضا
نهم امام تقی جواد عرش مکین
سلام بی‌حد و بی‌مرز کردگار جهان
بر آن دوازده طه و سوره یس
که ابتدای به تاریخ صحن شان کردم
به روی صفحه کاغذ قلم کند تحسین

کاظمین در غربی شهر بغداد، به فاصله نیم ساعت راه است و در عرض سی و سه، طول پنج درجه، انحراف قبله سیزده درجه است؛ و مدفن مطهر امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام و مدفن امام نهم، محمدتقی جواد علیه السلام، نواده آن حضرت است و آن مکان، در سابق به مقابر قریش معروف بوده. اما بنای بقعه مطهر، اول از مجدالملک رادستانی بوده و بعد از آن، شاه اسماعیل صفوی، بنای بقعه مطهر و رواق را نمود و این دو گنبد که هر دو به یک اندازه است، در روی بقعه، شاه اسماعیل ساخته است و بعد طلای گنبدین مطهر را خاقان مغفور، فتحعلی شاه نمود.

و آیینه‌بند داخل حرم [۸۴ پ] مطهر، از میرزا شفیع صدر اعظم خاقان مغفور است. و قبر مطهر [و] منور حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حضرت امام محمدتقی علیه السلام، هر دو در یک ضریح بزرگ فولادی است. دو صندوق نقره به فاصله جزئی در میان ضریح فولاد است. صندوق مبارک امام موسی کاظم علیه السلام در جلو و صندوق مقدس امام محمدتقی علیه السلام در عقب و ازاره روضه مطهر، از کاشی است و از کاشی معرق که می‌توان از جواهرات شمرد.

و حرم مطهر پنج در دارد: یک در از سمت قبله و دو در از سمت مشرق و یک در از سمت مغرب به مسجد بالاسر و یک در از سمت پشت سر که به مسجد اهل جماعت باز می‌شود و دو ایوان مطهر که یکی در سمت قبله و یکی در سمت مشرق واقع است؛ هر دو ایوان و ستون و سقف را آقا شیخ عبدالحسین مرحوم،

از جانب پادشاه ایران، مرحوم ناصرالدین شاه [۸۵ ر]، مباشر بوده، [او] بسیار عالی بنا نموده.

و طلای بالای درهایی که از این دو ایوان وارد رواق مطهر می‌شوند، از مرحوم ناصرالدین شاه است که از خشت‌های طلای عسکرین [عسکرین] زیاد آمده بود، به امر مرحوم ناصرالدین شاه، آنها را طلا نمودند. و بعد ایوان سمت مشرق، چون از جلوه افتاده بود، در ثانی در سنه هزار و سیصد و نوزده (۱۳۱۹) از جانب پادشاه جمجاه، مظفرالدین شاه قاجار، جناب حجة الاسلام آخوند ملا محمد شرایبانی، متصدی شده، ایوان را بسیار تعمیر عالی نموده.

و حرم مطهر و رواق و ایوان‌ها در وسط صحن واقع شده. از سه سمت مجرد است و از سمت پشت سر، مسجد است که دور نمی‌گردد. و صحن مطهر را مرحوم حاجی فرهاد میرزای معتمدالدوله ابن عباس میرزا، در کمال خوبی از نو بنا کرده؛ این صحن و حجرات [۸۵ پ] دور، در کمال امتیازات و از مخارج هیچ، مضایقه نکرده و سرداب‌ها برای دفن اموات و حجرات، برای زوار و غربا.

و تذهیب چهار مناره صحن مقدس از قرب زمین تا غایت ارتفاع آن، بنای برکه در جلو خان و از دجله، مجرای آن را ساخته و آب جاری نموده و همچنین در صحن شیخ ابویوسف، برکه دیگر که بنا نموده و بعضی متعلقات دیگر از قبیل تکیه بکتاشیه و غیره و غیره در سنه هزار و سیصد و یک (۱۳۰۱) به مباشرت حاجی عبدالهادی استرآبادی به اتمام رسیده؛ چنان‌که شیخ محمدصادق

اعصم نجفی در قصیده تاریخیه آنجا می گوید:

خذا بیدی فرهاد فی یوم حشره

فقد تم عن سرِّ بتاریخه خذا ۱۳۰۱

و این شاهزاده نیت خوبی داشته است. معروف است یکی از وصایای او این بوده که در وقتی که نعش مرا از [۸۶ ر] طهران حمل به کاظمین می‌نمایید، نعش مرا در سر جسر بغداد بر زمین بگذارید، بعد چهار نفر حمال، نعش مرا بردارید تا به کاظمین تا تأسی به امام علیه السلام بوده باشد و اکنون مقبره اش در ب صحن مقدس است؛ دری که سمت مشرق واقع است، وقت داخل شدن، به سمت دست راست.

القصه، خدام آستان ملائک پاسبان، تقریباً صد و پنجاه نفر می‌باشند؛ کلیددار و خازن حرم مطهر، آقا شیخ علی و علمایی که در رواق مطهر و اطراف مدفون‌اند: ابن قولویه - اعلی الله مقامه - که استاد شیخ مفید - رحمت الله علیه - می‌باشد و شیخ مفید - اعلی الله مقامه - در رواق مطهر مدفون‌اند و خواجه نصیرالدین طوسی - رحمت الله علیه - در مسجد بالاسر مدفون است.

و از سمت در قبله که به بازار می‌روی، دو مقبره است به فاصله چند قدم که یکی از سیدرضی - رحمت الله علیه - و [۸۶ پ] یکی از سیدمرتضی - رحمت الله علیه - می‌باشد؛ آن دو بزرگوار در آنجا مدفون‌اند. و در صحن مقدس، در ضلع جنوب، مایل به مغرب حرم مطهر، بقعه‌ای است از کاشی که دو نفر از فرزندان موسی بن

جعفر علیه السلام مدفون اند. گفتند که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام با این دو فرزندش بی التفات بوده، ولی تکلیف ما رعیت نسبت به شاهزادگان از ذریه حضرت رسول صلی الله علیه و آله احترام است.

مرحوم سید قزوینی - اعلی الله مقامه - در کتاب صوارم الماضیه، آنچه تحقیق فرموده که این دو قبر از اولاد حضرت امیر مؤمنان علیه السلام است که در یکی از جنگ‌ها شهید شدند و در آنجا مدفون شدند، مقابر قریش بدان جهت می‌گفتند؛ العلم عندالله.

و نواب حضرت حجّت علیه السلام که در بغداد مدفون‌اند: عثمان بن سعید عمر [و] ای و محمد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح، علی بن محمد سمی [۸۷ ر] و قبر قنبر، غلام امیر مؤمنان علی علیه السلام، در بغداد است.

و کلینی - علیه الرحمه - نیز در بغداد مدفون است. و مسجد برائث از مساجد مشهوره است، [و] در میان مشهد کاظمین و بغداد واقع است و در آن مسجد، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نماز خوانده، خانه حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت مریم علیه السلام بوده و حضرت عیسی علیه السلام در آنجا نماز خوانده؛ از کاظمین که به بغداد می‌روی در بین راه، سمت راست واقع است.

مدائن، قبر مبارک حضرت سلمان فارسی که از صحابه خاص حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌باشد، از بغداد از راه خشکی به فاصله نه ساعت راه است و قبر حضرت سلمان، نزدیک طاق کسری است و از طاق تا مقبره حضرت سلمان، یک میدان اسب است.

از کنار شط، دو میدان اسب تا مقبره حضرت سلمان است. مقبره مختصری دارد. [۸۷ پ] دو سه نخل خرما در آنجاست. چند نفر عرب خدام آنجا می‌باشند.

و مقبره حذیفه یمانئ و خواجه عبدالله انصاری نیز در آنجاست و شهر وان که از منازل بین راه خانقین و بغداد است، جایی است که در آنجا جنگ نهروان اتفاق افتاده و آن جنگ بزرگی بود که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام با لشکر خوارج نمودند که تفصیل آن در کتب اخبار است که مقداد بن اسود - رحمت الله علیه - که از اصحاب خاص حضرت بود، در آن جنگ شهید شد و قریب به شهر وان، قبر آن بزرگوار است که در کنار راه، به فاصله دو میدان اسب واقع است که بقعه و آثار او موجود است، [و] بعضی از زوار به زیارت می‌روند.

مقصود ششم: در احوالات سرمن رأی که سامرا و عسکر مین گویند

اما سامره، عرض او سی و چهار، طول شش و انحراف [۸۸ ر] قبله هشت درجه است؛ در ایالت الجزیره که بین الفرات و الدجله است. و شهر سامره در کنار دجله واقع شده است. از خشکی تا بغداد، بیست و دو ساعت راه است. گویند از بنای سامرا که از سلاطین اثور است، این شهر را به نام خود بنا نهاده و بعد، معتصم عباسی تجدید کرده، [و] پانصد هزار هزار دینار خرج کرده.

و این شهر واقع است فی مابین شمال و بغداد و صحیح الهوا می باشد و در این شهر، مرقد منور نورین النیرین، شمسین القمرین، حضرت امام علی النقی (امام دهم) و پسر بزرگوارش امام حسن عسکری (امام یازدهم) علیه السلام است. و سردابی است در آنجا که خاتم الأئمه، امام دوازدهم، مهین فرزند خیرالبشر، خلیفه الرحمن، مهدی صاحب الزمان علیه السلام غیبت فرموده.

اما بنای گنبد و بقعه مطهر عسکریین علیهم السلام، از احمد [۸۸ پ] خان دنبلی می‌باشد و بنای حرم و گنبد مطهر، بنای بسیار مرتفع بزرگی است و روی گنبد مطهر را مرحوم ناصرالدین شاه قاجار، شاهنشاه ایران، طلا نموده و خشت‌های طلای گنبد مطهر را در طهران تذهیب نموده، به مأموریت علی‌رضا [خا] ن عضدالملک، بدان موضع نقل شده. و مرحوم ناصرالدین شاه به جهت اظهار اخلاص و ارادت، شخصاً مباشر این خدمت بوده و داخل بقعه را محمدعلی خان‌هندی که از نوآبان لکناهور است، آیینه‌بندی ممتاز نموده.

و حرم مطهر بسیار باوسعت است و ضریح مطهر امامین، از فولاد می‌باشد. شاه سلطان حسین صفوی، پیشکش نموده، بسیار ممتاز و آن ضریح را در هزار و صد و سیزده، به امر شاه سلطان حسین به انتها رسید، نصب شده است.

در ضریح فولادی، اول مرقد مطهر امام علی نقی؛ دویم، مرقد منور امام حسن عسکری علیه السلام [و] سیّم، قبر نرجس خاتون، مادر [۸۹ ر] امام دوازدهم و در ضلع شرقی ضریح فولاد، ضریح از برنج است که حلیمه^۱ خاتون، دختر امام محمد تقی جوادی مدفون است.

آیینه‌کاری رواق مطهر از میرزا سلیمان خان رکن‌الملک شیرازی می‌باشد و چهل چراغ با مصارف روشنایی در رواق مطهر، از مرحوم ناصرالدین شاه است. و گنبد مطهر در وسط رواق و رواق دور می‌گردد

۱. حکیمه صحیح است.

و ایوان مقدس سقف ندارد، ولی ایوان بسیار بزرگی است. سطح و هزاره، همه از سنگ می باشد. چندی قبل، در گنبد مطهر، شکافی پیدا شد که لازم به تعمیر شده بود؛ از شاهنشاه ایران مظفرالدین شاه قاجار، امر به تعمیر آن بقعه مقدس گردید. به اهتمام اولیای ملت و دولت و به مباشرت حاجی عبدالهادی استرآبادی، بقعه و گنبد را تعمیر عالی نموده و تعمیرات لازمه سمت [۸۹ پ] مشرق صحن و بعضی تعمیرات دیگر را نمودند.

محل غیبت، سردابی است و آن سرداب، چندین پایه به زیر می رود و آن موضعی است که اکثراً امام زمان علیه السلام پدران بزرگوارش از شرهای اشرار در آنجا مخفی بودند و به عبادت مشغول. فضل بسیار دارد زیارت آن حضرت و پدرانش در آنجا و آنجا خانه امام حسن عسکری علیه السلام است و آن سرداب را آقا شیخ محمد (برادر مرحوم آقا شیخ عبدالحسین) کاشی نموده.

و محل غیبت خاتم الأئمه چاهی است؛ متنها دو زرع دور چاه را با سنگ مرمر فرش کرده اند و شبکه مطالای سر چاه که اکنون برداشته اند، از مرحوم ناصرالدین شاه بود، به توسط آقا شیخ محمد ساخته شده بود. و داخل سرداب مقدس، در صفا ای که چاه در او می باشد، دری است از چوب که به امر ناصرالدین الله، ابوالعباس احمد که سی و چهارم از خلفای عباسی است، نصب کرده شده؛ دری است به غایت ممتاز و به اعلی درجه منبت شده و در صنعت نجاری از نفایس روزگار است؛ (با اینکه این همه زمان بر او گذشته

و در نگاه‌داری آن هیچ اعتناء نشده و بعضی جاهای او را شمع گذارده سوخته‌اند، هنوز چون بهترین جواهر جلوه‌گر است.^۱ گنبد کاشی مقام غیبت صاحب الامر علیه السلام و مسجد و شبستان‌های آنجا، از بناهای مرحوم محمدعلی [۹۰ ر] میرزا است.

صحن‌های سامره: یک صحن بسیار بزرگ که در جلو واقع است و یک صحن وسط در پشت روضه مبارک و یک صحن کوچک در سمت محل غیبت. و صحن بزرگ، بسیار باروح است. و چاهی است نزدیک به محل غیبت و آن چاهی است که در میان خانه امام حسن عسکری علیه السلام بوده و هر وقت در میان چاه نگاه می‌کنی، آب ته چاه مثل بدر می‌درخشد که مردم از آب آن استشفای می‌کنند.

و کاشی‌کاری صحن و طاق‌نماهای دور و دو مناره کاشی، مرحوم شیخ عبدالحسین، از جانب مرحوم ناصرالدین شاه متصدی بوده. و در معروف صحن مقدس، در بزرگ از جانب قبله است و یکی هم دری است که به صحن پشت سر واقع است. و بیشتر آبادی و جمعیت سامره به توسط مرحوم حجة الاسلام حاجی میرزا محمدحسن [۹۰ پ] شیرازی - رحمت الله علیه - شده؛ مدرسه بسیار خوبی از برای طلاب و حمام و بازارچه از جهت زائرین و اهل آنجا بنا کرده و جسر روی دجله سامره را از ثلث مرحوم حسام الملک همدانی، به فرمایش مرحوم حجة الاسلام کشیده‌اند و الحق،

۱. در حاشیه.

کمال آسایش از کشیدن جسر از برای عابرین و زوار حاصل شده. خدام آستان مقدس، تقریباً صد نفر می‌شوند و کلیددار آن روضه مطهر، آقا سیدعلی اعمی که از دو چشم نابیناست، [می‌باشد].

القصّه از جمله زیارتگاهی که در راه سامره است، امامزاده عالی‌مقدار، سیدمحمد بَعّاج است که بقعه آن جناب قریب، به بلده در کنار دجله واقع است. بلده در یک منزلی سامره است. از آنجا تا بقعه سیدمحمد، دو میدان اسب راه است و این سیدمحمد بَعّاج، فرزند امام دهم امام علی [ال] نقی علیه السلام است [۹۱ ر] که مرحوم میرزا حسین نوری - رحمت الله علیه - شرحی در احوالات او بیان نموده و سالی نیست که چند کرامت از آن قبر شریف به ظهور نرسد. اعراب و اهالی آن صفحات، اعتقاد غریبی دارند و هرساله در صورت امکان، به زیارت می‌روند و ضریحی چندی قبل، نصب آن روضه مبارک نموده‌اند. و دیگر در راه سامره، قبه مختصری است؛ گفتند که قبر ابراهیم، پسر مالک اشتر است؛ کنار نهر خشکی واقع است [و] آبادی ندارد.

مقصود، مقتم: در احوالات مشهد مقدس

که مرقد منور [و] مطهر السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام است که آن [امام] همام را در صفر المظفر، دویست و دو و به روایتی دویست [و] سه، با زهر شهید نمودند و در قریه سناباد که موضعی است در چهار فرسخی طوس، مدفون گردید. و مشهد مقدس، انحراف قبله از نقطه جنوب، چهل و [۹۱ پ] پنج درجه است؛ و طوس، مشتمل بر دو قصبه بوده: یکی را طایران و یکی را نوقان می گفتند که اکنون هر دو، حکم واحد دارند. بر هر دو [یی] آنها، مشهد گفته می شود و روضه مطهر معطر حضرت رضوی، از حیثیت خدمه و کشیک و چراغ و موقوفات [و] نظم و قاعده ترتیب، دخلی به مشاهد شریفه ائمه دیگر ندارد.

یک هزار و هیجده یا نوزده سال است که حضرت ثامن الأئمه علیه السلام در آن بقعه منوره مدفون شده، از سلاطین و مخلصین

شیعه، آثار و عمارت بسیار برقرار است. هر حکومت و متولی آستانه که از جانب پادشاه ایران مأمور به ارض اقدس شده، به قدر لزوم، تعمیر یا خدمت دیگر به آستان مقدس نموده و اسمی باقی گذارده؛ و بیشتر بنا از عهد صفویه است و بعد از صفویه، بنا و تعمیرات بسیار [۹۴ ر] از نادرشاه افشار و از عهد سلاطین قاجار است؛ خاصه در عهد شاهنشاه مرحوم، ناصرالدین شاه می باشد. الحاصل، فی الجمله شرح صحون مبارک و عمارات آن روضه مطهره، بدین موجب است:

صحن بزرگ که از طرف شمال پشت سر حضرت واقع است، معروف به صحن عتیق؛ طول آن که از مغرب به مشرق است، تقریباً یک صد و پنجاه قدم متوسط می شود و عرض آن که از شمال به جنوب است، تقریباً یک صد قدم می شود و نصف این صحن که در سمت ایوان و گنبد طلاست، از بناهای امیرشیرعلی، وزیر شاه سلطان حسین بایقراست و نصف دیگر که سمت ایوان شاه عباسی است، ثانیاً مدارس اهل سنت بوده، مرحوم شاه عباس ثانی بر صحن افزوده و این صحن را پنج در است. [۹۴ پ] حجرات واقعه در این صحن، فوقانی و تحتانی است و آنچه از بناهای آن به اسم و رسم است، از این قرار است:

ایوان طلای نادری که بنای آن از امیرشیرعلی است و طلای آن از نادرشاه افشار است و از این ایوان، دری به دارالسیاده و دری به توحیدخانه می رود. کتابخانه مبارکه در این ایوان است.

محمدناصرخان الشیک آقاسی باشی، در عهد مرحوم ناصرالدین شاه تعمیر ایوان را نموده است. و دیگر، مدرسه میرزا جعفر که از بناهای بسیار عالیه در عهد اوزبکیان ساخته شده است و در گنبد قبلی اسم، شاه سلطان حسین ضبط است؛ معلوم نیست که مرحوم شاه سلطان حسین، معمر یا بانی این بنا بوده باشد.

و دیگر، ایوان شاه عباسی که مقابل ایوان طلاست که کاشی [۹۵ ر] کاری آن در نهایت امتیاز است که در جلو [ی] آن مفتول کشیده، شبها با چراغ، کشیک خمسه را معلوم می‌دارند و در پشت سر ایوان، محل مدرسه ملاتاج است که مؤتمن الملک، مستشار خراسان، تعمیر آن مدرسه را نموده، در آن مدرسه به جز گلدسته طلای نادری، بنای عالی دیگر ندارد و تعمیر این گلدسته را بعد از نادرشاه، والده خاقان خلدآشیان کرده. شماع‌خانه، مکتب‌خانه ایتام، کشیک‌خانه دربانان، [و] محبس‌خانه حضرت، در این صحن می‌باشد. بالای در صحن که از سمت خیابان پائین وارد می‌شود، نقاره‌خانه حضرت است که مرحوم حاجی قوام‌الملک، تمام نموده است که در تاریخ آن گفته‌اند:

هر بامداد نوبتیانش فراز بام

هریک ز کاسه سر کاوس کرده کوس

سرخوش [۹۵ پ] بدیبه از پی تاریخ سال گفت

باید ز شمس شمسه ایوان شاه طوس ۱۲۸۷

سقاخانه وسط صحن، موسوم به سقاخانه طلا که سنگ آب آن را در عهد نادر آورده‌اند؛ اصل عمارت و طلای آن را اسماعیل خان طلاپی، در عهد خاقان خلد آشیان ساخته است. نهر وسط صحن، آب آن از دروازه بالا خیابان جاری است، به خط مستقیم وارد صحن مطهر، وارد خیابان پایین [و] خیابان بیرون می‌رود؛ و این اوقات آب دیگر را هم مجرای او را ساخته، وارد صحن مقدس نموده‌اند؛ و در تولیت صدیق‌الدوله متولی باشی، به امر همایونی از منافع ملکی حضرت، از دو سمت کنار نهر آب بزرگ را معجر کشیده، از در صحن بالا خیابان تا قریب به دروازه بالا خیابان [۹۶ ر] و از در صحن پایین خیابان هم به شرح ایضاً، بسیار بر شکوه خیابان‌ها افزوده.

و صحن جدید که صحن شرقی باشد، معروف به صحن خاقان که پایین پای مبارک واقع است و اصل آن از بناهای خاقان خلد آشیان است و این صحن، بسیار خوب اتفاق افتاده، طول این صحن هم از مغرب به مشرق است؛ کاشی‌کاری آن در کمال امتیاز است که میرزا موسی خان متولی باشی، تعمیر نموده و ازاره سنگ آن، قدری از مرحوم معزی‌لیه و قدری از میرزا عبدالباقی منجم‌باشی و اتمام آن از میرزا فضل‌الله خان وزیر نظام است. و این صحن را چهار در است: دری به طرف مقبره شیخ بهائی - علیه‌الرحمه - است. عمارات واقعه در صحن، علاوه بر عمارات فوقانی و تحتانی دور صحن که محل توطن [۹۶ پ] طلاب است، از این قرار است:

ایوان طلای مبارکه ناصری که اصل بنای آن از خاقان مغفور است و طلای آن را برحسب حکم مرحوم ناصرالدین شاه، میرزا محمدحسین عضدالملک در ایام حکومت مرحوم حسام السلطنه، از منافع ملکی حضرت فیض آثار ساخته است و از این ایوان، دری به دارالسعاده، کارخانه و شربتخانه خدام در این صحن واقع است. و در کارخانه از وسط ایوان، رو به شمال، مقابل دری که از پایین خیابان وارد صحن مطهر می‌شوند، [و] سقاخانه کاشی وسط صحن، از بنای حاجی محمدرضای مستوفی است.

و دیگر، صحن مسجد گوهرشاد است که پیش روی مبارک واقع است و آن مسجد، یکی از بناهای عالیه است و خاصه کاشی‌کاری‌های معرق که با چینی‌های بسیار [۹۷ ر] ممتاز، می‌تواند برابری بکند. و بانی این بنای عالی از گوهرشاد است که عروس امیر تیمور گورکان است و در این صحن، چهار ایوان و شبستان است و چهار در دارد:

دری به محوطه معروف به پایین‌پا، مقبره مرحوم شیخ بهایی - علیه الرحمه - است و اسامی ایوان‌ها، ایوان مقصوره با گنبد بسیار عالی و دو گلدسته بلندکاشی. دهنه ایوان، دوازده زرع است و ارتفاع آن، بیست و پنج زرع و نیم و طول آن، سی و چهار زرع است. ارتفاع گنبدی که در وسط آن واقع است، چهل و یک زرع و قطرهای ایوان، پنج زرع و ارتفاع هریک از گلدسته‌ها، چهل و یک زرع است و نیز از محسنات این ایوان آنکه از سنه هشتصد و بیست

که بنای آن شده است، الی حال به هیچ وجه محتاج تعمیر نگشته. و در میان گنبد این ایوان، دو منبر از چوب است [۹۷ پ] که منبر بزرگ، قدیم است به موضع مخصوص که بعد از اتمام مسجد ساخته‌اند و منبر کوچک در عهد خاقان خلد آشیان، دو نفر بانی شده‌اند ساخته‌اند.

و دیگر ایوان سمت حضرت، معروف به ایوان دارالسیاده که دری به حرم مطهر می‌رود از دارالسیاده. و دیگر ایوان غربی و دیگر ایوان شرقی و شبستان‌ها در اطراف دارد. وسط مسجد، محوطه‌ای است که معجرسنگ در او کشیده‌اند، معروف به مسجد پیره‌زن و به تمام کاشی‌کاری‌های آن مسجد، آیات قرآن و احادیث و اسماء الهی ضبط است. یک میز از سنگ، در کنار مسجد است. بعضی از عوام می‌گویند که حضرت را روی او غسل داده‌اند؛ اصلی ندارد و آن میز را در وقت بنای مسجد ساخته‌اند.

و تولیت مسجد مجزاست؛ با ساداتی است که از قدیم [۹۹ ر] با آنها بوده؛ خدمه و دربان و کشیک دارد؛ امام جماعت، واعظ، مسئله‌گو، مؤذن بسیار دارد. عمارت رواق مطهر سمت غربی، به طول واقع شده، دارالسیاده است که از سمتی به مسجد گوهرشاد و از سمتی به سقاخانه و به ایوان طلای نادری منتهی می‌شود، از بناهای گوهرشاد است؛ و از دری که به دارالسیاده از طرف مسجد گوهرشاد وارد می‌شوند، دست راست به جرزدیواری، یک سینی نصب کرده‌اند و تاریخ آن سینی از عهد بنی‌عباس است. گویند

که انگور زهرآلود در میان این سینی بوده است. و سمت شرقی، دارالسعاده است که بناهای آصفالدوله است، پایین پا واقع است؛ بالای آن، محوطه پایین پاست و ایوان طلای ناصری جلوی آن واقع است؛ و سمت شمالی، توحیدخانه است و سمت جنوبی [۹۹ پ] دارالحفاظ است که سمت بالای آن، حرم مطهر است و سمت پایین ایوان مسجد گوهرشاد است که آیینه‌کاری آن را مرحوم حسام‌السلطنه کرده است.

میان غرب و شمال، سقاخانه و راه گلدسته طلای شاه عباسی می‌باشد. میان شمال و شرق، کتابخانه حضرت و گنبد الله‌وردی‌خان است که دارالضیافه حضرت در یک سمت آن واقع است و این گنبد قوی اساس که سابق کریاس حرم مطهر بوده، از ابنیه الله‌وردی‌خان است که بیگلربیگی فارس بوده، در زمان صفویه ساخته شده است و کاشی‌کاری آن در کمال امتیاز است که همه به آیات قرآن و احادیث ضبط شده و کفش‌کن آن به صحن قدیم است که سردر آن نوشته:

این کفش کنیست درگه عرش عظیم

این کفش کنیست طور موسی کلیم [۱۰۰]

این واد مقدس است ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ﴾

این باب خداست فاسجدوا لتعظیم

میان شرق و جنوب، مدرسه علی‌نقی میرزاست که در او، میرزا علی‌رضا مستوفی، مهمانخانه ساخته. در حقیقت این مدرسه

حال، حیات کشیک‌خانه است و در پهلوی آن، کشیک‌خانه خدام و قهوه‌خانه و راهرو و کشیک‌خانه معروف به گنبد اوپک میرزا و خزانه مبارکه [است] که در آن از دارالحفاظ است، سمت میان جنوب و مغرب تحویل‌خانه فرّاشان که در هردو از دارالحفاظ است و دیگر، حرم مطهر مدیحه از قصیده ملک الشعرا:

خسرو اقلیم امکان مظهر یزدان رضا
 کز همایون ذات او فرّ خدایی آشکار
 نورحق طور تجلی‌زاده موسی که هست
 آستانش عرش و جبرئیل امینش پرده‌دار
 سوده بر پاک آستانش [۱۰۰ پ] نیر اعظم جبین
 رفته از عالی رواقش خازن جنت غبار

حرم مطهر امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام محلی است مربعی که در وسط اعلائی آن ضریح مطهر واقع است. اصل بنای این چهار دیوار و این بناهای عالی‌مقدار، از بناهای اسکندر است. گویا روزی از این زمین، بهشت آیین عبور کرده، واقعه خارق‌عادتی مشاهده فرمود؛ سبب آن را از برهمنی دانا جويا گشته، آن برهمن خبر داد که مکان مدفن یکی از اولاد خاتم پیغمبران خواهد شد؛ پس نذری به خواطر گذرانند، بعد از وصول به مطلب، چهار دیواری محکم در این محل برپا نموده که تاکنون به همان اسم باقی است.

هارون‌الرشید در زمان خلافت، روزی از طوس به آن محل رفیع آمد؛ از حقیقت آن جويا گشته، حکایت [۱۰۱ ر] گذشته باز

شنید. پس امر نمود: بر آن گنبد عالی بنا کردند. بعد از فوت هارون الرشید، مأمون الرشید جسم هارون را در این محل دفن کرد و غافل از اینکه هارون الرشید را همان ساعت به جای خود می‌برند؛ زیرا آن موضع بقعه‌ای است از زمین بهشت و کسی که موسی بن جعفر علیه السلام، فرزند پیغمبر را به زهر شهید کند، از اهل بهشت نخواهد بود.

الحاصل، پس در زمان خلافت مأمون، چون به زهر انار یا انگور یا هردو [ی] آنها، روح پاک و گوهر تابناک امام غریب در قریه سناباد که هنوز بعضی از محلات مشهد به آب آن مشروب می‌شوند، به عالم قدس و مرکز اصلی خرامید به اشارت مأمون، جسد مطهر را به جایی که بالای سر هارون است، به خاک سپردند؛ غبار آن مکان را طوطیای دیده رضوان کردند. مأمون می‌خواست که قبر آن حضرت را در عقب [۱۰۱ پ] سر هارون قرار دهد، هر چند کلنگ بر زمین زده اصلاً کنده نشد. آخر در جایی که حضرت به اباضت خبر داده بود، قبر ساخته بیرون آمد، به تفصیلی که در کتب اخبار است.

باری چون قبر هارون در وسط واقع بود، آن است که مرقد مطهر منور، بالای سر واقع است. پس ضریح مطهر به قسمی واقع شده که وسعت سمت بالاسر، بسیار کم است و نزدیک به دیوار گشت. این هم از کرامت آن مرقد مطهر است؛ زیرا زوار آن، حضرت به آن موضع که می‌رسند، آن ظلم‌های بنی‌عباس که به

خاطر ایشان می‌رسد، از کشندگان امام علیه السلام تبراً می‌جویند و لعن می‌کنند هارون و مأمون را.

باری مرحوم شاه عباس صفوی، بالای گنبد مطهر را طلا نموده، مرحوم حاجی فرهاد میرزای معتمدالدوله تذهیب گنبد مطهر را از نادرشاه افشار نوشته، شاید [۱۰۲ ر] نادرشاه تعمیر گنبد مطهر را کرده باشد. به هر جهت داخل گنبد مطهر را در عهد مرحوم ناصرالدین شاه، میرزا صادق قایم مقام، آیینه‌کاری بسیار خوب ممتاز نموده. کاشی‌آزاره وسط گنبد که سرکوب چینی فغفور است، دو قسم ساخته شده است: قسمی در کتیبه که خطوط رقاع و اسلیمی برجسته دارد، [و] می‌توان دعوی کرد که تا امروز، چینی به این صفا و صنعت به این دقت دیده نشده؛ و دگر خشت‌های مسدس سفید است که با خطوط طلا، به آیات و احادیث تزیین یافته، گویند که خمیره این کاشی‌های اعلا، از معدنی است که بالفعل در نواحی مشهد موجود است. آنچه به تحقق پیوست، این کاشی‌ها با کاشی‌های علی بن جعفر که در قم موجود است، در یک عهد ساخته شده است؛ هر دو کار یک استاد است. [۱۰۲ پ]

و حرم مطهر را از دو سمت، یکی از سمت بالاسر و یکی از سمت پشت سر، دو فضای شاه‌نشین مانند است. سمت پشت سر، به مسجد زنانه و توحیدخانه می‌رود و سمت بالاسر را مرحوم محمدولی میرزا ساخته به مسجد ایشان موسوم و زمین این مسجد بالاسر از سنگ‌هایی می‌باشد که قیمت جواهرات است.

و این دو مسجد از پشت سر به یکدیگر راه دارد که آینه‌کاری آن را عباسقلی خان میرپنجه نموده است و اکنون در پشت سر، محلّ قرائت کلام الله است.

اما ضریح مطهر، مربع طولانی است که سطح آن از سنگ‌های قیمتی می‌باشد. و او را سه ضریح است: ضریحی که دور قبر مبارک است، از طلاست که مرحوم شاه عباس جنّت مکان، در سفری که پیاده به آن آستان ملائک پاسبان آمد، برحسب نذر، مبلغ هفت [۱۰۴ ر] هزار تومان آن‌جام داده؛ ناصرقلی میرزا، نواده نادرشاه، آن را دزدید و بعد به حکم نادر میرزا، به محل خود عود دادند؛ و پس طلای یک سمت آن، در حمل و نقل مفقود شده و حال یک سمت آن، نقره و سه سمت آن طلاست و بالای آن، یک شیروانی است. و ضریح دیگر، فولادی است مرصع که نادرشاه افشار ساخته و دانه نشان است و بالای آن هم، یک شیروانی است که بر روی آن، صفحه طلا استوار است و روپوش بالای این شیروانی است و سلبی از طلا در وسط آن شیروانی نصب کرده‌اند که در میان او، جواهرات بسیار نصب است.

دو وقیه طلای جواهرنشان در دو طرف سلب مرصع است. و بین ضریح مرصع و ضریح فولاد، یک شبکه از برنج است به جهت محفوظ بودن دانه‌های جواهر و در ضریح از طرف [۱۰۴ پ] پایین‌پا، طلای مرصع است که جواهرات بسیار بر او نصب است؛ خاقان خلدآشیان ساخته و طلای آن را در عهد سالار بردند، بعد برحسب

حکم مرحوم ناصرالدین شاه، سلطان مراد میرزای حسام السلطنه، طلا و مرصع کرده است و روی آن را آئینه قدی قرار داده‌اند و اکنون در یک لنگه در، اسم خاقان مغفور و در یک لنگه دیگر، اسم مرحوم ناصرالدین شاه ثبت است که از زیر آئینه معلوم است. این دو پادشاه به دربانی آن سلطان عالم مفتخرند.

و در ضریح فولاد، پیش روی مبارک پایین پا اتفاق افتاده، به خط میرزا عبدالعلی یزدی به آب طلا بالای آن نقش است: «والله روضة من ریاض الجنة» و قفل نقره بر این در است و در چهار کنج حرم مطهر، قنادیل طلا و نقره و حباب نقره بسیار آویخته [۱۰۵ ر] و یک قنادیل مرصع جواهرنشان در بالای سر آویخته و یک جعبه آئینه بزرگ در بالای سر مبارک نصب است که جقه و تاج و جواهرات و کار دو جواهر و جقه بزرگ از خاقان مغفور و از سلاطین سلف و صفویه و از نادرشاه در آن جعبه است که نیاز آن آستان مقدس نموده‌اند و یک جقه تل‌دار در میان جعبه آئینه در کتیبه بالای سر نصب است که مرحوم ناصرالدین شاه در سفر شرفیابی پیش‌کش آن آستان مقدس نموده.

و دو جعبه کوچک آن هم در بالای سر نصب است که بازوبند جواهر در میان آنهاست و یک جعبه، بالای سر دارالحفاظ است که شمشیر جواهر در میان اوست و جواهر و پارچه‌های قیمتی بسیار می‌باشد که همه وقف نیاز آن آستان مبارک است. اشیاء پیش‌کشی آن‌قدر وقف آن روضه [۱۰۵ پ] مطهر است که حد

و حصر ندارد و چه در میان خزانة مبارکه و چه در کتابخانه آن حضرت، فرش‌ها و قالی‌ها از سلاطین قدیم و صفویه وقف است که هر پارچه آن، صد مراتب از ترمه کشمیر بالاتر است. الحاصل، کتیبه مرمر دور حرم را در عهد مرحوم ناصرالدین‌شاه، دبیرالملک تمام نموده است و بر کتیبه میان در پایین پا نوشته:

قدم گذار دمی در وساده وحدت

به چشم دل سوی این قصر زرنگار نگر

در واقع اگر پرده غفلت و حجب حبّ شهوات دنیا از پیش دیده دل برخیزد، جلال باطنی آن حضرت معلوم خواهد شد. و حرم مطهر را سه در است: دری به دارالحفاظ، دری به پایین‌پا و دری به توحیدخانه. و درهای طلا و نقره رواق و روضه مطهر بسیار است و از سمت مسجد بالای سر، به دارالسعادة، پنجره [ای] از نقره است [۱۰۶ ر] که در تولیت میرزا محمدخان مجدالملک در عهد مرحوم ناصرالدین‌شاه ساخته و یک پنجره از سمت توحیدخانه به سمت صحن قدیم است که از برنج است، معروف به پنجره فولاد و بر کتیبه تمام رواق‌ها و روضه مطهر، قصیده شعرا ضبط است و این دو بیت از قصیده قآنی ثبت شد[ه]:

زهی به منزلت از عرش برده فرش تو رونق

زمین ز یمن تو محسود هفت کاخ مطبّق

کدام مظهر بی‌چون بود به خاک تو مدفون

که از زمین تو خیزد همی خروش اناالحق

و بسیاری هم قصیده شعرا در قاب آینه کرده [و] آویخته‌اند و این خادم الزائرین، در وقتی که در ارض اقدس، مشرف بودم در روز عاشورای هزار و سیصد و هیجده (۱۳۱۸) در صحن مقدس، ملاحظه شد که از تمام محلات مشهد و اطراف مشهد، به جهت عزاداری خامس آل عبا [۱۰۶ پ] همی از هر طرف متصل، دسته سینه‌زن با طوق علم وارد صحن مقدس می‌شد و مقابل پنجره فولاد، طوق علم را تعظیم داده و عزاداری می‌کردند، [و] بیرون می‌رفتند. به خاطر افتاد آن وقتی که پسر زیاد، ملعون دسته به دسته اهل کوفه را علم می‌داد و به جنگ پسر فاطمه علیها السلام روانه می‌کرد، حالت منقلب شد، مقابل پنجره فولاد عرض نمودم، فی المرثیه:

یا بن رسول الله یا علی بن موسی الرضا

یا ثامن الأئمه جزاک الله زین عزا

من چون بگویم آه زبانم بریده باد

نزد پسر مصیبت جدش کنم ادا

آخر کشید کار که از ظلم کوفیان

از زین فتاد روی زمین حجّت خدا

واغربتای ناله شه چون که شد بلند

کز وییان به گریه تمامی ازان صدا

از زخم‌های بی‌حد و از ضعف تشنگی

بر خاک تکیه داد مهین سبط مصطفی

آن قدر تشنه بود عزیز خدا حسین علیه السلام

این بس ز تشنگی‌اش که شد عین کاف‌ها

آب فرات مهریه مادرش بتول
یک جرعه کس نداد بدان خامس کسا [۱۰۷ ر]
نصرانی احترام نمود از مباله
چون دید حال غربت مظلوم کربلا
شمر لعین ز سوره طه نکرد شرم
خنجر کشید و گشت روان سوی هل اتی
چون قطع کرد شاخه مرجان فاطمه
لؤلؤ ز دیدگان همه جاری ز مجتبی؟
بارفرفر شهادت شه جمع بانوان
مویه کنان سینه زنان وا اخوا
شد در عروج کوکب والنجم بر سنان
گویا شنیده بود دنی یا حسین دنی
بگریست آنچه بود به ریحانه رسول
سرخ پدید گشت ز رخساره سما
چون شد هلال ابروی شه جلوه گر به نی
از اختران برج حیا شد فغان به پا
وانگاه تاختند به غارت خیامشان
دنیاپرست کوفی بی شرم و بی حیا
نامردها به عترت یس گشوده دست
شناختند حرمت والشمس والضحّا
آن اهل بیت بی کس و اطفال در بدر
فریاد می زدند که ای وا محمّدا
آتش چرا زدند دیگر بر خیامشان
زنجیر از چه گردن بیمار کربلا

این بود آن سفارش ذالقربی رسول
 امت چه خوب اجر نبی داد مرحبا
 در راه شام و کوفه و در مجلس یزید
 آیا چها گذشت به اطفال بی‌نوا [۱۰۷ پ]
 دستت بریده باد یزید این چه ظلم بود
 بر جای بوسه‌گاه نبی خیزران چرا
 خنزیر مست باده ناب است تر دماغ
 برپا ستاده نور خدا حجّت خدا
 اولاد هند متکی اما چاک پیره‌ن
 کوه وقار فاطمه آن عصمت خدا
 این درد می‌کشد که زنازاده مشّت زر
 خواهد دهد به خواهر ثارالله خون بها
 زائر به بند لب بکن اسرار حق عیان
 اظهار بندگی بود این صبر در بلا
 قربانت ای حسین نه کشتی که می‌شدی
 ما را شفیع روز قیامت صف جزا
 ای خسرو حجاز شهنشاه ارض طوس
 ای نور کردگار ولی خدا رضا
 یک سکه قبول به اعمال ما بزن
 لطفی و مرحمت بروم سوی کربلا
 دانم چرا که هر دل شیداش طالب است
 زیرا که بود ناله هل ناصرش ندا
 با دوستی فاطمه اولاد فاطمه
 زائر بزن تو یی‌رق عشقت به نینوا

این مرثیه را با قصیده سلامیه که در آخر کتاب مذکور است که وقت شرف‌یابی حضور آن روضه مبارک عرض نموده، هردو را در قطعه [ای] از کربلای معلی تقدیم آن آستان مبارک نمودم. [۱۰۸ ر]

القَصَّه، مقبره شیخ بهایی - علیه الرحمه - با بعضی از علماء، بیرون رواق در محوطه معروف به پایین پا می‌باشد. وکیل‌الملک تبریزی که از سادات طباطبائی است، صندوق او را ساخته و آن بقعه را تعمیر نموده است.

و در رواق مطهر و صحنین، آن قدر از قبور سادات عظام و علمای اعلام و اعیان و خدام آن آستان مقدس و غیره هست که از حد [و] حصر بیرون است که بیشتر قاری و چراغ دارد؛ تقریباً شیبی هزار جزو قرآن در روضه و اطراف قرائت می‌شود. و از سلاطین، شاه طهماسب صفوی نزدیک مسجد زنانه مدفون است و در قبرستان معروف به قتلگاه، قبور بسیار [ی] از سادات و علماء و غیره است؛ از آن جمله: قبر سیداحمد کبیر از اولاد موسی بن جعفر علیه السلام و قبر او در زیر خاک مخفی بود، چند نفر درویش، اهتمام [۱۰۸ پ] نموده آن قبر را از زیر خاک بیرون آورده، میرزا رضای صدیق الدوله متولی باشی، آنجا را تعمیر نموده. و از علماء، قبر شیخ طبرسی - اعلی الله مقامه - با بعضی از علمای دیگر در قبرستان قتلگاه است و دارالشفای حضرت در خیابان بالا واقع است که چند نفر طیب، آشپز، دربان، [و] پرستار، همیشه مواظبت از بیماران و غربا و زوار می‌نمایند.

و مهمان‌خانه عمومی حضرت در بست بالا [ی] خیابان واقع است که از زوآر و غربا و فقرا، پذیرایی می‌کنند [در] سه ماه رجب، شعبان، رمضان؛ از موقوفات مرحوم ناصرالدین‌شاه صرف می‌کنند و مهمان‌خانه خدام علاحده است، [و] در صحن نو می‌باشد. اشرف النظاره میرزا محمدصادق ناظر که ناظر حضرت است، از سادات رضوی است؛ به قول مشهور، بیست و پنج پشت به حضرت رضا علیه السلام می‌رسد [۱۰۹ ر].

و نایب التولیه حاجی سیدحسین عرب که پدرش سیدسعید کلیددار حضرت ابوالفضل علیه السلام بود و مادرش، دختر خاقان مغفور است و پنج سرکشیک و پنج خدام‌باشی و دربان‌باشی، کل دربانان و صاحب‌منصبان آن آستان، هریک به لقبی و به خدمتی سرفراز و خدام آستان ملائک پاسبان، زیاده از هزار نفر می‌باشند که در کشیک خمره، حاضر خدمت هستند [و] هر کشیک، تخمیناً و تقریباً دویست نفر زیاده‌اند، به غیر از اعیان و ارکان و سایرین که اسمشان در دفتر حضرت محض افتخار است.

مبالغ زیاد خرج آن روضه مطهر و خدام آستان ملائک پاسبان است که بیشتر از موقوفات حضرت است؛ تقریباً شانزده هزار پانزده هزار نفر، وظیفه‌خور و شهریه‌گیرنده و مستمری‌بر و غیره، از آن آستان ملائک پاسبان بهره‌مندند [۱۰۹ پ] و مدارس بسیار در خیابان پایین و بالا و اطراف آن روضه مطهر است؛ طلاب بسیاری در آن مدرسه‌ها مشغول تدریس است و چند مدرسه از عهد صفویه

است و بعضی مدارس مخروبه که تعمیر لازم دارد.

و گنبدی و بقعه در خیابان پایین هست؛ گفتند: قبر پیر پالان دوز است که مرد سالکی بوده و از عرفا می‌باشد. هر زواری که وارد می‌شده، اگر پالان حیوان آنها مندرس شده بود، مجاناً تعمیر می‌نمود و معاصر با شیخ بهایی - علیه الرحمه - بوده، در عهد شاه خدابنده، گنبدی ساخته‌اند و مقبره و فضایی دارد و مدرسه در جنب آن واقع است.

عجب اینکه یک دکان نانوايي در پایین خیابان نشان دادند، گفتند که اینجا قبر حمید بن قحطبه طوسی است و این ملعون کسی است که در یک شب به حکم هارون الرشید [۱۱۰ ر] عباسی، شصت نفر از اولاد علی و فاطمه (علیها السلام)، طفل، جوان، [و] پیر را گردن زد و سرازیر در چاه کرد. الحال قبر او در جایی اتفاق افتاده که آتشی که از برای نان پختن می‌افروزند، روی قبر این ملعون است که قبر او به آتش دنیا و خود ملعونش به آتش جهنم می‌سوزد؛ الظاهر و عنوان الباطن.

الحاصل، خواجه ربیع تا مشهد مقدس، یک فرسخ راه است. گویند: خواجه ربیع از تابعین و اخلاص کیش حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده و از جانب حضرت در ری و عراق، ریاست لشکر با او بوده و در جنگ صفین با چهارهزار مرد جنگی، از ری به امداد حضرت به کوفه آمد و قبر او در کنار رودخانه طوس است. در خبر است چون حضرت رضا (علیه السلام) داخل سناباد شد،

پشت مبارک را گذاشت به کوهی که قریب به شهر مشهد است که دیگ‌ها [۱۱۰ پ] و ظرف‌ها از او می‌تراشند و فرمود: خداوند! نفع‌بخش به این کوه و برکت ده آنچه در ظرفی گذارند که از این کوه تراشند. از آن روز، مردم دیگ‌ها و ظرف‌ها از این کوه تراشیدند و برکت یافتند.

و اما قدمگاه، در سه منزلی مشهد مقدس، در دامنه کوه و بته واقع شده؛ بسیار جای باصفایی اتفاق افتاده است. اصل قدمگاه، عبارت از بقعه کوچکی است که سلاطین صفویه ساخته‌اند که گنبد عالی دارد. تمام او را با کاشی معرق زینت داده‌اند و در دیوار آن بقعه، تخته‌سنگ سیاهی نصب نموده‌اند مسطح که بر آن نقش پای مبارک است. گویند که آن سنگ را زیر او آتش می‌کردند و در روی او نان می‌پختند. خدمت حضرت استغاثه کرد؛ حضرت به نقش پای [۱۱۱ ر] مبارک همچون حجرالاسود بوسه‌گاه خلاقش کرد؛ و از اطراف به زیارت آن مقدم شریف آمده، تحصیل سعادت می‌نمایند، لمؤلفه:

بوسیدن پایش اگرت نیست میسر

نقش قدمش جای گرفتست به سنگی

و در سمت شرقی این بقعه به فاصله چند قدم، چشمه‌ای است کانه سلسبیل که از قرار مشهور از یمن، دست مبارک معجز اثر آن حضرت جاری شده و عابرین و قوافل و زوار، از آب آن استشفاء حاصل می‌کنند و آنچه محقق است که قدم‌های مبارک حضرت

به آن مکان رسیده و خود آن سرزمین گواهی می‌دهد از نزهت و صفا؛ چنان‌که در تحفه‌الزائر مجلسی - علیه الرحمه - نقل می‌کند که ابن بابویه روایت کرده است که چون حضرت رضا علیه السلام در وقتی که به نزد مأمون می‌رفت، به ده سرخ رسید [۱۱۱ پ] که همین قدمگاه است، از برای ظهر فرود آمد، آب طلبید به جهت وضو، گفتند: یابن رسول الله! آب همراه نداریم. پس به دست مبارک زمین را کاوید؛ آنقدر آب جوشید که آن حضرت و هر که با او بود، وضو ساختند؛ اثرش تا امروز باقی است.

الحاصل، باغ قدمگاه، درخت‌های کاج بسیار کهن دارد که زیاده از پنج زرع قطر دارد و از ازمینه قدیم خبر می‌دهد. گویند در عهد شاه عباس صفوی کاشته‌اند. بقعه و باغ را در عهد هر سلطان تعمیر کرده‌اند؛ در عهد مرحوم ناصرالدین‌شاه هم تعمیر شده و این اوقات تمام آن بقعه و باغ را از موقوفات خودش نیرالدوله، حاکم نیشابور، تعمیر نموده است.

مقصود، ششم: در احوالات شهر قم

که در آنجا فاطمه علیها السلام (دختر موسی بن جعفر علیه السلام) مدفون است و شهر قم، در کنار رودخانه واقع است. و قم در عرض سی و پنج درجه، [۱۱۳ر] طول یک درجه، انحراف قبله سی درجه است. و اهل قم، از شیعه‌های قدیم بوده‌اند. وقتی که کل ایران، مذهب اهل تسنن داشتند، قم و کاشان و استرآباد و سبزوار نیشابور، شیعه‌خانه بوده. و چند حدیث در مدح ارض بیضاء قم رسیده است. و بسیاری از علماء و صلحاء و اخیار، از اهل قم بوده‌اند که در حق آنها این حدیث کافی است «لولا القمیون لضاع الدین»^۱ و حضرت معصومه فاطمه علیها السلام (بنت موسی بن جعفر علیه السلام) در زمین بابلان قم مدفون است که حضرت رضا علیه السلام به سعد اشعری فرمودند: هر کس زیارت کند او را، بهشت از آن اوست.

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷.

اول بر سر قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام، سایه بانی ساخته بودند؛ تا اینکه زینب (دختر محمد بن علی رضی الله عنه) قبه بنا نهاد و بعد در سنه هشتصد و بیست و نه، شاه بیگی بیگم، قبه را بزرگ [۱۱۳ پ] کرد و تجدید نمود. و این شاه بیگی بیگم، خواهر گوهرشاد است که عروس امیر تیمور گورکانی است و بانی مسجد گوهرشاد که در خراسان، آن مسجد معروف است. و در قبه حضرت معصومه علیها السلام، هفت قبر است:

اول: حضرت فاطمه علیها السلام، بنت موسی بن جعفر علیها السلام؛

دویم: ام محمد، دختر موسی رضائیه و خواهر محمد بن موسی؛

سیّم: میمونه، دختر موسی؛

چهارم: ام اسحاق، جاریه محمد بن عیسی^۱؛

پنجم: ام حبیب، جاریه ابی علی محمد بن احمد بن الرضا علیها السلام؛

و این کنیزک، مادر ام کلثوم، دختر محمد بوده است؛

ششم: ام القاسم، دختر علی کوبی^۲؛

هفتم: ابوالحسن بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن

جعفر الصادق علیها السلام؛ و این اول کسی است از سادات حسینی که به

قم آمد و قبر او به قبه فاطمه علیها السلام، بنت موسی بن جعفر علیها السلام

متصل است.

و بعد، تعمیر بنای بقعه و صحن و مدرسه را سلاطین صفویه

۱. صحیح محمد بن موسی مبرقع است.

۲. از نوادگان امام سجاد علیها السلام.

نمودند [۱۱۴ ر] تا در عهد خاقان مغفور، فتحعلی شاه در بقعه و صحن و مدرسه، یک صد هزار تومان بیشتر تعمیر و غیره نمود؛ از جمله، تذهیب گنبد مطهر و نقره ضریح مقدس و سنگ‌های مرمر دور ضریح و کوی کوچک مکمل، به جواهر بالای سر آویخته و در میان آن شده مروارید، با زنجیر طلا و حقه جواهر و قنادیل طلا و نقره و اتمام در طلا و در مینا را در سمت شمالی حرم که از خاقان مغفور است و این قصیده از ملک‌الشعرا کاشی است که در دور گنبد مطهر ثبت است:

آتش موسی عیان از سینه سیناستی
یا که گردون بارگاه بضعه موسی استی
بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر
خاک درگاهش عبیر سنبل حوراستی
نوگلی روشن ز طرف گلشن یس بود
آیتی روشن ز صدر نامه طه استی
پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفی
زهره‌ای از آسمان عصمت زهراستی
صحن آن راهست اقصی پایه عزت چنان
کز شرف مسجود سقف مسجد اقصی استی [۱۱۴ پ]

و این چند بیت در دور ضریح مطهر در کتیبه‌ای ثبت است:

یارب این خلد برین یا جنت المأواستی
یا همایون بارگاه بضعه موساستی

این مهین بانو که در برج شرافت اختری ست

نسل پاکزاده انسیه حوراستی

بنت موسی فاطمه اخت الرضا کز روی قدر

تربت پاکش که مشک عنبر ساراستی

باری آینه‌بندی داخل بقعه از شاهزاده کیکاوس میرزاست. طلای

بالای ایوان، از مرحوم ناصرالدین شاه است. ازاره سنگ دورتادور

حرم مطهر و مسجد زنانه پیش رو، از میرزا علی اصغرخان صدر

اعظم است. در نقره پایین پا و در رواق پایین پا، از حسین خان

نظام السلطنه می‌باشد.

بنای گلدسته صحن قدیم، از شهاب‌الملک است. طلای بالای

گلدسته از نایب‌السلطنه (کامران میرزا) می‌باشد. و از سلاطین

صفویه، شاه عباس ثانی و مرحوم شاه صفی و شاه طهماسب و

شاه سلطان حسین صفوی، بیرون [۱۱۵ ر] بقعه و در اطراف حرم

مدفون‌اند. و سلاطین قاجاریه، مقبره خاقان مغفور در صحن سمت

شمالی واقع است و مقبره محمدشاه، سمت مغرب صحن است. و

این دو رباعی از خاقان مغفور است:

خاقانم یک جهان گناه آوردم

در حضرت معصومه پناه آوردم

مهرنبی و حب علی را یارب

بر درگه کبریا گواه آوردم

خاقانم وامانده ز دیهم کلاه
زورنگ خلافت شده دستم کوتاه
اندر حرمت به مسکنت جسته پناه
یا فاطمه اشفعی لنا عندالله
و بالای سردر صحن سمت شمالی، زیر ساعت این چند بیت
نوشته از میرزا عبدالمجید شاعر است:
به عهد خسرو جمجاه ناصرالدین شاه
که سوده رفعت وی پی به تاج کیکاوس
جناب تولیت آسای سبط دویم
که قدر اوست بر از دانش عقول نفوس
خود این مقرنس شاهان [۱۱۵ پ] این بلند ایوان
که رشک انجم کیوان چرخ آبی نوس
به زیب صحن گزین دخت موسی جعفر
جناب فاطمه اخت خدیو خطه طوس
شعاع شمع شبستان عصمت کبرا
شفیعه دو سرا کردگار را ناموس
که شد ز هجر نبی یک هزار و سیصد و پنج
ز چرخ داد عطارد به کلک سیده بوس
و بر سردر صحن از طرف مدرسه فیضیه، اسم شاه اسماعیل
صفوی در کاشی نوشته نصب است و در سردر مدرسه که از
دارالشفا داخل می شوی، تاریخ مدرسه نوشته شده است:

در روضه معصومه شهنشاه ملک خکا

بنهاد بنا مدرسه دلکش و دلخواه

تاریخ بنا بس که ز ارباب سخن خواست

بنوشت صبا مدرسه فتحعلی شاه ۱۲۳۰۱

و دارالشفاء، اصل بنا از صفویه است و تعمیرات از نایب السلطنه کامران میرزا می باشد و آب انبار شاه عباسی نیز در دارالشفاء می باشد که مصرع تاریخ او این است:

«لعت بیزید باد برگور یزید ۱۴۰۹».

و اما صحن جدید سمت مشرق، موسوم به صحن [۱۱۶] ر] آمینه در پایین پا واقع است. اصل بنای صحن مقدس با ایوان و رواق، از مرحوم آقا ابراهیم خان امین السلطان می باشد و عمرش کفایت نکرد در انجام این بنا؛ و اتمام این صحن و ایوان و رواق مطهر را میرزا علی اصغر خان امین خالسلطان صدر اعظم (ولد ارجمند آن مرحوم) نموده در سنه هزار و سیصد و سه (۱۳۰۳)، صحن مطهر و ایوان و رواق مقدس به اتمام رسید؛ و رواق مطهر و غرفات رواق را که رشک غرفات جنان است، آئینه کاری نموده و همین طور، ایوان مقدس را آئینه بندی بسیار ممتاز نموده و ازاره رواق و ایوان را از سنگ مرمر مخصوص معدن جدید قم نموده اند. و در جلوی ایوان، ستون های سنگ با ارتفاع استوار است که این گونه ستون های سنگ، کمتر دیده شده و عجب [۱۱۶ پ] اینکه کتیبه ایوان با این ارتفاع را هم از

سنگ کرده‌اند. بسیار با جلوه و با شکوه، به طرزی مرغوب؛
چنان‌که شاعر گوید:

این روضه شریف که خاکش معبر است
در رتبه با سپهر چهارم برابر است
این بقعه که نور ازو می‌رسد به عرش
قبر منیر دختر موسی بن جعفر است
معصومه خواهر شه سلطان دین رضا
همنام جدّه فاطمه دخت پیمبر است
شاهان به درگهش همه آورده التجا
سائل به درگهش همه خاقان و قیصر است
هرکس که گشت زائر قبرش به جان دل
او را شفیعۀ فاطمه فردای محشر است

و صحن مذکور دارای چهار گلدسته و یک دستگاه ساعت و دورتادور حجرات که ازاره از سنگ دارد و به کاشی‌های اعلا، حجرات را تزیین کرده‌اند؛ الحق، صحن [۱۱۷ ر] باروحی می‌باشد. و حوض وسط نیز از مشارالیه است. و قبر قطب راوندی در سمت قبلی بالای این صحن واقع شده و از برای این صحن، موقوفات کلیه به جهت مصارف چراغ و خدام و فراش دربان و غیره مقرر داشته.

و تولید کل روضه منوره از جانب دولت علیّه ایران، به جناب‌المعظم و النورالمفخّم، منبع السیاده و فخرالساده، آقای آقا سید محمدباقر (خلف ارجمند مرحوم حاجی میرمحمدحسین

متولی باشی - اعلی الله مقامه -) می باشد که سالهاست جداً با جدّ، بدین خدمت نمایان مفتخر و سرافرازند؛ و الحق، ادب و احترامی که در وقت دخول و خروج آن روضه منوره، از آن سید عالی جناب دیده می شود، باعث شوق و رغبت خواص و تربیت عوام است.

و بین خدام و خطبا و سرکشیک و سایرین از خدمه آن [۱۱۷ پ] آستان منوره، تنظیمات حسنه و آداب نیک در زمان خروج و دخول و روشن کردن چراغ و ایستادن به اجتماع هر شام و قرائت قرآن و تنظیم چهل چراغهایی بسیار در هر شب مقرر داشته که احتیاج به بیان ندارد؛ هرکس مشرف می شود می بیند. و خدام کشیک ثلاثه معین و از برای هر کشیک، رئیسی مقرر و نوبه معین فرموده اند. در تمام سال، هر کشیک بعد از خدمات موظفه، از برای ایشان غذای مخصوص در جای معین، با لوازم آن از قهوه و غلیان چای حاضر می نمایند و این تهیه غذا، از موقوفاتی است که چند سال است جناب میرزا یوسف خان مستشارالملک برقرار کرده و شبهای جمعه را به اضافه از زوار و طلبه و غیره دعوت شام است؛ ثانی روضه رضویه.

بوی درگاه رضا [۱۱۸ ر] می آید از درگاه او

آری آری بوی گل را جست باید از گلاب

باری در صحن قم و قبرستان قم، از علما و صلحا و اخیار، قبور بسیار است و در محوطه میان قبرستان، بعضی از علما مدفون اند. از آن جمله، قبر زکریا بن آدم که در سفر مکه معظمه با حضرت

علی بن موسی الرضا علیه السلام هم کجاوه بود. در خبر است: زکریا بن آدم، خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض نمود، می‌خواهم از شهر قم بیرون روم؛ حضرت فرمودند این کار را مکن، خداوند از اهل بیت تو، به جهت تو بلا را دفع می‌کند، چنان‌که از اهل بغداد، به واسطه موسی بن جعفر علیه السلام.

و قبر مرحوم حاجی سیدجواد، چسبیده به قبر زکریا بن آدم است و زکریا بن ادریس و آدم بن اسحاق هم در آنجا مدفون‌اند. و قبر میرزای قمی - اعلی الله مقامه - نیز در آنجاست که خاقان مغفور [۱۱۸ پ] بقعه مختصری ساخته [و] قبور بسیاری از علما در آن محوطه است. و محوطه دیگر هم هست؛ آنجا هم، بعضی از علما مدفون‌اند: علی بن ابراهیم، محمد بن قولویه، قاضی ابوسعید اشعری با بعضی از علماء، در آن محوطه و اطراف مدفون‌اند.

و در شرقی قبرستان، علی بن بابویه، بقعه علاحده دارد. معروف است: چهارصد متجاوز، امامزاده در قم و اهالی قم مدفون‌اند. از آن جمله، قبر علی بن جعفر علیه السلام است که با محمد بن موسی علیه السلام در یک بقعه مدفون‌اند. بنا [به] خطوطی که بر سطح آن مزار نوشته شده است، علی بن جعفر علیه السلام، کوچک‌ترین اولاد حضرت صادق علیه السلام است و نسل عریضیان، منتهی به وی می‌شود. و محمد بن موسی علیه السلام برادر حضرت رضا علیه السلام است که به واسطه کثرت عبادت و صوم [و] صلوة، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام او را لقب عابد مرحمت فرموده؛ و بعضی مدفن علی بن جعفر علیه السلام را [۱۱۹ ر]

در سمنان می‌دانند که آثار بقعه هم موجود است. و بعضی از علما قبر علی بن جعفر [علیه السلام] را در عریض می‌دانند؛ و عریض یکی از دهات مشهور مدینه است و چهار میل است تا مدینه طیبه. الحاصل، کاشی‌های بقعه علی بن جعفر [علیه السلام] معروف است در خوبی و امتیاز، بسیار قدیم است، در سنهٔ هفتصد و سیزده نصب مرقد مبارک شده است و تاریخ روضه مبارک، هفتصد و سی [و] هفت است و کاشی بیرون بقعه و ایوان سردر بقعه جدید است، در سنهٔ هزار و دویست و شصت و نه نصب شده است و این دو بیت از قصید [ه] ای است که در آن کاشی سردر نوشته:

این بارگاه عرش مثال از جناب کیست

کز نور طلعتش به فلک خور مکدر است

پرسیدم از خرد به من او این جواب گفت

کاین جایگه مقام علی بن جعفر است

و معروف است یک در بهشت در بقعه علی بن جعفر [علیه السلام] باز می‌شود [۱۱۹ پ] و دیگر از امامزاده‌های معروف قم، شاه حمزه است. امامزاده جلیل‌القدری است که هر کس در آن بقعه به ناحق قسم بخورد، فور به بلایی مبتلا می‌شود. و الآن هم در قم رسم است، اگر مدعی مدعی‌الیه را بخواهد قسم بدهد، در آن بقعه حاضر می‌شوند، کمتر کسی جرئت می‌کند قسم بخورد. در سنهٔ هزار و سیصد و پانزده (۱۳۱۵) میرزا علی اصغر خان صدر اعظم، آن بقعه را تعمیر بسیار خوبی نموده، ولی معماران گنبد متعارف نساخته، گنبدی اقتراعی بنا کرده.

و در یک فرسخی شهر قم، مسجدی است و آن مسجد در سمت جنوب دروازه کاشان اتفاق افتاده، معروف به مسجد جمکران که شیخ عقیف صالح حسن بن مثله جمکرانی، با عنایت سیدابوالحسن الرضا در سنهٔ سیصد و نود و سه (۳۹۳) به امر امام عصر علیه السلام [۱۲۰ ر] بنا نموده؛ و مرحوم حاجی میرزا حسین نوری - اعلی الله مقامه - در کتاب نجم الثاقب، شرحی در احوالات آن مسجد نوشته و آن مسجد، فضیلت بسیار دارد؛ چهار رکعت نماز دارد، دو رکعت نماز تحیت مسجد و دو رکعت نماز صاحب الزمان علیه السلام که امام عصر علیه السلام فرموده است که «فمن صلیها فکانما صلی فی بیت العتیق»؛ یعنی هرکس این دو رکعت نماز را در این مکان بگذارد، همچنان است دو رکعت نماز در کعبه گذارده باشد.

و آن مسجد، چندی بود مخروبه شده بود، در سنهٔ هزار و سیصد و پانزده (۱۳۱۵) میرزا علی اصغرخان صدر اعظم، تعمیرات لازمه او را به جا آورد. و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام که احمد بن اسحاق، به امر امام علیه السلام بنا کرده از یک سمت، نزدیک به قبرستان و از یک سمت [۱۲۰ پ] به دروازه قم واقع است و تعمیرات آن مسجد، از مرحوم حاجی علی نقی کاشانی می باشد.

در مقابل یک در مسجد، از میان بازار قم، مقبره [ای] هست که می گویند: قبر احمد بن اسحاق است. صحیح آن است که قبر احمد ابن اسحاق در حلوان است؛ همین زهاب معروف بین کرمانشاهان و خانقین عرب و عجم و در زهاب نزدیک رودخانه به فاصله

هزار قدم، تقریباً از سمت جنوب و بر آن قبر، بنایی است، بنای مختصری و از بی معرفتی آن حوالی و بی همتی مترددین، بی نام و نشان مانده. از صد، یک نفر زوار به زیارت و فاتحه نمی رود؛ با وجودی که از بزرگان اصحاب ائمه بوده، از وکلای معروف و امام علیه السلام خادم خود را به طی الارض برای تجهیز او فرستاد. [۱۲۱ ر] شاید این قبری که در قم هست، احمد بن احمد بن اسحاق باشد یا حسین بن احمد بن اسحاق باشد؛ العلم عندالله. و نسب سادات قم و نسب سادات رضویه مشهد مقدس به موسی مبرقع (فرزند امام محمدتقی علیه السلام) منتهی می شود. موسی مبرقع هم، در بلده قم مدفون است.

مقصود نهم: در احوالات حضرت عبدالعظیم [علیه السلام]

و در ری، مزار فیاض الانوار، حضرت عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب [علیه السلام] که در جنوب طهران به مسافت دو ساعت راه، اتفاق افتاده است؛ بنابر دو روایت که صریح امام فرموده: او را در ری زیارت نمایند، نزدیک مزار حمزة بن موسی بن جعفر [علیه السلام] است.

اما بنیان گنبد مطهر از مجدالملک رادستانی بوده و بنیان ایوان [۱۲۱ پ] و رواق از شاه طهماسب صفوی است، به تاریخ نهصد و چهل و چهار؛ و در سنه هزار و دویست و هفتاد (۱۲۷۰)، حسب الامر مرحوم ناصرالدین شاه، گنبد آن بزرگوار را تذهیب کردند. و در کتیبه گنبد نوشته شده است:

تبارک الله در عهد دولت سلطان

فراشته است سر دین به گنبد گردون

قویم گنبد اسلام ناصرالدین شاه

ابوالمظفر خورشید خسروان جهان

عظیم همت خسرو به زر نواب اندود

خجسته قبه شهزاده عظیم الشان

نگاشت کلک سروش از برای تاریخش

بحکم شاه که حکمش همیشه بادروان

هزار دوصد هفتاد رفته از هجرت

فزوده گشت ازین قبه قیمت زر و کان

و نقره ضریح مطهر، از خان مغفور است و تعمیر ضریح مطهر، باز [۱۲۳ ر] در ثانی از مرحوم ناصرالدین شاه است. در تولیت مرحوم آقا ابراهیم امین السلطان، به امر مرحوم ناصرالدین شاه، صحن مقدس را از نو تعمیر نموده، اعیانی حجرات دور را به کاشی‌های اعلا تزئین کرده و ستون‌های سنگ جلو [ی] ایوان‌ها و در اطراف صحن و وسعت در جدید سمت بازار و بنای مدرسه امینه و تعمیرات دیگر را انجام رسانید.

و آیینه‌بند [ی] و نقاشی ایوان از میرزا آقاخان صدر اعظم نوری بود، چون از جلوه افتاد [ه] و کهنه شده بود، در سنه هزار و سیصد و نه (۱۳۰۹) در ثانی میرزا علی اصغر خان صدر اعظم آیینه‌بندی ممتاز نموده و کتیبه ایوان را تمام کاشی‌کاری با خط رقع برجسته بسیار ممتاز ساخته؛ آیینه‌های قدی بلند، دورتادور ایوان کار

گذاشته و کفش کن جنین ایوان را [۱۲۳ پ] کاشی بسیار اعلا [و] ممتاز نموده و یک جفت گلدسته به امر مرحوم ناصرالدین شاه، بنا نموده و این چند بیت از قصیده شمس الادباء در تعریف آن روضه مقدس است:

زهی آن روضه کش مینو برشک اندر ز بستانش
فرح بخشا و جان پرور نسیم عنبر افشانش
بروید خاک در گاهش همه حورا بگیسویش
فشاند گرد ایوانش همه غلمان به مژگانش
حریم حضرت شهزاده عبدالعظیم آنکو
ز برج زهره زهرا بود نجم درخشانش
ز گلزار امامت مجتبی را وی ششم لاله
حسن گل بن علی باغ چمن زهرا نبی کانش
فلک فر ناصرالدین شاه اعظم سایه یزدان
که نصرت کرد دین را تا ز یزدان شد جهان بانش
درین عهد همایون فر که باشد تا ابد مقرون
رواق صحن ایوانش نوآیین [۱۲۴ ر] شد به فرمانش
طلا اندود بر بامش که پاید تا ابد نامش
منظم کرد در گاهش مرتب کرد اوقافش

و امامزاده حمزة بن موسی بن جعفر (ع) که جد سلاطین صفویه می باشد، در سمت قبلی مرقد آن بزرگوار واقع است که از این بقعه، به فاصله چند قدم به آن بقعه می روند؛ و بقعه امامزاده حمزه را دوست محمدخان معیر الممالک، آینه بندی و تعمیر نموده و ضریح نقره

به امر مرحوم ناصرالدین شاه به مباشرت یحیی خان معتمدالملک، نصب شده و ازاره کاشی، از امین السلطان صدر اعظم است.

صحن امامزاده حمزه که تکیه باشد، تعمیرات او از میرزا اسماعیل خان امینالملک است و در بین الحرمین، مقبره مرحوم ناصرالدین شاه است که قاری و وظایف مقرّر دارد. و در سمت مشرق، میان بقعه، قبر مرحوم حاجی ملاعلی [۱۲۴ پ] کنی - اعلی الله مقامه - می باشد. در بین الصحنین، مقبره شیخ ابوالتوح رازی که از اجله علماست می باشد و در صحن مقدس، سمت مشرق مزار، امامزاده طاهر است و نسب آن بزرگوار، به علی بن الحسین علیه السلام منتهی می شود.

طاهر بن محمد بن محمد بن حسن بن حسین بن عیسی بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام و جد مادری او، علی زینبی، است و علی زینبی، مادرش حضرت زینب، بنت امیرالمؤمنین علیه السلام است و پدرش، عبدالله جعفر است؛ و کاشی کاری گنبد و ایوان و تعمیرات او به امر شاهزاده مسعود میرزا ظل السلطان است که سراج الملک تعمیر نموده و مقبره امامزاده عبدالله ایض، بیرون قصبه، به فاصله چهارصد قدم واقع است و بقعه اش در میان باغ واقع است.

و نسب این بزرگوار، پنج پشت به حضرت امام زین العابدین علیه السلام منتهی می شود: [۱۲۵ ر] عبدالله بن ایض بن عباس بن محمد بن عبدالله شهید بن حسن افطس بن علی بن الحسین علیه السلام. و

در خرابه‌های شهر ری که اکنون باغ بسیار خوبی است، مقبره ابن بابویه محمد بن علی قمی، مشهور به صدوق - علیه الرحمه - در میان آن باغ واقع است و صدوق - علیه الرحمه - معاصر بود با رکن الدوله دیلمی در سال سیصد و هشتاد و یک (۳۸۱)؛ در ری وفات کرد، [و] بقعه او مشهور است.

قریب به ابن بابویه، مقبره امامزاده هادی (فرزند موسی بن جعفر (ع)) است. اصل مزار از کاشی قدیم می‌باشد و بر روی او نوشته، در عهد شاه طهماسب صفوی و مسجدی در پشت آن واقع است. و ایوان و بقعه را تعمیر نموده‌اند، ولی صندوق ضریح نصب نشده. نزدیک دروازه جدید حضرت عبدالعظیم (ع)، مقبره مرحوم آقا سید [۱۲۵ پ] صادق مجتهد طباطبائی است که از سادات صحیح‌النسب است. اصل بقعه را مستوفی الممالک میرزا یوسف آشتیانی، با حجرات دور بنا نموده؛ در واقع، امامزاده است که بیشتر اهل طهران، خدمتش مشرف شده‌اند، مثل مزار مرحوم آقای میرزا ابوالقاسم امام جمعه که در طهران، بیرون دروازه قدیم حضرت عبدالعظیم (ع) بقعه دارد که با میر مرتضی صدرالعلماء، با بعضی دیگر در یک بقعه مدفون می‌باشند. مرغوب است که زمان عبور، عابرین خود را از فیض فاتحه بر ایشان بی‌نصیب نفرمایند.

و دیگر، مزار بی‌بی زبیده که مقبره‌اش کنار جاده حضرت عبدالعظیم (ع) است. از قراری که در زیارتنامه او می‌خوانند که دختر حضرت سیدالشهداست، مادرش شهربانویه، دختر [۱۲۶ ر]

یزدجرد، پادشاه عجم که مقبره شهربانو در کوه سمت مشرق، رو به قبله است که سید نعمت‌الله جزایری می‌نویسد که مقبره شهربانو در ری مشهور است. علی ای حال، بی‌بی زبیده، امامزاده و از علویات است و روضه آن مخدره، حالت گریه و بکائی غریب دارد؛ و در سنه هزار و سیصد و چهارده (۱۳۱۴) بر حسب الامر اعلی حضرت شاهنشاه اسلام پناه، مظفرالدین شاه قاجار، به تعمیر آن روضه منوره فرمان رفت؛ بقعه و اطراف بقعه را تعمیر عالی نمودند.

و دیگر از امامزاده‌های معروف در کوهستانات ری که سمت شمالی طهران واقع است، امامزاده داوود است که در فصل تابستان، ازدهام غریبی از زوار می‌شود. مرقد این امامزاده عالی‌مقدار در میان کوه، وسط [۱۲۶ پ] دره، کنار رودخانه واقع است؛ و قبر قنبر، غلام آن حضرت نیز در آنجاست. و این اجتماع نفوس خیرات مبرّاتی که در آن موضع می‌شود، دلالت بر شأن جلالت این بزرگوار می‌کند و نسبش پنج پشت به علی بن الحسین علیه السلام منتهی می‌شود: داوود ابن عماد بن جعفر بن نوح بن عقیل بن هادی بن علی بن الحسین. چون بیشتر راه در میان دره و کوه بود، عبور و مرور زوار بسیار سخت بود، به امر نایب‌السلطنه کامران میرزا، راه را از بغل کوه بریده‌اند و جاده بسیار خوبی ساخته‌اند.

قبور بسیار از امامزاده‌گان عالی‌مقام در کوهستانات ری و اطراف آن می‌باشد. مثل: امامزاده صالح بن موسی بن جعفر علیه السلام که در تجریش است که آثار بقعه او از خاقان مغفور است و امامزاده

قاسم در مقدمه کوه شمیران [۱۲۷ ر] و امامزاده قاضی صابر ونکی در ونک که امامزاده صحیح‌النسب است. و در سمت غربی طهران، مزار منور امامزاده حسن می‌باشد که از بنی اعمام حضرت عبدالعظیم است و انتهای نسبشان از یک شجره است. بر صحت نسب این امامزاده محترم، همانا بقاع و آثار و ظهور انواری است که در هر صبح و مساء مشاهده می‌شود.

و در سمت شرقی طهران، دو مزار است به فاصله یک میدان که یکی مشهور به امامزاده اهل علی که بقعه او را حاجی محمدحسن تاجر بنا کرده و یکی در بقعه مقدس بی‌بی سکینه خاتون که در زیارتنامه او نوشته، خواهر حضرت رضا علیه السلام است.

الحاصل، این فهرست مختصری بود از احوالات مزارات و عمارات امکنه شریفه و مشاهد مقدسه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه مبین علیهم السلام و بعضی از اولاد [۱۲۷ پ] و ذریه آن بزرگوارها. الحق و الانصاف که شیعیان و دوستان خانواده رسالت، به هیچ وجه کوتاهی در تعمیر مشاهد متبرکه و ترویج مزارات مقدسه ننموده‌اند و این سبب آن می‌شود تا مادامی که اثر آن باقی باشد، هدیه و ثواب به روح بانوی واصل است. شعر:

هرکه خیری کرد چون محمل بدان عالم کشید

روح او را هر نفس فیض دیگر خواهد رسید

غرض از نوشتن نام بانیان روضات با برکات، جز این نیست که بدانند نام نیک آنها به روزگار باقی می‌باشد.

دو چیز حاصل عمر است نام نیک ثواب

که زین دو درگذری ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾

حمد خدای را که روز به روز شاهد شریفه ائمه طاهرین، آبادتر و اخلاص شیعیان زیادتر می شود و نور خدا ساعت به ساعت روشن تر می شود و هر سالی کرور [۱۲۸] کرور به فیض زیارت ایشان فائز می شوند و قبور مطهر ایشان، ملجأ و پناه شیعیان است. اهل عناد هرچند خواستند و آنچه سعی کردند که از قبور ائمه هدی، خاصه حضرت سیدالشهدا علیه السلام، آثاری باقی نماند، نتوانستند نور خدا را خاموش کنند. و معلوم نیست که قبور اهل عداوت در کدام جای از زمین می باشد و اگر هم معلوم باشد، کسی ایشان را سال به سال به فاتحه یاد نمی کنند و غریب تر آنکه، از اولاد آنها هم اثری باقی نیست.

صاحب تاریخ گزیده گوید: نشان بدکرداری و نیکوکاری را از اینجا می توان قیاس کرد که یزید ملعون را سیزده پسر بود. از این فرزندان، یکی را نام و نشان نیست و از نسل پاک حضرت امام حسین علیه السلام که تنها امام زین العابدین علیه السلام ماند، هزاران هزاران سادات علویات در جهان پیش اند. خدای تعالی [۱۲۸ پ]، برکت در نسل فاطمه علیه السلام نهاد و از تخم یزید - علیه اللعنة - بریید و از قبورشان کسی نشان نمی دهد. در شام، مزبله هست می گویند: قبر یزید ملعون است و اهل شام حتی از یهود و نصاری که در شام می باشند، شوم می دانند که از آن سمت عبور نمایند. اگر بر سبیل

اتفاق، از آنجا بگذرند، قاعده چنین جاری شده: مشتی سنگ و خاک بر می‌دارند، به آن مزبله می‌پاشند که اکنون تلی شده است؛ اما قبور اولاد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و فاطمه زهرا (علیها السلام) سال به سال برحسب نام و مکان و نشان بلندتر می‌شود و به اعلی‌علیین می‌رسد و قباب رفیعه عالیه از خاک مزار فرزندان سید لولاک، به سوی قباب افلاک برافراشته می‌شود.

یک دلیل بر حقیقت دین مبین حضرت ختمی مآب، آثار بقاع ائمه معصومین و ذریه طاهرین آن جناب است؛ و سلاطین [۱۲۹ ر] تاج‌دار و مخلصین شیعه در تعمیر مراقد و زیارات ایشان افتخار دارند. تاکنون تقریباً صد هزار معجزه و کرامت از قبور ایشان دیده شده و از قبور ائمه گذشته، در حدود عجم و اهالی ایران، قبور بسیار از اولاد سید عالم رسول مکرم می‌باشد. مثل: مزار فاطمه، دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) در شهر قم و چندین امامزاده دیگر در ری، حضرت عبدالعظیم با بعضی دیگر و در طهران، امامزاده زید حسنی و سیدولی و سید نصرالدین و امامزاده سید اسماعیل و امامزاده یحیی با بعضی دیگر و در قزوین امامزاده حسین (فرزند امام محمد تقی (علیه السلام))^۱ با بعضی و در کاشان، امامزاده حبیب بن موسی الکاظم با سایر امامزاده‌ها و در شیراز، سید میر احمد بن موسی الکاظم، معروف به شاه چراغ که خاقان مغفور [۱۲۹ پ] ضریح نقره، نصب آن

۱. سید احمد کیا، گیلانی، در کتاب سراج الانساب، ص ۱۷۹ درباره نسب این امامزاده می‌نویسد: شاهزاده حسینی که در قزوین مدفون است: حسین الثائر بن علی بن داود بن محمد ابویونس بن علی بن عبدالله بن جعفر الطیار رضی الله عنه می‌باشد.

مرقد نموده. با بعضی دیگر و در یزد، امامزاده جعفر که امامزاده جلیل‌القدری می‌باشد و در اصفهان، شاهزاده احمد با بعضی دیگر و در دامغان، امامزاده جعفر (فرزند امام زین العابدین علیه السلام) و امامزاده محمد که تیمور گورکان، بنای آنجا را کرده و سایر اولاد ائمه که در شهرها، چه در اطراف مدفون می‌باشند که همه، متولی خدام و مصارف، چراغ و موقوفات دارند و به مدد و اعانت حق، کارکنان این دولت و بزرگان این ملت، هریک به وضع خوشی محترم می‌باشند و آثار عالیه که بر مزارات ائمه اطهار علیهم السلام است، تماماً از سلاطین عجم است.

و سلاطین صفویه - انارالله براهینهم - در بنای روضات مطهرات ائمه و ذریه حضرت رسول صلی الله علیه و آله، اهتمام تام داشتند و در عهد سلطنت قاجاریه، خصوصاً مرحوم ناصرالدین شاه [۱۳۰ ر] که هر ساله در تعمیر و توسیع هر مشهدی فرمان می‌داد، بر عمارت مشاهد شریفه افزوده شد؛ و همین‌طور، در عهد این پادشاه تاجدار، سلطان سلاطین و الخاقان الخواقین ظلّ الله، مظفرالدین شاه قاجار که امید است انشاء الله تعالی، خدمات شایسته سلاطین ماضین در عهد دولت این پادشاه با عز و تمکین تکمیل گردد.

مناسب است که این قصیده سلامیه که مشتمل بر مدح حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و مصیبت خامس آل عباس علیهم السلام ورود به ارض اقدس، در آستان مقدس عرض نموده، بنگاریم تا اینکه کتاب مستطاب به مصیبت حضرت ابی عبدالله علیه السلام ختم گردد.

غریب طوس سلام عیلک الف سلامی
سلام کروییان جن و انس بر تو تمامی
تویی که حجت پروردگار نور خدایی
امین حضرت حقی و مقتدا و امامی [۱۳۰ پ]
تویی به شهر خراسان ستاره احمد
ز نور گنبد تو روشن است هر در بامی
تویی که بهر جلالت به آستانه خدمت
ستاده فوج ملائک ترا ز بهر غلامی
تویی که ضامن آهو شدی بر صیاد
رها کننده صید غزال از دامی
تویی به شهر نشاپور آن حدیث شریف
بیان نموده شروط حدیث هم تو امامی
تویی که جای قدومت چه باغ خلد برین
ز یمن دست تو جاری ز چشمه آب مدامی
تویی که وعده نمودی به مرد سلمانی
که در سئوال نکیرین گردیش حامی
ز حکمت از عدم آمد به مجلس مأمون
دو شیر پرده که طعمه نموده شوم لثامی
امام ثامن و ضامن ولی حضرت داور
پناه و ملجأ هر بی‌نواز خاصی و عامی

تویی که وقت وداع مدینه امر نمودی
عیال خویش که نوحه کنند بر تو تمامی
تویی که زهر جفا ریخت روزگار به کامت
به شهر طوس غریبانه داده جان گرامی
تو پادشاه حجازی به طوس از چه غریبی
چه شد که دور ز شهر و دیار اهل مقامی
بلی زمانه ز هم دور ساخت آل علی را
ز ظلم‌های بر ایشان به چند ایامی
مدینه و نجف و کربلا کناره بغداد
به طوس سامره هرجا غروب بدر تمامی [۱۳۱ ر]
علی‌الخصوص کنار فرات جدّ غریبت
حسین آنکه از او دین حق گرفت قوامی
غریب‌تر مگر از وی کسی نشان دارد
دمی که تکیه به نی زد میان کوفی و شامی
ستاده بود غریبانه [و] ندا فرمود
حیب مسلم و عباس کس نگفت کلامی
علی‌اکبر و قاسم هر آن که را طلّید
همه به خاک و به خون دید یاوران تمامی
فدای غربت مظلوم کربلا گمردم
به حضرتت بشمارم ز دردهاش کدامی
غریبی و عطش و بی‌کسی و مرگ برادر
عیال مضطرب و داغ نوجوان گرامی

دو نهر آب یمین و یسار و شه تشنه
عزیز فاطمه را کس نداد قطره جامی
ز بهر طفل صغیرش ز قوم آبی خواست
چهارسید بر آن شه ز حکم تخم حرامی
جواب شاه ندادند و حلق نازک اصغر
بریده گشت سراسر ز تیر حرمله نامی
بس است زائر غمدیده این مصیبت را
حضور حجّت حق بیش ازین مگوی کلامی
مگر امام زمان حجّت خدا آید
به قلب‌های حزین غمین دهد کامی
شها قبول کن از نطق دعبلم نبود
محب و زائر و مداح تست سائل عامی
لسان من زکجا مدح آل پیغمبر ﷺ
که هست جامعه قول امام نه مدح تمامی [۱۳۱ پ]
تویی که عادتت احسان سجیتت کرم است
زلطف مرحمتت یک نظر به انعامی
الاکه تا که سلامت بر رسول مکرم
بروح پاک امامان درود باد سلامی
سلام بر همه اولاد مصطفی بادا
به حله و قم و ری هر کجاست نسل امامی

قدتمت ترتیبات النسخة الشریفة به سعی این خادم الزائرین
 اقل الحاج الزائر محمد هادی طهرانی فی شهر جمادی الاولی
 سنة هزار و سیصد و بیست و یک در کربلائی معلی اتمام یافت؛ در
 همه اعتاب عالیہ التماس دعا دارم.

بعضی عبارات علماء و مورخین بعینه در این نسخه درج شده
 که آنها هم بی بهره از ثواب نباشند.

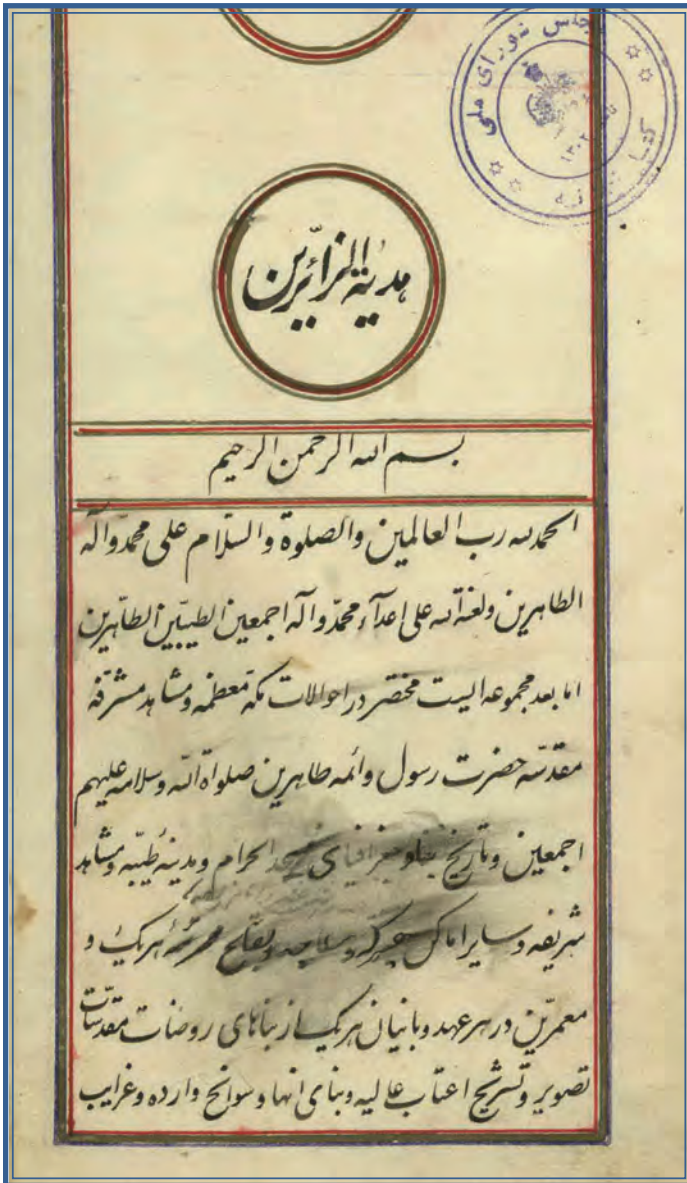
سرخوش به شکر نعمت فیض حضور یار

گنجی قناعتی بنمودیم اختیار

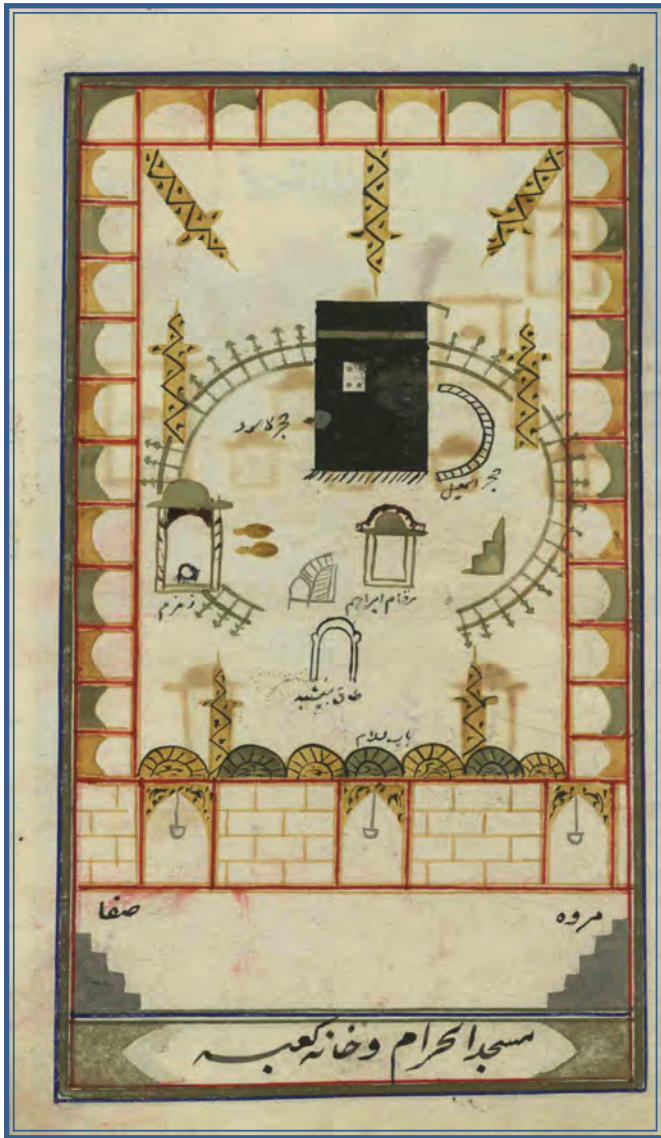
دل چون نمود سیر و سیاحت به ملک عشق

شرح دیار دوست نوشتیم یادگار

پوست تصاویر



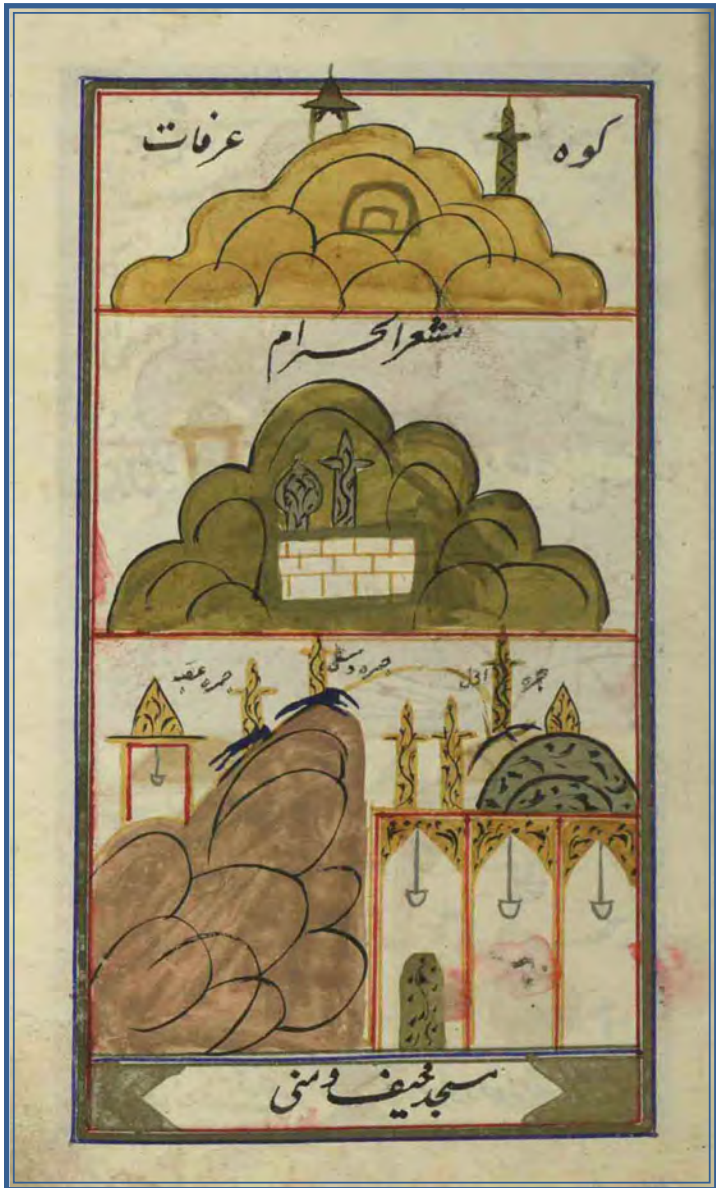
آغاز نسخه مجلس شورا



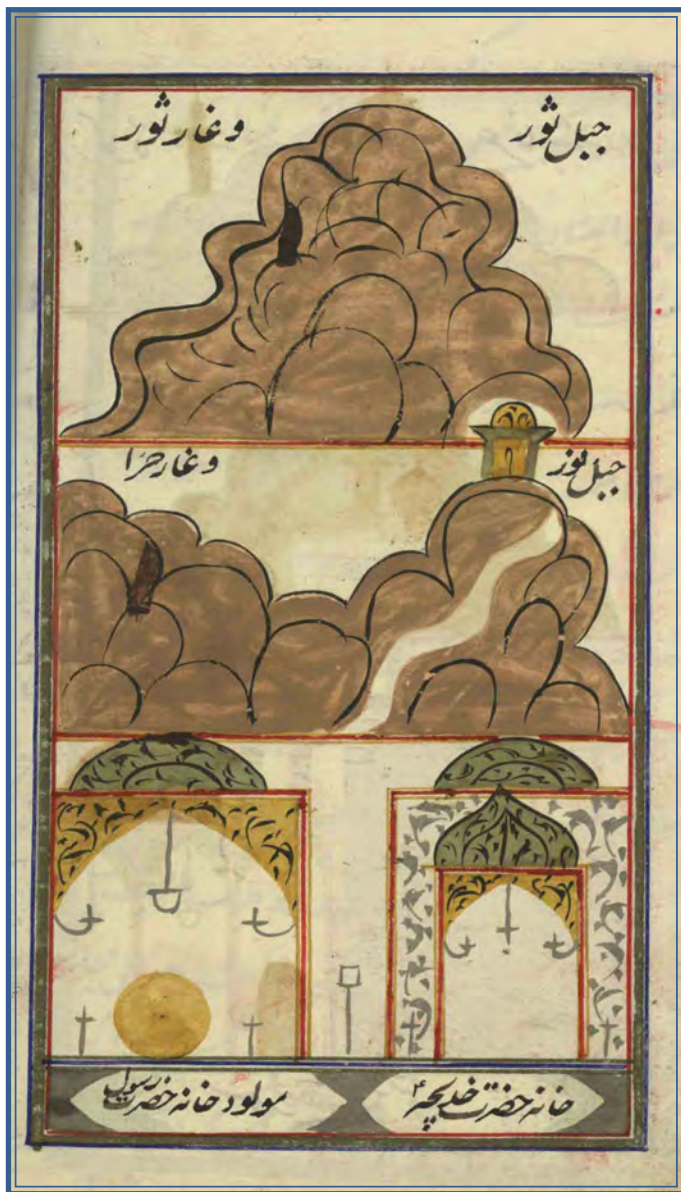
مسجد الحرام و خانه کعبه



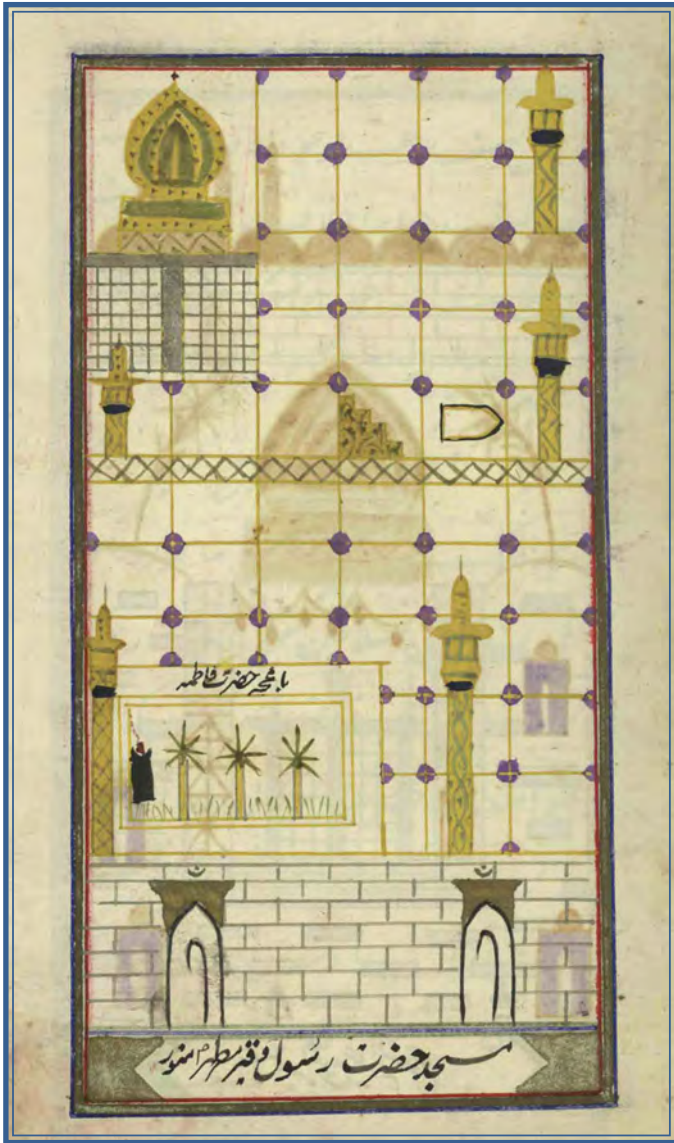
قبرستان ابوطالب و کوه ابو قتیس



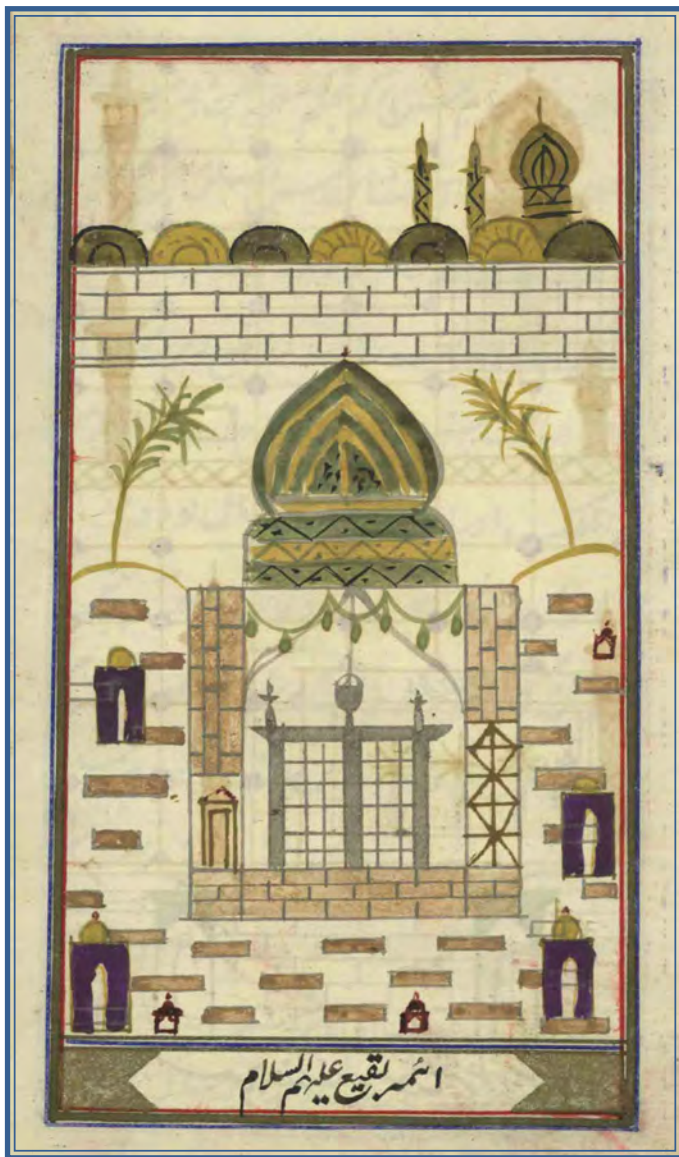
عرفات، مشعر الحرام، مسجد خيف ومني



غار ثور، غار حرا، خانه حضرت خدیجه علیها السلام و محل تولد حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله



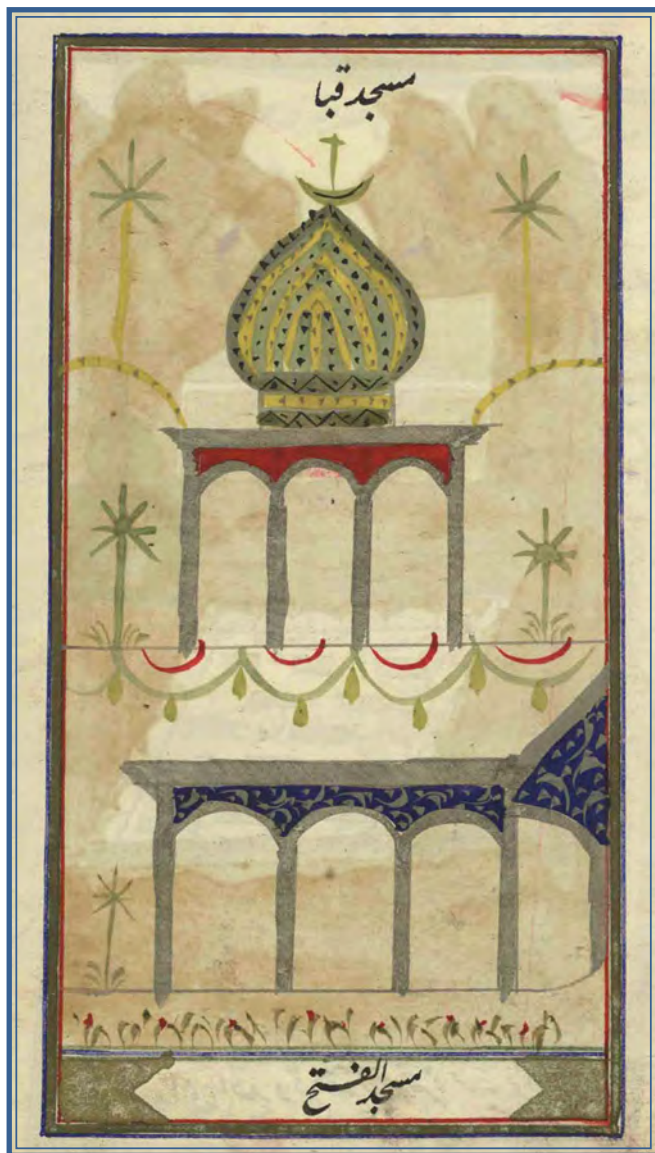
مسجد النبی ﷺ و قبر مطهر حضرت پیامبر ﷺ



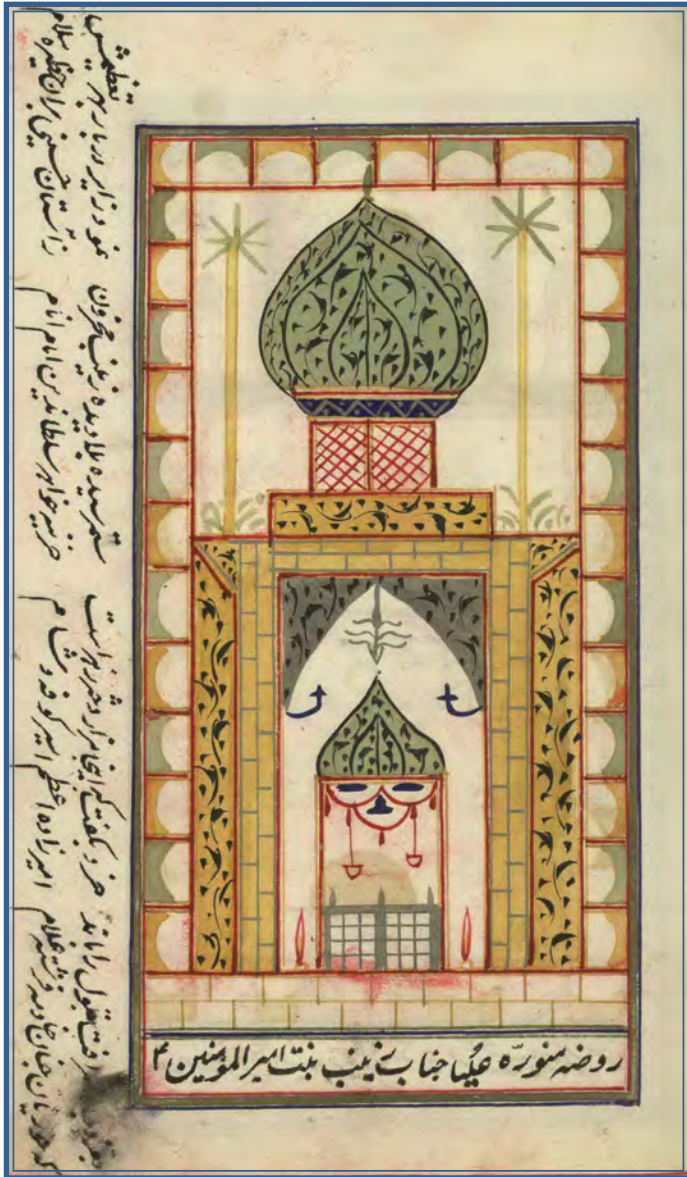
قبرور أممه بقبع علیهم السلام



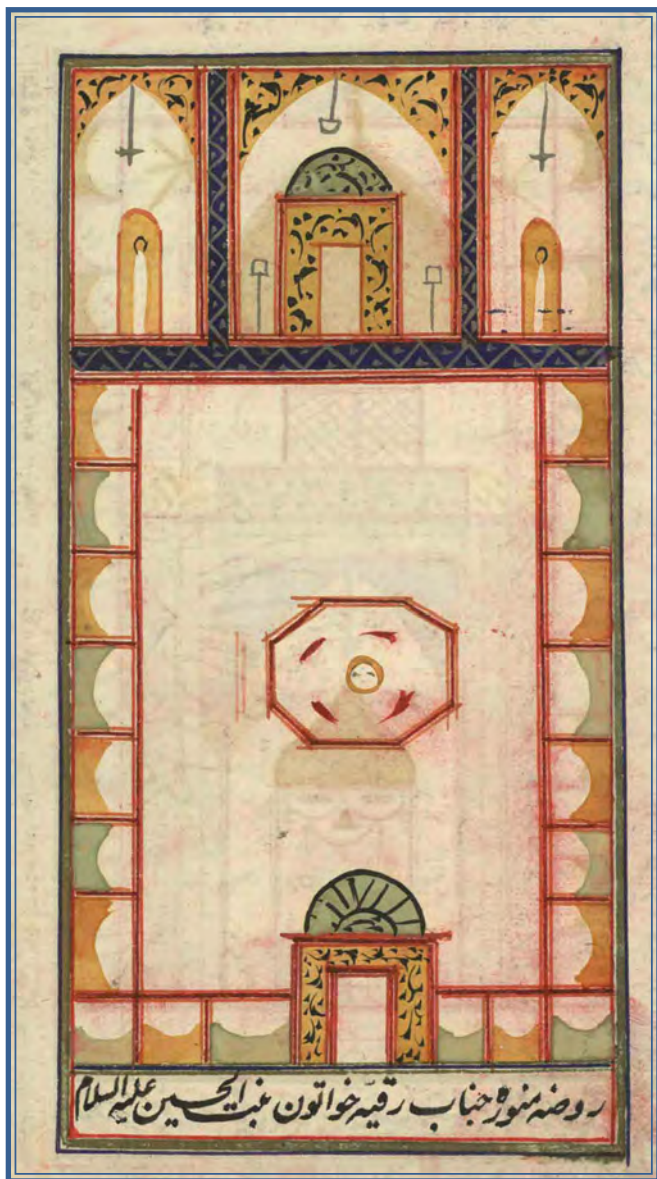
شهدای احد و قبر حضرت حمزه سید الشهداء.



مسجد فتح

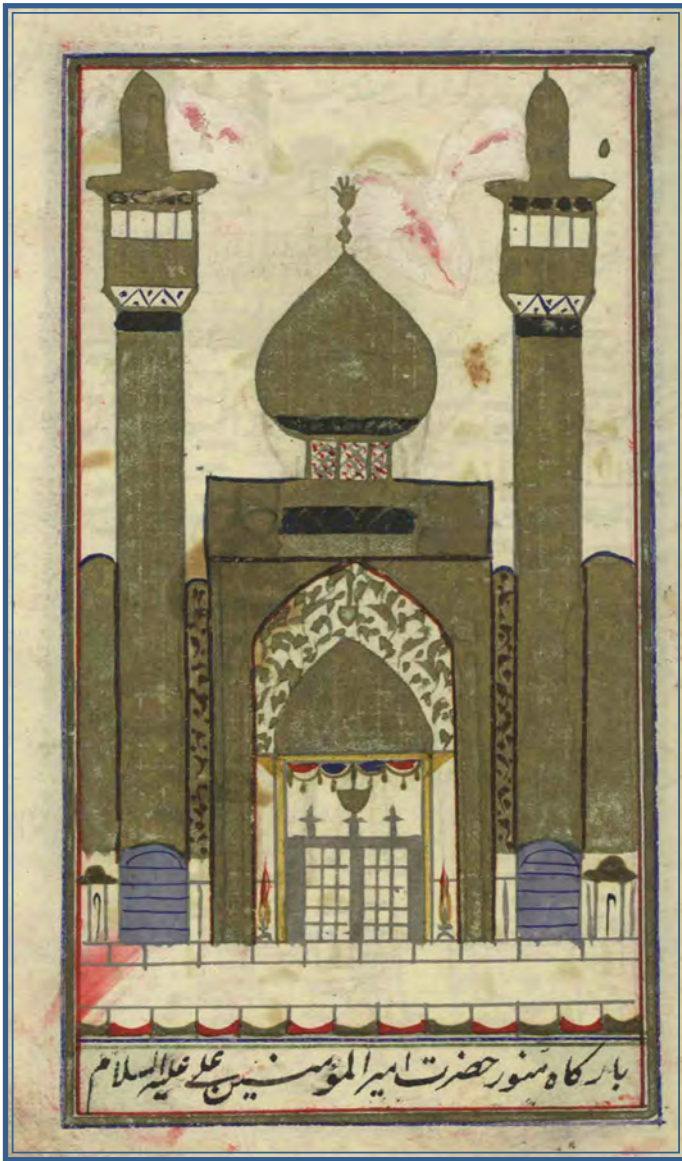


دمشق روضه منوره حضرت بی بی زینب علیها السلام



روضه منوره جناب رقیه خاتون نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

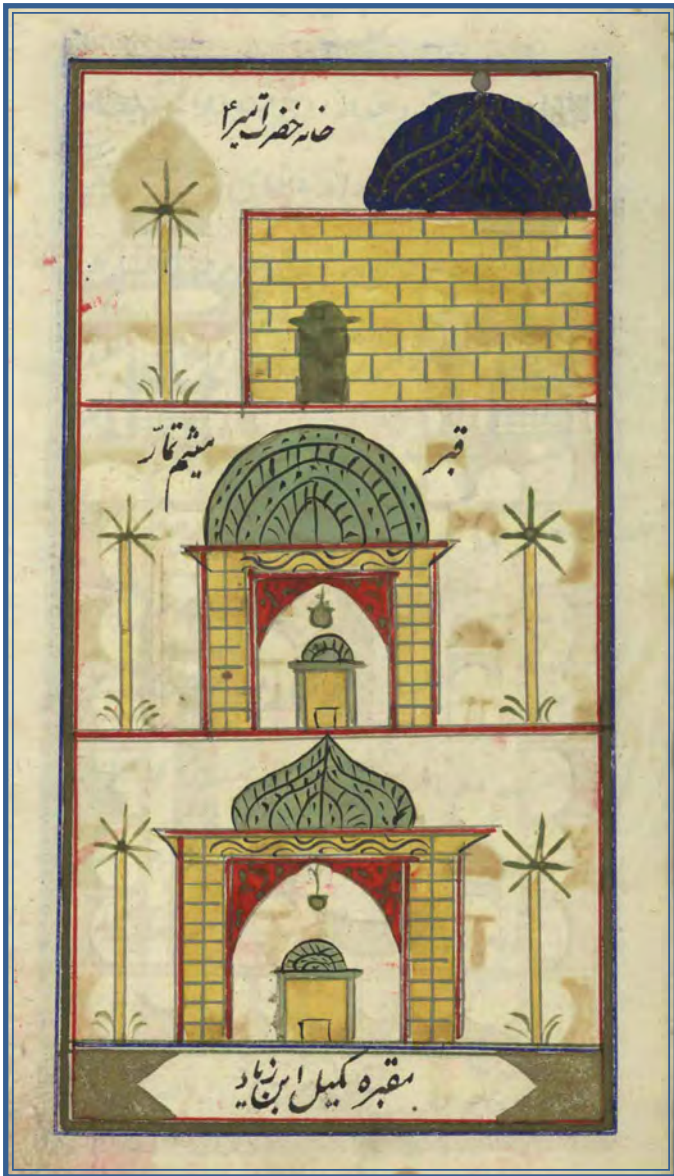
دمشق روضه منوره حضرت رقیه خاتون علیها السلام



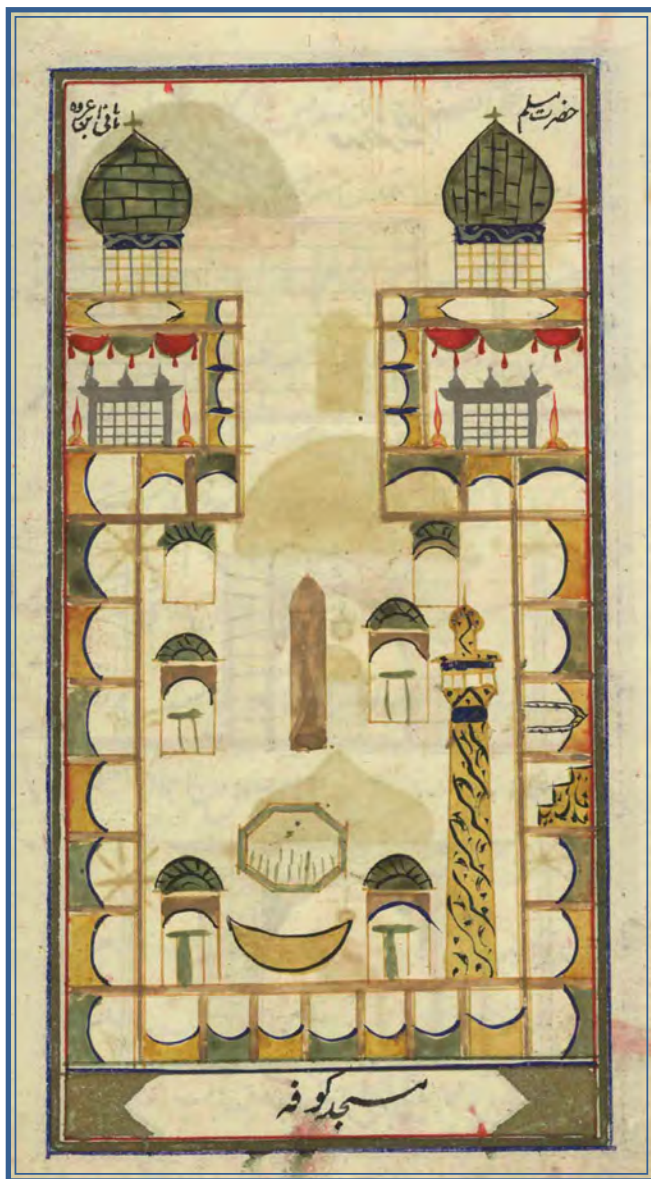
نجف بارگاه منور حضرت امیر المؤمنین علیؑ



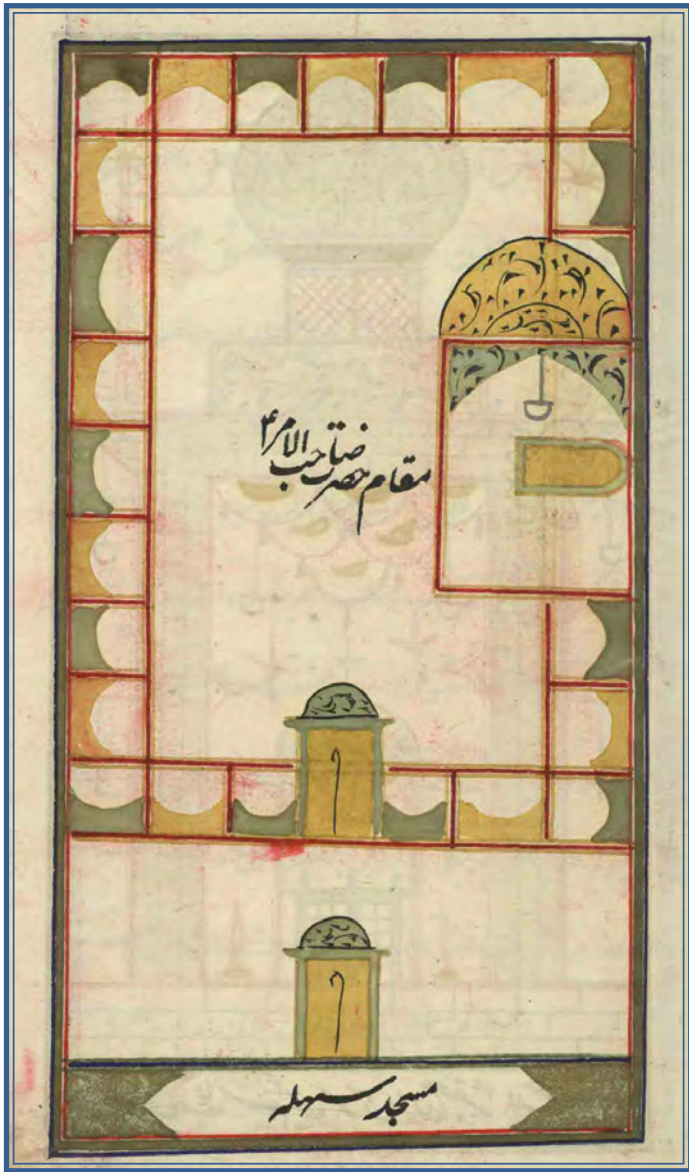
نجف قبرستان وادی السلام



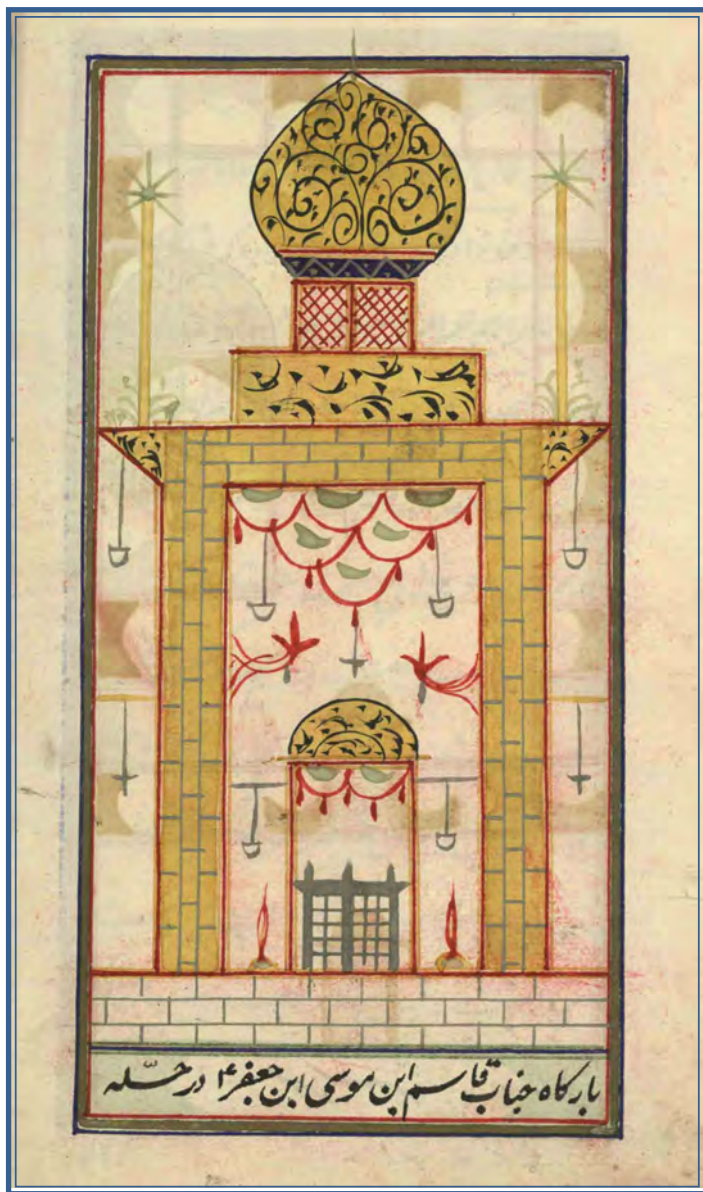
کوفه، خانه حضرت علی علیه السلام قبر میثم تمار، مقبره کمیل بن زیاد



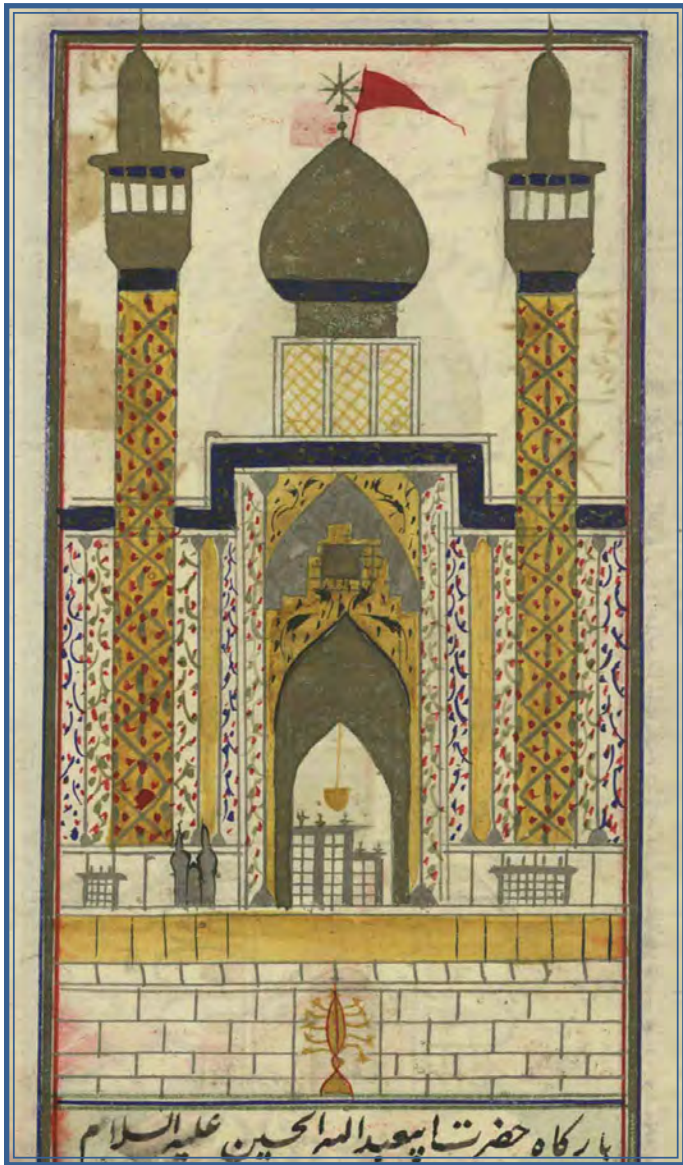
مسجد کوفه، مقبره حضرت مسلم رضی الله عنه و هانی بن عروه



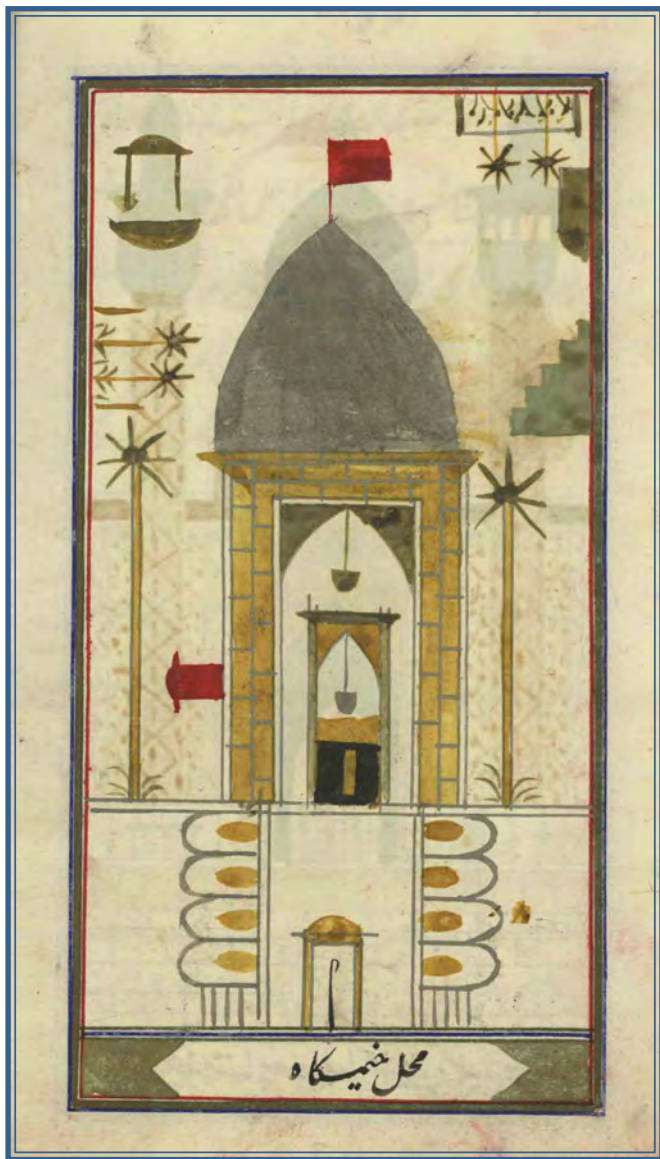
مقام حضرت صاحب الامر عليه السلام و مسجد سهله



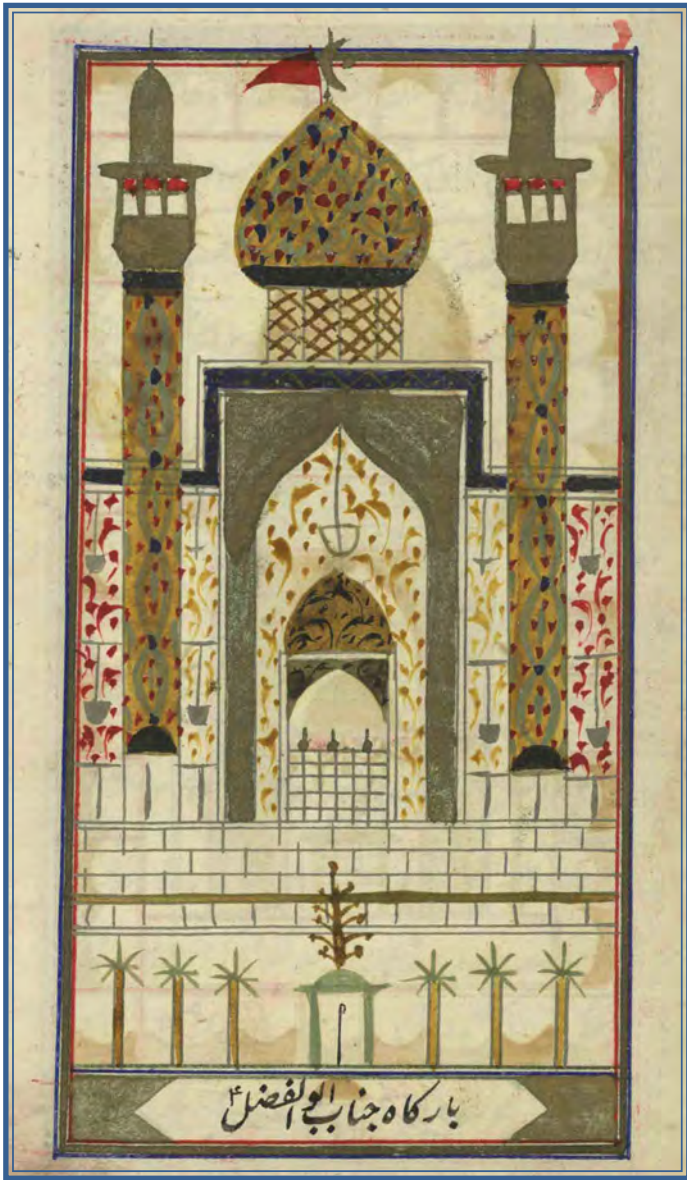
بارگاه جناب قاسم بن موسی بن جعفر علیه السلام در حله



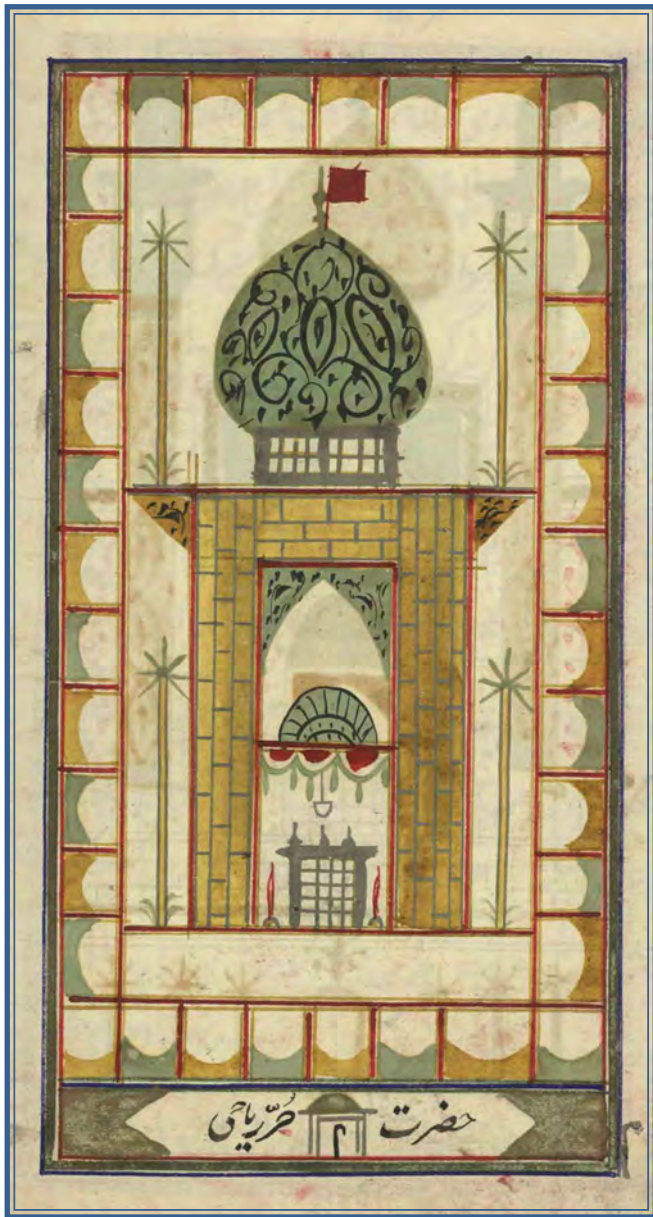
بارگاه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام



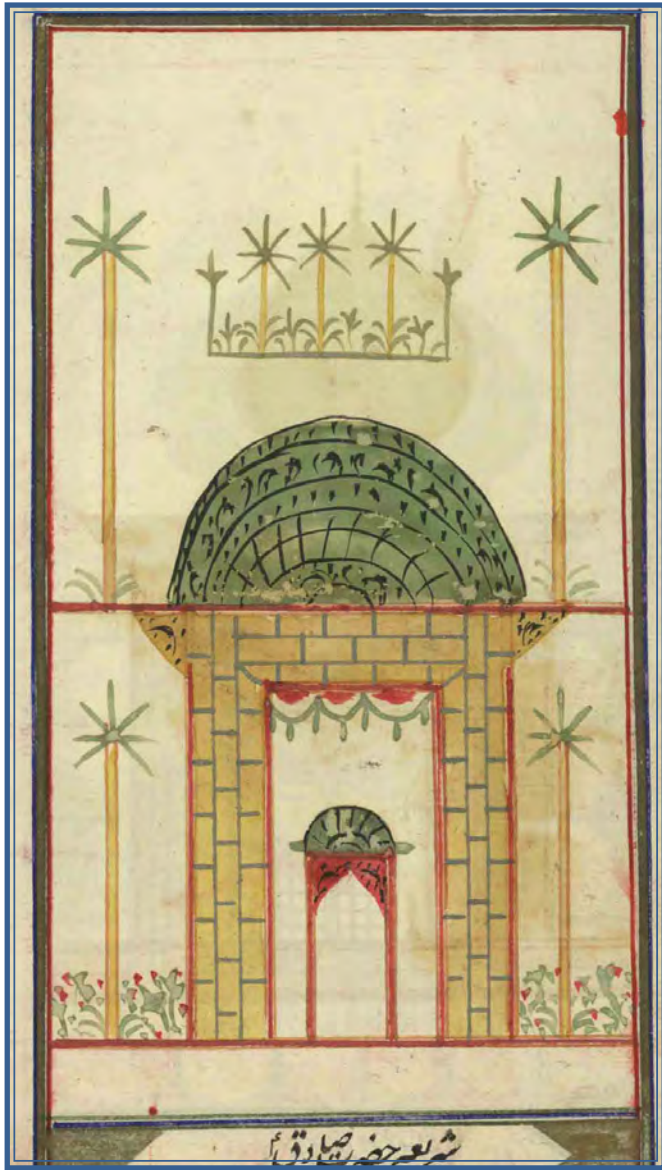
محل خیمه گاه امام حسین علیه السلام



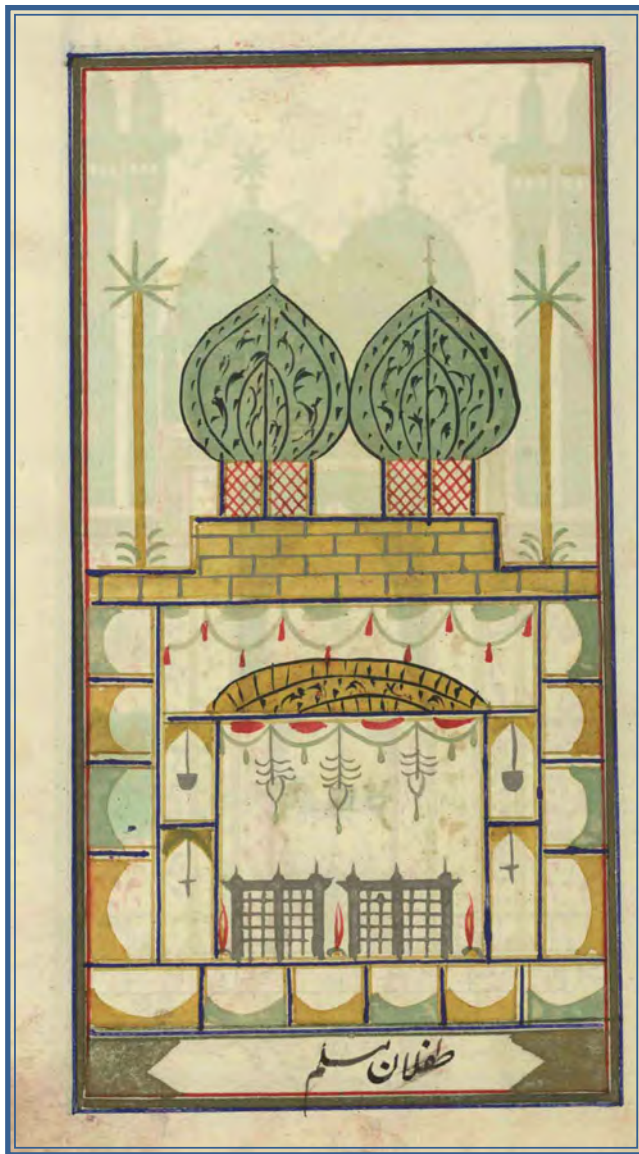
بارگاه حضرت ابوالفضل العباس (ع)



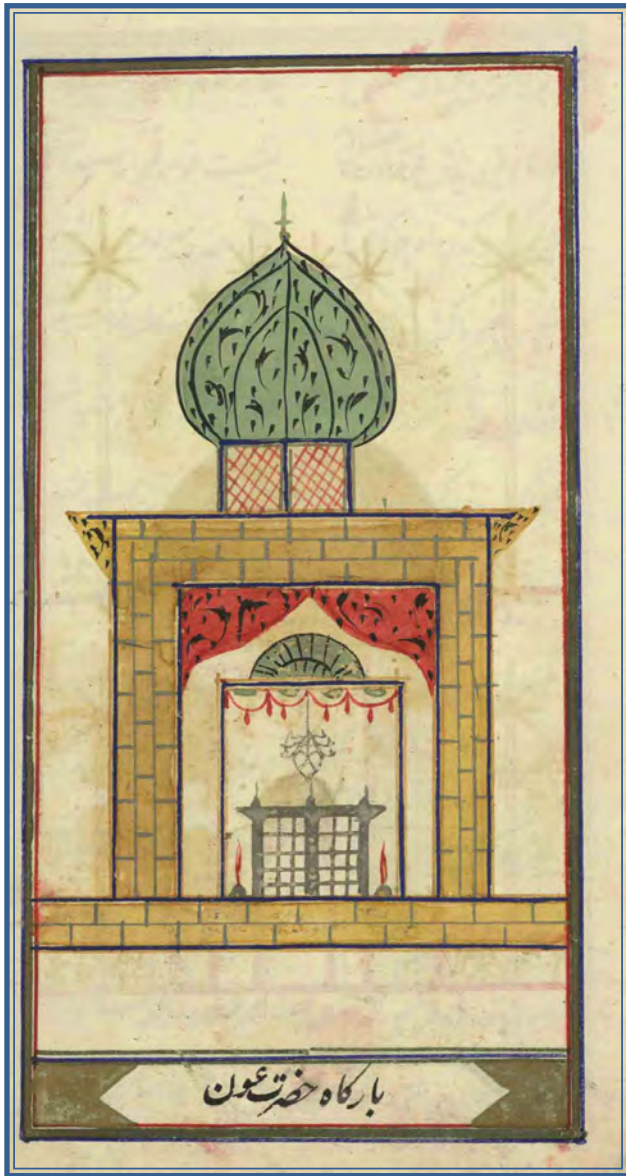
مقبره حر بن یزید ریاحی



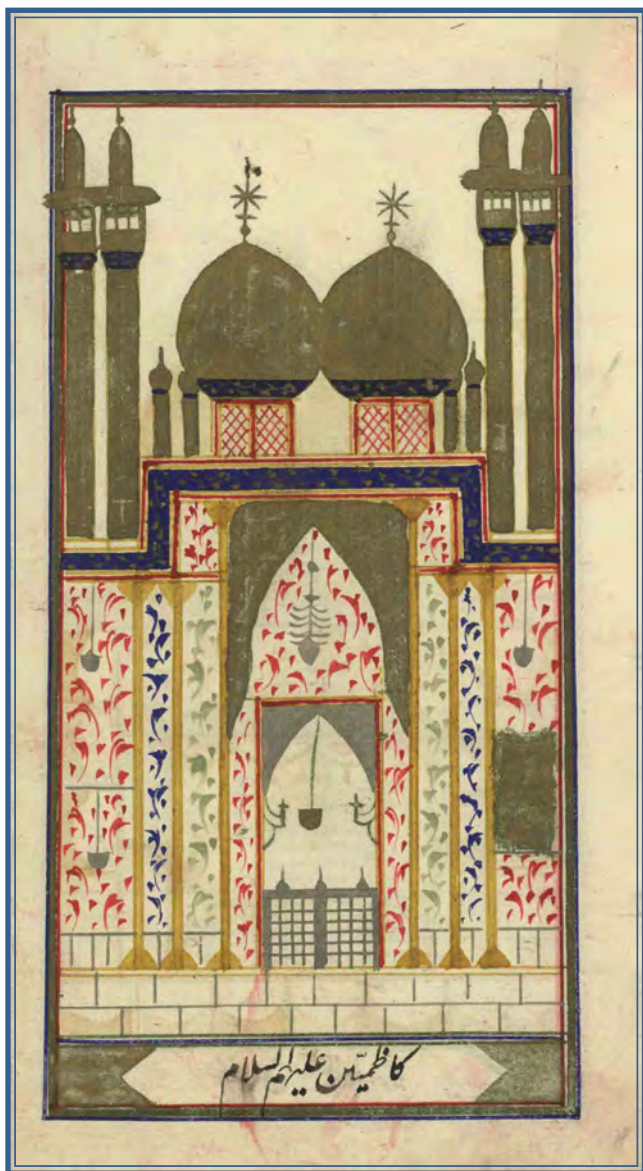
شریعه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام



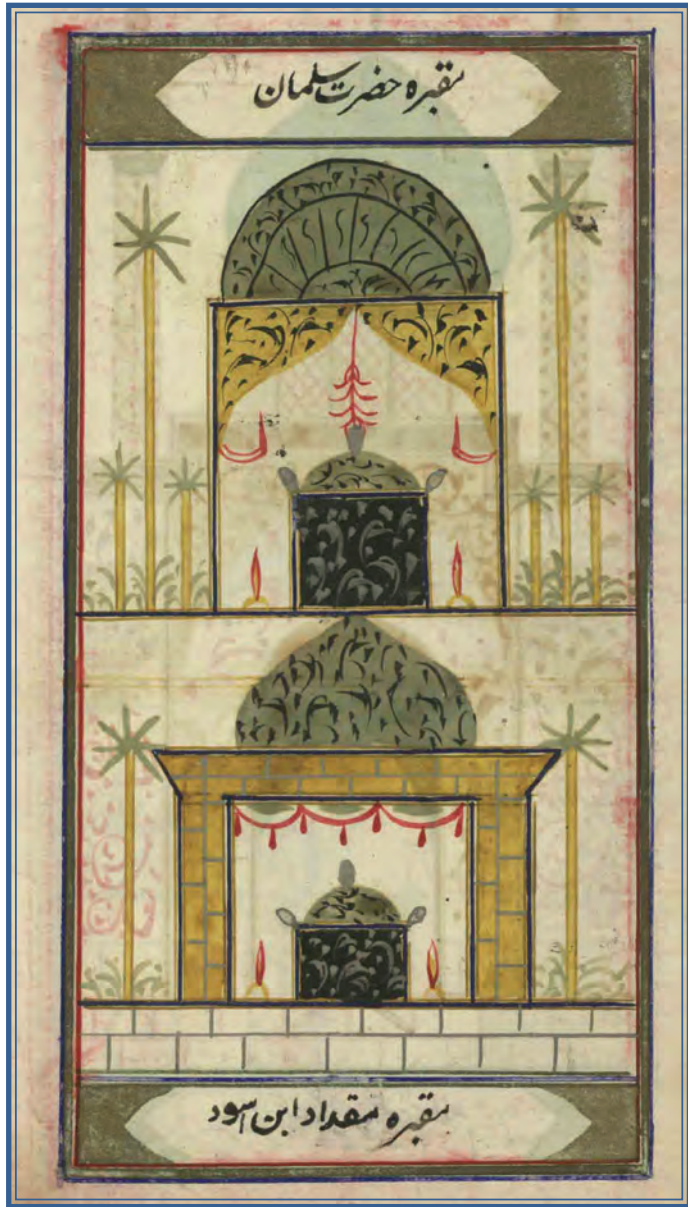
بازگاه طفلان مسلم ع



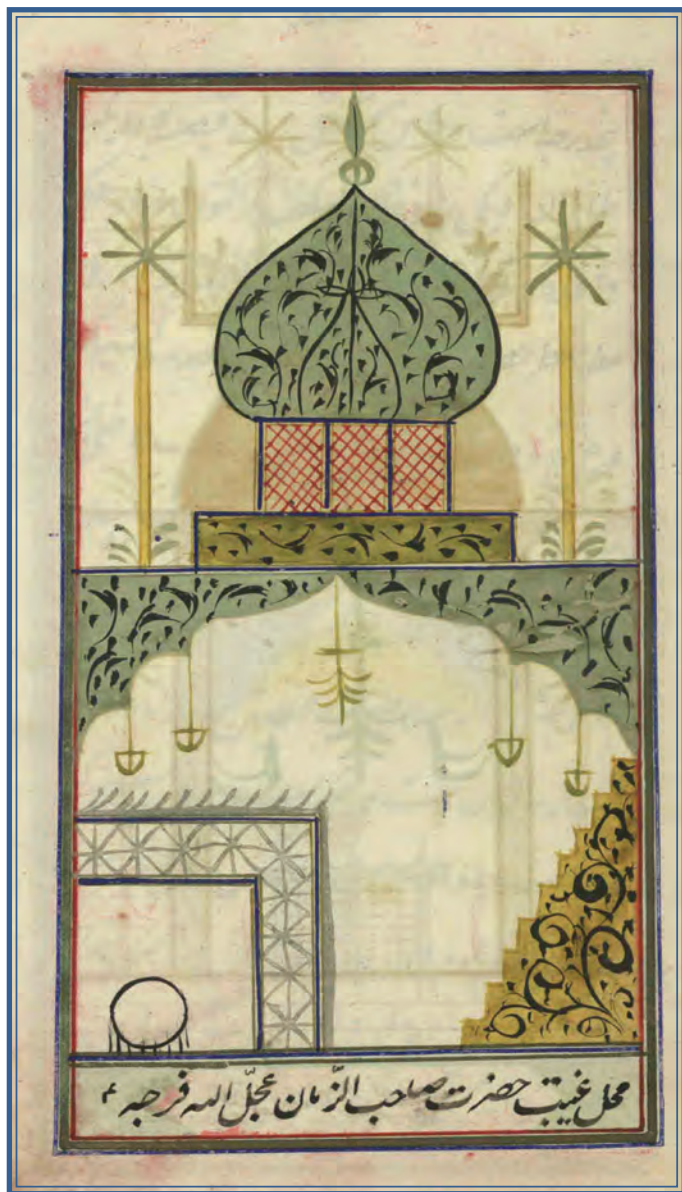
بارگاه حضرت عون علیه السلام



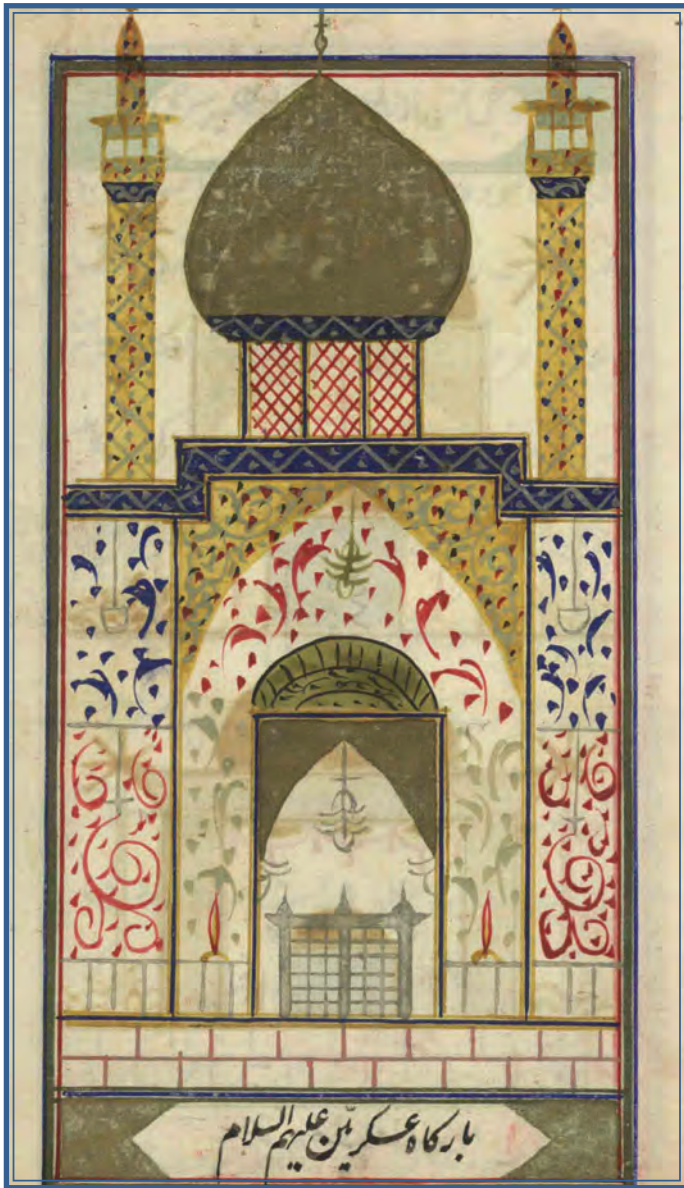
حرم کاظمین علیهم السلام



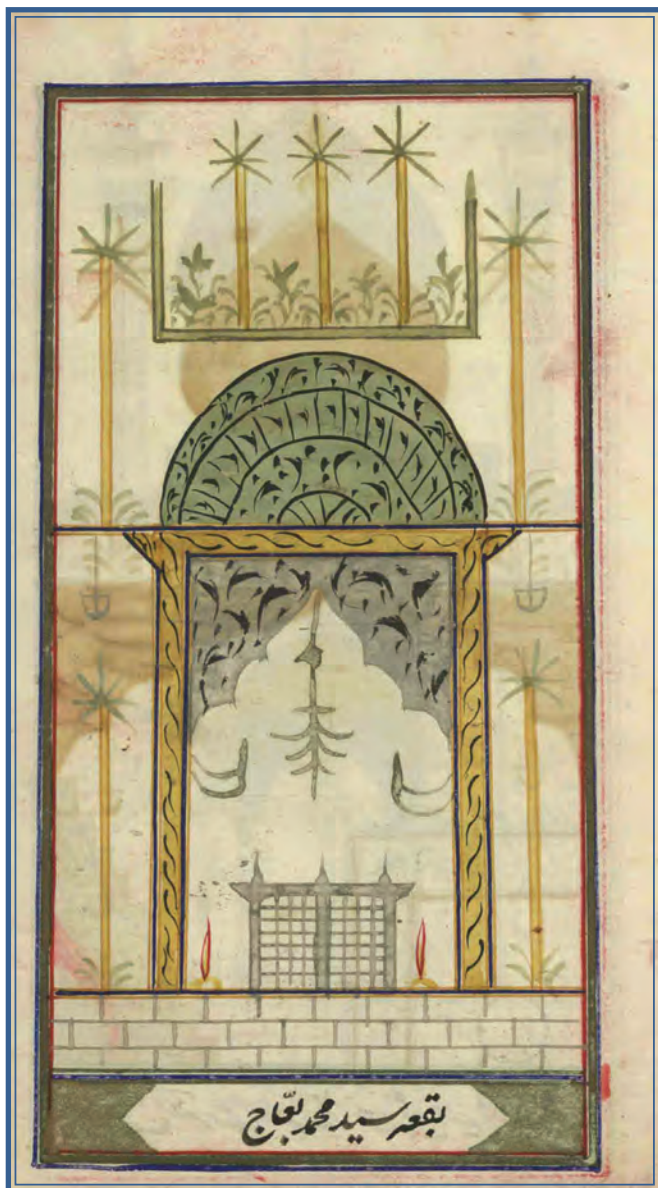
مقبرة حضرت سلمان و مقداد بن اسود



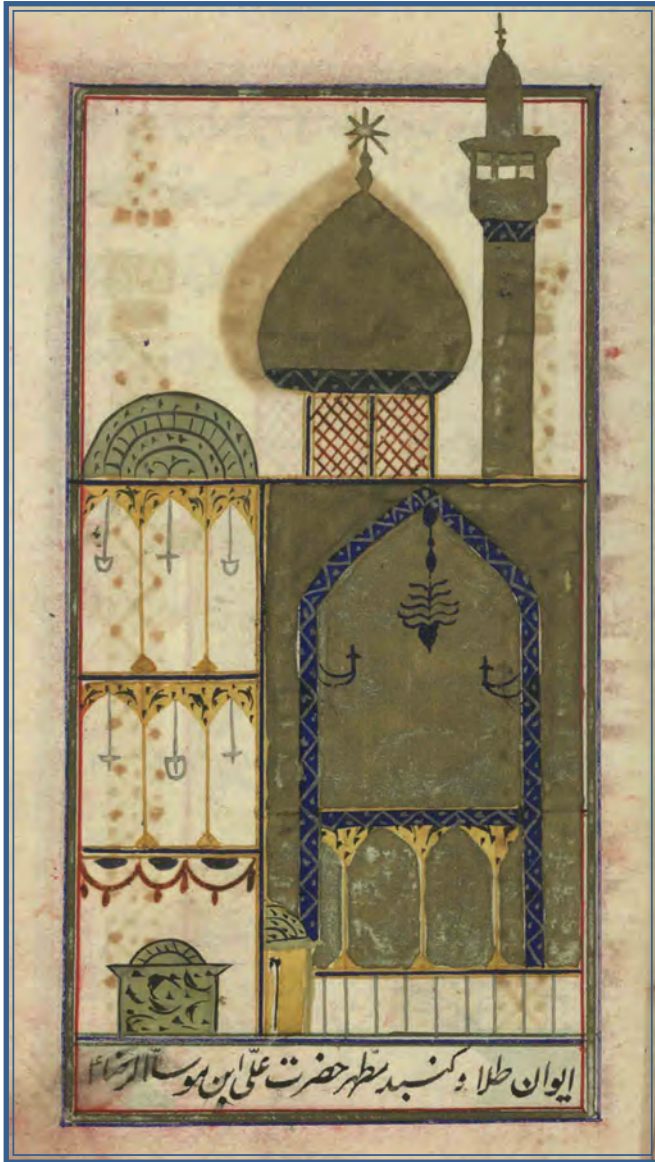
سامراء، محل غیبت حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه



سامراء، بارگاه امامین عسکریین علیهم السلام

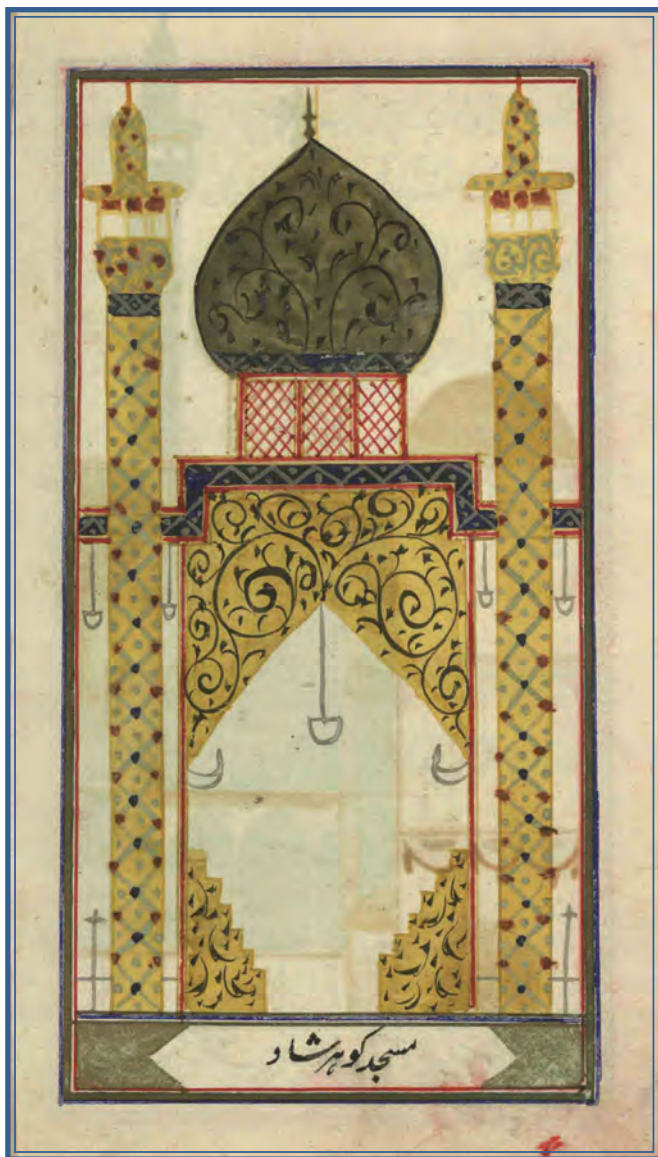


مقبره سید محمد بجاج در نزدیکی سامراء

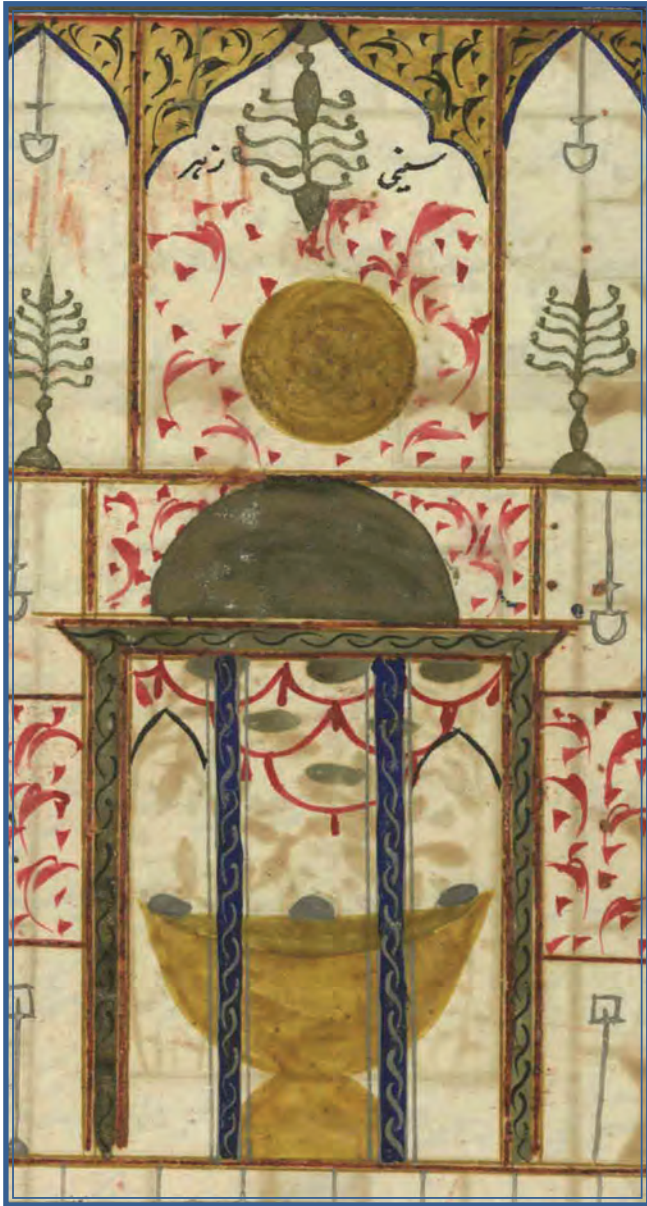


ایوان طلا و گنبد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا

ایوان طلا و گنبد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا



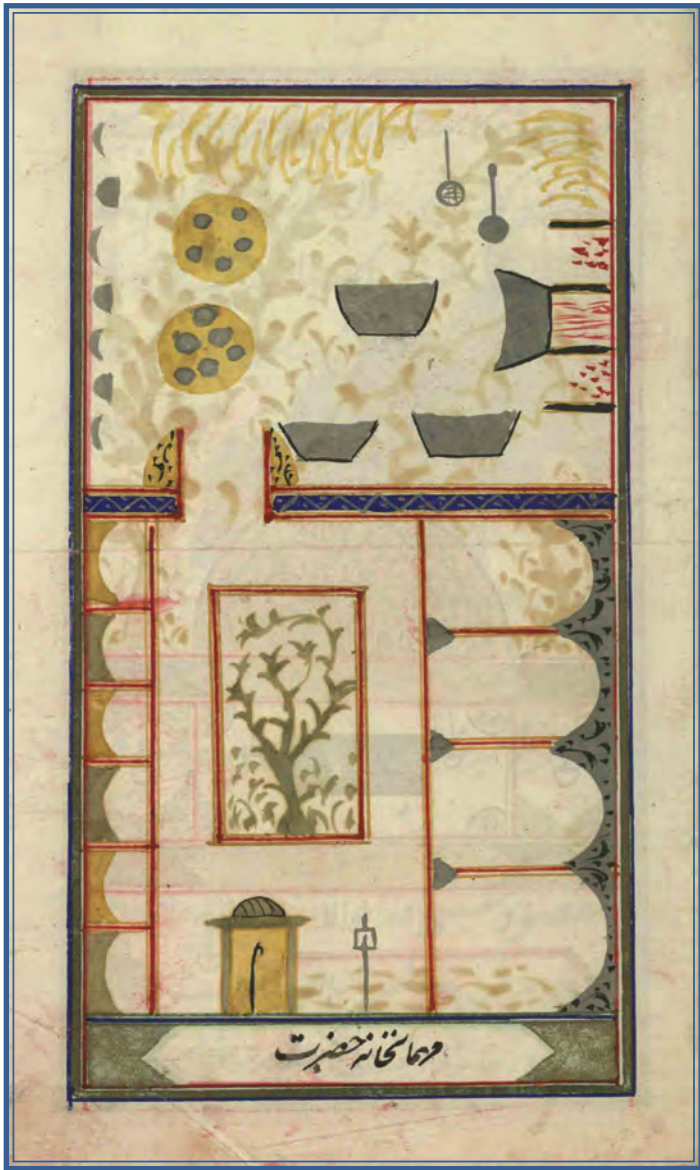
مشهد مسجد گوهرشاد



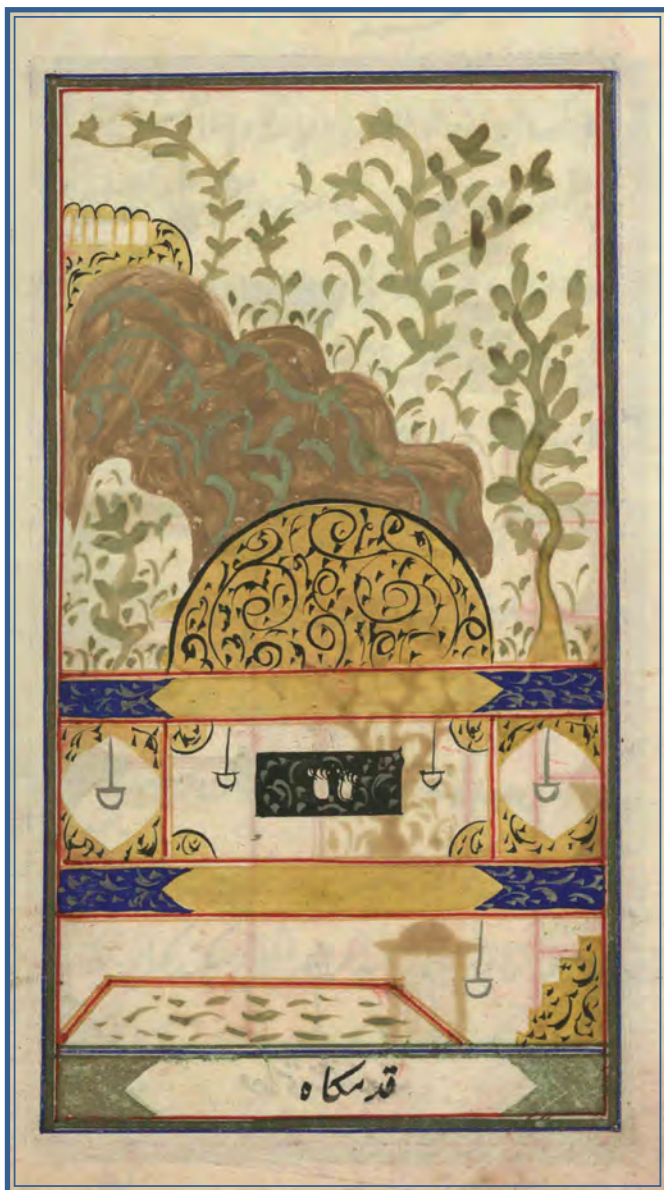
مشهد سقاخانه طلا



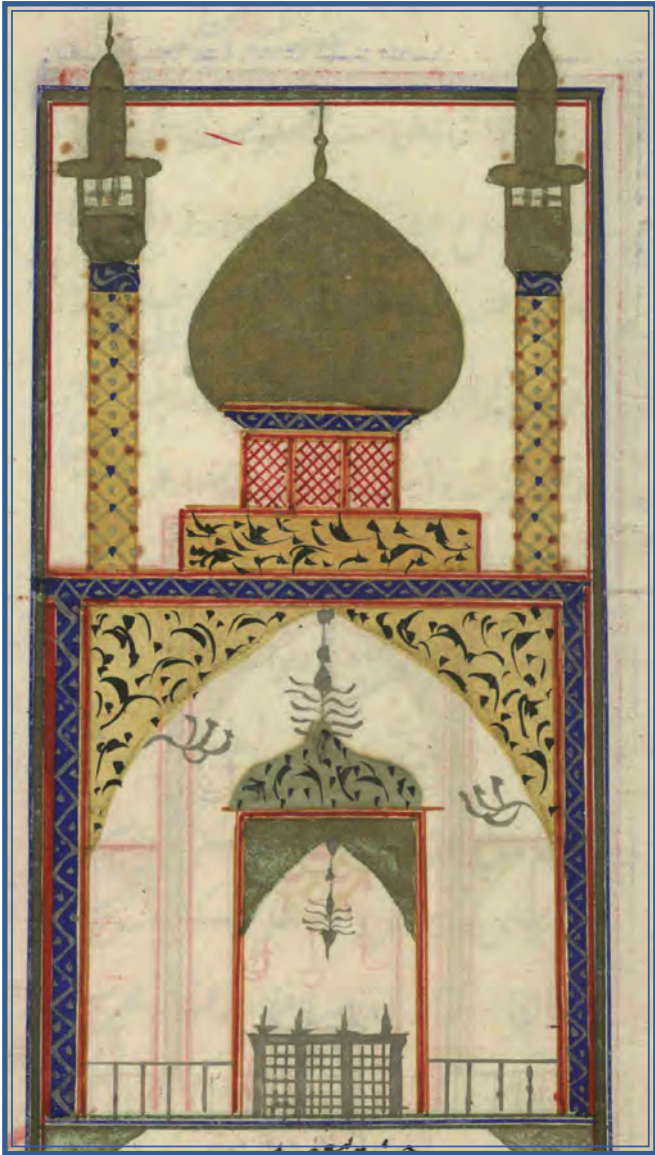
مشهد دارالشفاء حضرت



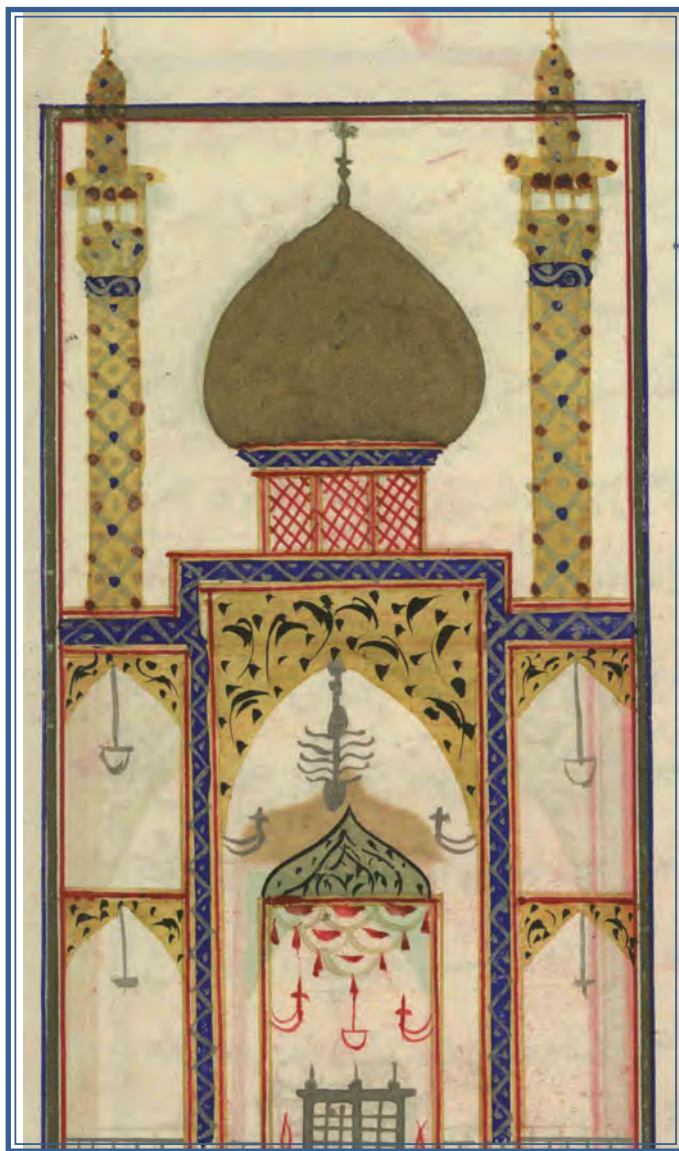
مشهد مهمانخانه حضرت



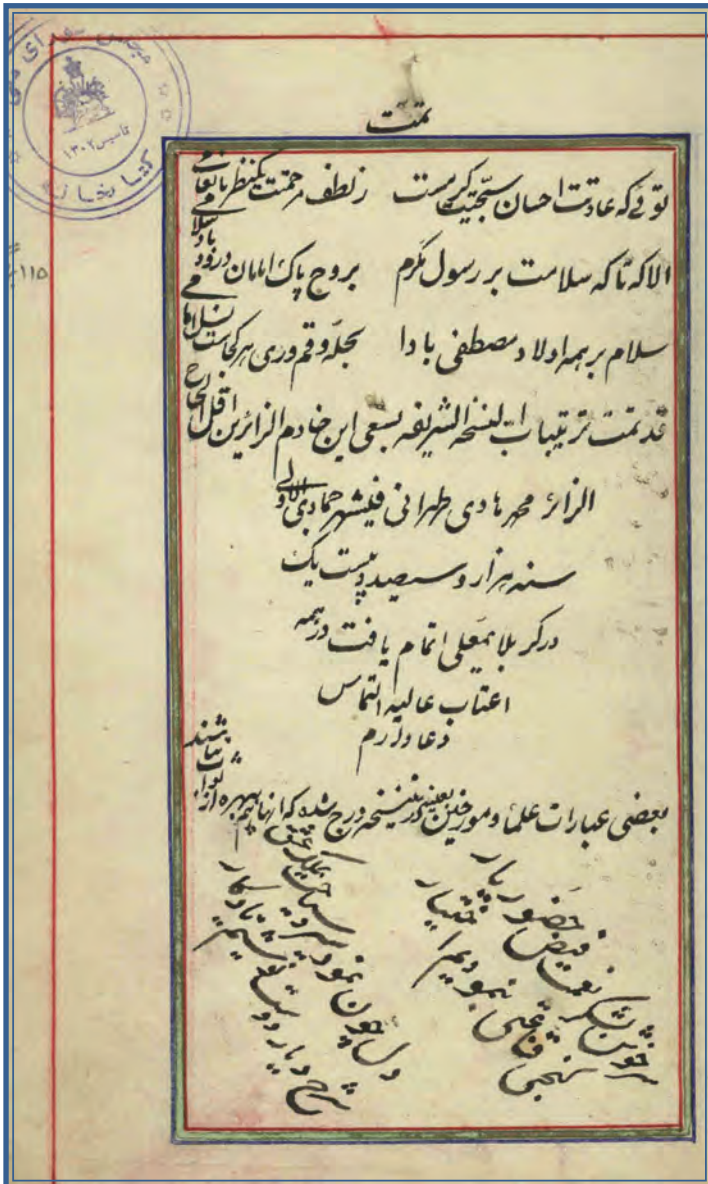
مشهد قدمگاه امام رضا علیه السلام



قم بارگاه حضرت معصومه علیها السلام



شهری بارگاه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام



تصویر آخر نسخه مجلس شورای اسلامی